

پنجمین کنگره ملی

انجمن علمی روانشناسی خانواده ایران

با عنوان:

کیفیت روابط در خانواده ایرانی



جمهوری اسلامی ایران
مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
اندهشکده خانواده



مجموعه چکیده مقالات پنجمین کنگره ملی انجمن علمی روانشناسی خانواده ایران

رئیس کنگره: دکتر سیمین حسینیان
دبیر علمی کنگره: دکتر رضا خجسته مهر
تدوین: دکتر رضا خجسته مهر و مژگان پوردل





پنجمین کنگره ملی

و بجمنر علمی روانشاسی خانوادہ ایران

با عنوان:

کیفیت روابط در خانواده ایرانی



جمهوری اسلامی ایران
مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
اندیشکده خانواده



اهواز - دانشگاه شهید چمران اهواز

۲۴_۲۵ اسفندماه ۱۴۰۲

آخرین مهلت ارسال چکیده مقالات: ۲۰ اسفندماه ۱۴۰۲



سایر عوامل مرتبط با کیفیت روابط در خانواده	اختلالات روانی و کیفیت روابط در خانواده	روابط رضایتمند و سالم مبتنی بر فضیلت های اخلاقی (توانمندی های شخصیتی)
<p>کیفیت روابط زوجین و رضامندی زناشویی</p> <p>آموزش و مداخلات خانواده و کیفیت روابط</p> <p>کیفیت روابط در خانواده و سلامت روانشناختی و تحصیلی فرزندان</p> <p>کیفیت رابطه با خانواده همسر</p> <p>سلامت جنسی در روابط زوجین همسر ساختار قدرت در خانواده ایرانی</p> <p>ارتباط والدین با فرزندان طلاق</p> <p>عوامل اقتصادی-اجتماعی و کیفیت روابط</p> <p>شبکه های مجازی و کیفیت رابطه والد، فرزند روابط عاطفی در خانواده و عملکرد شغلی و سازمانی همسران</p> <p>نقش سیاست گذاری ها و برنامه های کلان کشور بر کیفیت روابط در خانواده</p>	<p>اضطراب</p> <p>افسردگی و اختلالات خلقی</p> <p>وسواس</p> <p>پارانویا و سوظن</p> <p>اختلالات شخصیت (شخصیت مرزی خودشیفته، وابسته)</p> <p>اختلالات جنسی</p> <p>اعتیاد</p> <p>اختلالات عصبی تحولی (ADHD, ASD)</p> <p>اختلالات خواب</p>	<p>قروتنی</p> <p>وفاداری و تعهد</p> <p>بخشش</p> <p>انصاف و عدالت ورزی</p> <p>فداکاری</p> <p>درک کردن</p> <p>قدردالی و تحسین</p> <p>پذیرش و مدارا یا تفاوت ها</p> <p>پاسخگویی</p> <p>احترام</p> <p>شفقت</p> <p>دیدگاه فهمی /همدلی</p> <p>صبر و بردباری</p> <p>نوع دوستی</p> <p>مثبت نگری</p>

وب سایت کنگره: www.fpaicong.ir

پست الکترونیک: familypsych.congress@gmail.com

5th National Congress of Family Psychology Association of Iran
The Quality of Relationships In The Iranian Family
Ahwaz-March 2024



فهرست

تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان طلاق

۱۲..... سیده ستاره آذریان، فاطمه اغاجاری، زلیخا جنادله*.....

پیش بینی اعتیاد بر اساس عملکرد خانواده در دانش آموزان

۱۳..... منیر اسدی^۱، علی شهروی^{۲*}.....

نقش قدرت ایگو، امید به زندگی و تحمل ابهام در پیشبینی خودکارآمدی شغلی زنان سرپرست خانوار

۱۴..... فروغ اسرافیلیان^{۱*}، فرزین باقری شیخانگفشه^۲، حجتاله فراهانی^۳.....

تأثیر سایکویوتیک ها بر تنظیم سلامت روان

۱۵..... فاطمه اشرفی^{۱*}، رقیه روشنی^۲، سمیه اشرفی^۳.....

اثربخشی روان درمانی مبتنی بر بهبود کیفیت زندگی بر شادکامی زناشویی و مثبت نگری زوجین شهر کرمان

۱۶..... ابوالفضل افشاری^{۱*}، محمدحسین رودباری^۲.....

پیش بینی قلدری سایبری بر اساس نیاز های بنیادین و احساس تنهایی در دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر شیراز

۱۷..... صغری افکانه، هانیه مستعد.....

پیش بینی شدت نشانگان اختلالات روانی نوجوانان دختر بر اساس سلامت خانواده اصلی

۱۸..... حسن الهی فر، فرشته اسلامی بابا حیدر.....

رابطه استرس شغلی و سازگاری زناشویی با کیفیت زندگی کاری معلمان

۱۹..... حسن الهی فر، افسانه صالحی عراقی، خدیجه حیدری، فاطمه قاسمی نسب.....

رابطه بهزیستی فضیلت‌گرا و خودکنترلی با رضایت زناشویی در دانشجویان

۲۰..... نصیبه امیرحسینی^۱، فاطمه فروزشیکتا^۲، فهیمه فهیمینزاد^۳.....

مقایسه اضطراب اجتماعی، دشواری در تنظیم هیجان و اختلال استرس پس از ضربه در زنان با و بدون تجربه خیانت زناشویی

۲۱..... فرزین باقری شیخانگفشه^۱، فروغ اسرافیلیان^{۲*}، حجتاله فراهانی^۳.....

اثربخشی واقعیت‌درمانی گروهی بر تعارض کار-خانواده معلمان متأهل مقطع ابتدایی دوم شهر اصفهان

۲۲..... هاجر براتی^۱، پیمان اربابیان^{۲*}.....



مروری بر جایگاه تفکر فلسفی کودکان در آموزش و پرورش ارزش‌ها در دوره پیش‌دبستان و دبستان

۲۳..... پربناز بنیسی^۱، پربیان فرهادی‌افشار^۲، امیر یعقوبی^۳، قنبرعلی دلفان‌آذری^۴.....

اثربخشی رویکرد راه‌حل‌محور بر دلزدگی زناشویی زنان متأهل

۲۴..... مژگان پوردل، رضا قاسمی جوبنه*.....

اثربخشی رویکرد راه‌حل‌محور بر واکنش هیجانی زنان خیانت دیده

۲۵..... مژگان پوردل، منصور سودانی*.....

اثربخشی آموزش مبتنی بر پذیرش و تعهد بر رضایت زناشویی در والدین دانش‌آموزان ابتدایی شهر بن

۲۶..... مجتبی پورکاوه، منصور سودانی، مژگان پوردل.....

اثربخشی آموزش مبتنی بر شفقت به خود بر صمیمیت زناشویی در معلمان متأهل

۲۷..... مجتبی پورکاوه، منصور سودانی، مژگان پوردل.....

تأثیر آموزش خانواده بر اعتیاد به بازی‌های رایانه‌ای

۲۸..... زهرا پولادرکه.....

اثربخشی آموزش تن‌آرامی مبتنی بر واقعیت‌مجازی بر انعطاف‌پذیری کنشی و استرس ادراک شده معنادین در حال بهبودی

۲۹..... نوید پویان.....

مقایسه اثر مدل‌نیازها و سبک‌های دلبستگی بر کیفیت زندگی و میل جنسی در بیماران تالاسمی

۳۰..... آناهیتا تاشک، فرزانه افتخاری، فاطمه محمدی، نگین پورسیدی.....

اثربخشی آموزش تعریف‌های شناختی بر دلزدگی و سبک‌های حل تعارض

۳۱..... آناهیتا تاشک؛ فاطمه باقریه؛ آناهیتا طاهری زاده؛ یسنا قطبی زاده.....

بررسی تجربه زیسته پسران فرزند طلاق نسبت به ازدواج: یک مطالعه کیفی پدیدارشناختی

۳۲..... احسان ثانوی شیرینی.....

اثربخشی زوج‌درمانی مبتنی بر پذیرش و تعهد (ACT) بر رضایت جنسی و صمیمیت زوجی در زوجین نابارور

۳۳..... مجتبی جانعلی پور چنارودخانی.....

تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین بر درگیری تحصیلی دانش‌آموزان

۳۴..... زمرد جنادله، سیده غزال هاشمی، یاسمن حق‌شناس.....

تعیین اثربخشی آموزش فرزندپروری مثبت بر اضطراب امتحان دانش آموزان

۳۵..... نرگس چنانی

تعیین اثربخشی آموزش فرزندپروری مثبت بر قلدری فضای مجازی دانش آموزان

۳۶..... نرگس چنانی

راهکارهای روانشناختی افزایش کیفیت روابط زوجین و رضایتمندی زناشویی

۳۷..... فاطمه حرم باف زاده

تجربه زیسته از ابتلاء به اختلال نارسایی توجه فزون کنشی (ADHD) در سنین پیش دبستان

۳۹..... زهرا حسین زاده ملکی^{۱*}، علی مشهدی^۲، سید کاظم رسول زاده طباطبایی^۳، فاطمه محرری^۴

اثربخشی تلفیقی شفقت به خود و معنادهی به رنج مبتنی بر آموزه‌های اسلامی بر بی‌رمقی زناشویی زوجین دارای فرزند کم‌توان ذهنی

۴۰..... مهران حیدرینیا^{۱*}، زهرا رسولی عمادی^۲، لیلا هاشمی^۳

بررسی اثربخشی زوج درمانی هیجان مدار بر انطباق پذیری و کیفیت ارتباطی والدین

۴۱..... رویا حیدری

اثربخشی آموزش پیش از ازدواج مبتنی بر آگاهی بر ملاک‌های همسرگزینی و کمال‌گرایی در دختران دانشجو مجرد دانشگاه رودهن

۴۲..... الناز خادم صدیق کان

ارتباط بین کیفیت روابط زناشویی و رضایت شغلی در پرستاران بیمارستان شهدا بندرگز

۴۳..... فاطمه خدادادی^۱، سمیه رستمی^۲، ملیحه عباسی^{۳*}

پیش‌بینی رضایت جنسی بر اساس گشودگی به تجربه، خیرخواهی و خشم-اجتناب در زنان متأهل

۴۴..... یداله خرم آبادی^۱، حسین طهماسبی^۲

پیش‌بینی رضایت زنان از حل تعارض در روابط زناشویی بر اساس روان‌رنجوری، بخشش و همدلی

۴۵..... یداله خرم آبادی^۱، حسین طهماسبی^۲

بررسی روشهای آموزش مبتنی بر ذهنخوانی بر سازگاری اجتماعی در خانواده‌های دارای کودک مبتلا به اختلال طیف اتیسم

۴۶..... ماجده خسروی لاریجانی، زینب السادات توکلی

اثربخشی برنامه انتخاب بین فردی و دانش قبل از ازدواج بر نگرش‌های ناکارآمد و انتظارات زناشویی زوجین در آستانه ازدواج

۴۷..... حدیثه خلیلی زاده

تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی به والدین بر تحمل‌پریشانی در دانش‌آموزان دارای افکار خودکشی

مجیده خنیفر ۴۸

تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی به والدین بر شفقت به خود در دانش‌آموزان دارای افکار خودکشی

مجیده خنیفر ۴۹

اثربخشی مشاوره گروهی با رویکرد واقعیت‌درمانی بر ابراز وجود نوجوانان

آمنه دهنوی^۱، زهرا خوشنویسان^۲ ۵۰

تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی به والدین بر سرزندگی تحصیلی دانش‌آموزان

۱-محمد دورمان، ۲-مریم رضایی مهر ۵۱

رابطه‌ی بین سبک‌های دلبستگی و رضایت زناشویی: مطالعه مروری نظام‌مند

فریماه دوکوشکانی^۱، طاهره عبدی^۲، مونا ملیح^۳، ریحانه وظایف‌محمدی^۴، نیلوفر سپهرم^۵ ۵۲

مقایسه رشد هیجانی کارکردی و کیفیت دوستی در کودکان دارای اختلال کم‌توجهی - بیش‌فعالی و کودکان عادی

سعیده راد، لیلا بخشی سورشجانی ۵۳

پیشبینی اعتیاد به بازی‌های رایانه‌ای بر اساس اهمال‌کاری تحصیلی و احساس تنهایی با واسطه عملکرد خانواده در دانش‌آموزان

زهرا راد، لیلا بخشی سورشجانی ۵۴

اثربخشی آموزش توانمندسازی خانواده بر تغییر جو عاطفی خانواده و کاهش افسردگی نوجوانان

زینب رجب زاده^۱، نعیمه مومنی^۲، آزاده موسوی^۳، کبری جرنگ^۴، منیژه جعفری^۵ ۵۵

تعیین اثربخشی آموزش فرزندپروری مثبت بر اهمال‌کاری تحصیلی دانش‌آموزان

مریم رضایی مهر ۵۶

بررسی اثربخشی آموزش مبتنی بر مثبت‌اندیشی بر سازگاری و تاب‌آوری زناشویی زوجین شهر کرمان

محمدحسین رودباری* ۵۷

بررسی اثربخشی درمان هیجان‌مدار بر میزان تعارضات و تعهد زناشویی زوجین در آستانه جدایی شهر کرمان

محمدحسین رودباری* ۵۸

بررسی اثربخشی طرحواره‌درمانی بر افزایش رضایت زناشویی و تغییر نگرش روابط فرازناشویی زوجین

محمدحسین رودباری* ۵۹

اثربخشی آموزش معنویت درمانی بر افزایش دلبستگی و کاهش خیانت زناشویی

محمد رحیم روشن، صدیقه رجبی علیایی، سوگل علی نژاد، آرش رحیمی پور، محسن پازوکی ۶۰

نقش مهارت حل مسئله در کاهش تعارضات زوجین متقاضی طلاق

محمد هادی زین العابدینی^۱، فاطمه احسانی^۲ ۶۱

مطالعه سهم عوامل دموگرافیکی در تبیین تمایل به فرزندآوری در بین زنان متأهل شهر ارومیه

موسی سعادت^{۱*}، نسرین ولیزاده داش تپه^۲، رامین حاتمی^۳ ۶۲

مطالعه رابطه بین سبک های فرزندپروری و کرایش به اعتیاد

موسی سعادت^{۱*}، محمد مهدی پور^۲ ۶۳

تعیین اثربخشی آموزش مهارت های ارتباطی والدین بر اعتیاد به فضای مجازی دانش آموزان

سامان سعیدی* ۶۴

پیش بینی انطباق پذیری همبستگی خانواده زنان متقاضی طلاق بر اساس تمایز یافتگی و انسجام روانی

۱. سجاد سلطان حسینی، ۲. بهمن کرد تمینی، ۳. زیبا کریمی* ۶۵

مدلیابی خودتنظیمی تحصیلی دانش آموزان بر اساس عملکرد خانواده، جو مدرسه و سرسختی روانشناختی با نقش اثرگذار خودکارآمدی

تحصیلی

علی شهروی^{۱*}، حمید رزاقی^۲ ۶۶

اثربخشی برنامه آموزش والدین در پر خاشگری نوجوانان

افسانه صالحی عراقی، دکتر مجتبی امیری مجد ۶۸

اثربخشی برنامه آموزش والدین بر تعارض والد-نوجوان

افسانه صالحی عراقی، دکتر مجتبی امیری مجد ۶۹

بررسی رابطه راهبردهای تنظیم هیجان و ناگویی هیجانی با سخت رویی کاربران شبکه های اجتماعی

زهره صابن پور، حسین علی قنادزادگان، عادل امیرخانلو ۷۰

بررسی قدرت پیش بینی کنندگی برون گرایی، خیر خواهی و خشم-اجتناب در رضایت زنان از ارتباط با خانواده و دوستان در پیوندهای زناشویی

حسین طهماسبی^۱، یداله خرم آبادی^۲ ۷۱

پیش بینی رضایت زنان از جهت گیری مذهبی در پیوندهای زناشویی بر اساس توافق پذیری، همدلی شناختی و همدلی هیجانی

حسین طهماسبی^۱، یداله خرم آبادی^۲ ۷۲



- ارزیابی نقش وظیفه‌شناسی، همدلی شناختی و همدلی هیجانی در پیش‌بینی رضایت زنان از مدیریت مالی در روابط زناشویی
 ۷۳..... حسین طهماسبی^۱، یداله خرم آبادی^۲.....
- ارتباط تاب‌آوری و سرسختی زندگی با سازگاری (عمومی و بهداشتی) زنان شاغل و غیر شاغل
 ۷۴..... عابدین دارابی عمارتی^۱، ساحل اسماعیلی^۲.....
- نقش سرسختی خانواده و صبر در سازگاری تحصیلی دانشجویان
 ۷۵..... مهرناز علیرضائی، رضا قاسمی جوبنه.....
- تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین بر فرسودگی تحصیلی دانش‌آموزان
 ۱- ندا غلامی^۲ - لیلا جلالی^۳ - مریم رئیسی*.....
 ۷۶.....
- مدل‌یابی ساختاری ارتباط ترس از ارزیابی منفی با استرس ادراک‌شده زنان نابارور: با نقش میانجیگری شایستگی اجتماعی-هیجانی
 ۷۷..... حجتاله فراهانی^۱، فرزین باقری شیخانگفته^۲، فروغ اسرافیلیان^۳.....
- رابطه بین کیفیت روابط والد-فرزند با میزان گرایش فرزندان به اعتیاد به بازی‌های آنلاین
 ۷۸..... امیررضا فرقانی*^۱، حانیه سعیدی جوان^۲، مبینا فرقانی^۳.....
- کیفیت رابطه والد-فرزند بر میزان گرایش فرزندان به اعتیاد به قمار
 ۷۹..... امیررضا فرقانی*^۱، مبینا فرقانی^۲.....
- رابطه بین جو عاطفی خانواده و احساس تنهایی در فرزندان
 ۸۰..... مبینا فرقانی*^۱، امیررضا فرقانی^۲.....
- ارتباط بین تحمل پریشانی با صمیمیت زناشویی با میانجی‌گری انصاف در زنان دارای تعارض با همسر: یک مدل علی
 ۸۱..... مژگان فرهادیان نژاد، طلوع قهرمانی قره شیران، محمد علی زارعی.....
- بررسی رابطه‌ی بین جو عاطفی خانواده با افسردگی در زنان متأهل
 ۸۲..... دکتر مهدی قدرتی میر کوهی، ابوالفضل نظری، فاطمه نیکزاد.....
- بررسی اثربخشی زوج درمانی هیجان‌مدار بر ناگویی هیجانی و اضطراب زوجین
 ۸۳..... طاهره قنبری نژاد.....
- اثربخشی آموزش ایماگو تراپی بر کاهش طلاق عاطفی، تحمل پریشانی در زوجین دارای تعارض با همسر
 ۱- طلوع قهرمانی قره شیران^۲ - مژگان فرهادیان نژاد^۳ - محمد علی زارعی.....
 ۸۴.....

پیشینی ثبات زناشویی دانشجویان زن: نقش همدلی زناشویی، تعارض تحصیل - خانواده و راهبردهای حفظ رابطه

امین کرایه^۱، مونا گلچین^۲، یاسمن فولادیوندا^۳..... ۸۵

آزمون مدل اثرات مستقیم و غیرمستقیم عناصر سرمایه گذاری در رابطه بر ثبات رابطه زناشویی زنان شاغل در ادارات شهر اهواز: نقش میانجی ادراک انصاف

امین کرایه^۱، مائده یزدانیپور^۲..... ۸۶

رابطه ساختاری انگیزش پیشرفت و سرمایه‌فکری با کیفیت زندگی‌کاری معلمان: نقش میانجی پذیرش اجتماعی

صدیقه کرم پور، لیلا بخشی سورشجانی..... ۸۷

تعیین اثربخشی آموزش فرزندپروری مثبت بر اعتیاد به فضای مجازی دانش‌آموزان

اعظم کریمی پور*..... ۸۸

بررسی رابطه ناگویی هیجانی و اعتیاد اینترنتی در نوجوانان

مهشید کیوانلو^{۱*}، حانیه سعیدی جوان^۲..... ۸۹

کیفیت زناشویی زنان شاغل: نقش پیش بین سبک های دل بستگی، هوش هیجانی و استرس شغلی

مونا گلچین^۱، مسعود برومندنسب^۲..... ۹۰

تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین بر کمال‌گرایی تحصیلی دانش‌آموزان

مریم مرادی*..... ۹۱

بررسی تأثیر آموزش شیوه های فرزند پروری بر بهزیستی روانشناختی و سلامت روان مادران باردار

سمیه مرتضی قلی^۱، امیر طباطبائی^{۲*}، مائده محمدی^۳..... ۹۲

نقش حمایت اجتماعی، بهزیستی روانی و استفاده آسبیزا از اینترنت در صمیمیت عاطفی زنان متأهل

شقایق مصیبی^۱، حانیه ابراهیمی دریاسر^۲..... ۹۳

کیفیت روابط در خانواده و سلامت روانشناختی و تحصیلی فرزندان

امیرعلی موسی زاده، پوریا بابازاده..... ۹۴

عوامل خانوادگی مؤثر بر سلامت روانی فرزندان: مطالعه مروری نظامند

زهرا میرزائی..... ۹۵

بررسی رابطه سبک های دل بستگی و تنظیم هیجان در زنان متأهل

فاطمه نوری^{۱*}، احمدرضا کیانی^۲، حسین قمری گیوی^۳..... ۹۶

بررسی رابطه سبکهای دلبستگی و اسنادهای ارتباطی در زنان متأهل

فاطمه نوری^{۱*}، احمدرضا کیانی^۲، حسین قمری گیوی^۳ ۹۷

پیش‌بینی اهمال‌کاری تحصیلی بر اساس مهارت‌های حل مسئله و خودتنظیمی هیجانی در دانش‌آموزان

نسیم یزدانی مقدم^۱، محمد خیر^۲، دکتر مرتضی عباسی^۳ ۹۸

بررسی اثربخشی آموزش تفکر سیستمی در بهبود تعارضات زوجین

پیمان یوسف زاده^۱، نگین زرنگار^۲، رضاهوشمند کاخکی^۳ ۹۹



تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین بر سازگاری اجتماعی دانش آموزان طلاق

سیده ستاره آذریان، فاطمه اغاجاری، زلیخا جنادله*

۱. کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان اهواز، اهواز، ایران

۲. کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان اهواز، اهواز، ایران

۳. کارشناسی آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

zjnadhle79@gmail.com

زمینه و هدف: جدایی برای اعضای خانواده یک عامل استرس‌زای بسیار قوی است که فرزندان را تحت تاثیر قرار می‌دهد و منجر به تجربه کردن بحران‌های روانی و اجتماعی و باعث کاهش سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان می‌گردد. سازگاری اجتماعی را می‌توان به عنوان توانایی سازگاری، سازش، همکاری، محیط و دیگران تعریف کرد. مهارت‌های ارتباطی والدین با کمک به درک نقطه نظرات طرف مقابل و تفهیم نقطه نظرات خویش به سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان کمک می‌کند لذا با توجه به مطالب بیان شده پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان طلاق انجام گرفت.

روش پژوهش: پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش از نوع آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه والدین دانش‌آموزانی که طلاق گرفته و در پرسش‌نامه سازگاری اجتماعی (AISS) نمره پایینی گرفته بودند به روش نمونه‌گیری در دسترس به عنوان نمونه انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه ۱۵ نفره (۱۵ نفر گروه آزمایش و ۱۵ نفر گروه کنترل) جایگزین شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه سازگاری (AISS) استفاده شد. شرکت‌کنندگان گروه آزمایش، ۸ جلسه برنامه‌ی آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین را دریافت نمودند. داده‌ها با استفاده از روش آماری تحلیل کوواریانس، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد که آموزش مهارت‌های ارتباطی به والدین بر سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان طلاق موثر است. بدین صورت که پس از تعدیل نمره‌های پیش‌آزمون بین نمرات پس‌آزمون آزمودنی‌های دو گروه آزمایش و کنترل در فرسودگی تحصیلی (AISS) تفاوت معناداری وجود داشت ($p < 0/01$).

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر که نشان‌دهنده تاثیر برنامه آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین در افزایش سازگاری اجتماعی دانش‌آموزان طلاق بوده است، افزایش مهارت‌های ارتباطی والدین موجب نزدیک تر شدن روابط فرزندان می‌گردد. فرزندانی که دچار آسیب‌هایی ناشی از بحران طلاق می‌شوند که موجب کاهش سازگاری اجتماعی آن‌ها و امکان فاصله گرفتن از والدین می‌گردد با بهبود مهارت‌های ارتباطی والدین این عامل می‌تواند نقش حیاتی را در سازگار شدن فرزندان داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین، سازگاری اجتماعی، دانش‌آموزان، طلاق

پیش بینی اعتیاد بر اساس عملکرد خانواده در دانش آموزان

منیر اسدی^۱، علی شهروی^{۲*}

۱- کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

۲- دکترای روانشناسی، عضو هیات علمی وابسته دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

dr.a.shahravi@gmail.com

زمینه و اهداف: امروزه اینترنت و فضای مجازی با تمام تار و پود زندگی انسان در هم تنیده شده است و از جمله اختلالاتی که ممکن است برای افراد خصوصاً دانش آموزان رخ بدهد اختلال اعتیاد به اینترنت است. این پژوهش با هدف پیش‌بینی اعتیاد به اینترنت بر اساس عملکرد خانواده در دانش آموزان انجام پذیرفته است. **روش پژوهش:** روش پژوهش حاضر نوع توصیفی-همبستگی بود. جامعه آماری مورد مطالعه را کلیه دانش‌آموزان مدارس متوسطه دوره دوم شهرسده (اقلید) در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ تشکیل دادند. حجم نمونه آماری ۲۰۵ نفر با استفاده از روش کوکران تعیین شد که این تعداد به روش تصادفی انتخاب شدند. پرسشنامه اعتیاد به اینترنت کیمبرلی یانگ (۱۹۹۶) و عملکرد خانواده مک مستر (۱۹۸۳) ابزار پژوهش بودند. عملکرد صحیح خانواده، ارتباطات و ساختار خانوادگی، ارتباط و تعاملات افراد با دیگران، نقش‌هایی که در خانواده برای فرد در نظر گرفته شده، پاسخگویی عاطفی، آمیزش عاطفی و کنترل رفتاری از جمله خرده مقیاس‌های این پژوهش بوده‌اند.

از نرم افزار آماری SPSS نیز برای تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

یافته‌ها: براساس نتایج به دست آمده، سطح معناداری برای عملکرد خانواده، برابر ۰/۰۵ بود. بنابراین متغیر عملکرد خانواده توانایی پیش‌بینی اعتیاد به اینترنت را دارد.

به صورت منفی اعتیاد به اینترنت را پیش‌بینی می‌کند. $\beta = -0/362$ همچنین با توجه به مقادیر عملکرد خانواده با ضریب

نتیجه‌گیری: بر این اساس می‌توان نتیجه گرفت که عملکرد خانواده پیش‌بینی کننده مناسبی برای کاهش و کنترل اعتیاد به اینترنت دانش‌آموزان است.

کلید واژه‌ها: اعتیاد به اینترنت، عملکرد خانواده، دانش آموز

نقش قدرت ایگو، امید به زندگی و تحمل ابهام در پیش‌بینی خودکارآمدی شغلی زنان سرپرست خانوار

فروغ اسرافیلیان^{۱*}، فرزین باقری شیخانگفشه^۲، حجت‌اله فراهانی^۳

۱. استادیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری تخصصی روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۳. استادیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

esrafilian.fo@modares.ac.ir

زمینه و هدف: حفظ سلامت روانی در زنان سرپرست خانوار بسیار مهم است زیرا این زنان علاوه بر مسئولیت‌های خانوادگی، مسئولیت‌های مالی و اقتصادی خانواده را نیز برعهده دارند. این افراد می‌توانند در مسائل روزمره یا در مواقع بحران به زنان سرپرست خانوار کمک کنند. در این زمینه، پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش قدرت ایگو، امید به زندگی و تحمل ابهام در پیش‌بینی خودکارآمدی شغلی زنان سرپرست خانوار انجام شد.

روش پژوهش: طرح پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل زنان سرپرست خانوار استان تهران در سال ۱۴۰۲ بود. در مطالعه حاضر، ۲۶۰ زن سرپرست خانوار مشارکت داشتند. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌های قدرت ایگو، امید به زندگی، تحمل ابهام و خودکارآمدی شغلی استفاده شد. در این پژوهش از آمار توصیفی جهت محاسبه فراوانی‌ها و ترسیم جداول استفاده گردید و در آمار استنباطی از آزمون همبستگی و رگرسیون چندگانه با مدل همزمان استفاده شد. سطح معنی‌داری برای تمامی فرضیه‌ها کمتر از ۵ صدم در نظر گرفته شد. همچنین برای تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۴ استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج به‌دست آمده نشان داد قدرت ایگو، امید به زندگی و تحمل ابهام با خودکارآمدی شغلی زنان سرپرست خانوار همبستگی مثبت و معناداری دارد. نتایج رگرسیون نشان داد که قدرت ایگو، امید به زندگی و تحمل ابهام به طور معناداری توانستند ۶۷ درصد از تغییرات خودکارآمدی شغلی زنان سرپرست خانوار را پیش‌بینی کنند ($P < 0/01$).

نتیجه‌گیری: یافته‌های این پژوهش نشان داد قدرت ایگو، امید به زندگی، و تحمل ابهام می‌توانند بهبود خودکارآمدی شغلی زنان سرپرست خانوار را ترویج دهند. این نتایج می‌توانند به مشاوران و تخصصی‌ترین روان‌شناسان کمک کنند تا راهبردهای بهتری برای تقویت خودکارآمدی شغلی در این زنان ارائه دهند و آنها را در تعامل با چالش‌های شغلی بهبود دهند. در واقع، این نتایج تأکید می‌کنند که عوامل روان‌شناختی و امیدواری می‌توانند به عنوان عوامل کلیدی در تقویت خودکارآمدی شغلی زنان سرپرست خانوار عمل کنند. از این رو، توجه به افزایش این عوامل و ارتقاء خودکارآمدی شغلی زنان سرپرست خانوار می‌تواند موجب بهبود شرایط اجتماعی و اقتصادی آنها شود.

واژه‌های کلیدی: قدرت ایگو، امید به زندگی، تحمل ابهام، خودکارآمدی شغلی، سرپرست خانوار

اثربخشی روان درمانی مبتنی بر بهبود کیفیت زندگی بر شادکامی زناشویی و مثبت نگری زوجین شهر کرمان

ابوالفضل افشاری^{۱*}، محمدحسین رودباری^۲

۱_ دانشجوی دکتری تخصصی مشاوره، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، هرمزگان، ایران.

۲_ کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، هرمزگان، ایران.

abolaf76@gmail.com

زمینه و هدف: روان درمانی مبتنی بر بهبود کیفیت زندگی بر پایه روان‌شناسی مثبت‌نگر، شناخت درمانی و نظریه کیفیت زندگی استوار بوده و به دنبال تمرین‌های عملی برای بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی است. شادکامی زناشویی زوجین یک ساختار موازی با رضایت زناشویی است که شامل ابعاد نگرش و همچنین احساسات و عواطف مثبت زوجین است. مثبت نگری شکلی از فکر کردن است که برحسب عادت در پی به دست آوردن بهترین نتیجه از بدترین شرایط در زندگی می‌باشد. پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی روان درمانی مبتنی بر بهبود کیفیت زندگی بر شادکامی و مثبت نگری زوجین شهر کرمان انجام شد.

روش پژوهش: پژوهش حاضر از نوع نیمه آزمایشی (پیش آزمون پس آزمون با پیگیری و گروه کنترل) بود که با استفاده از طرح پیش آزمون پس آزمون با پیگیری با گروه کنترل انجام گرفت. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زوجین دارای افسردگی و احساس بی‌ارزشی در روابط مراجعه کننده به مرکز مشاوره مهر کرمان بود. که در این میان آن‌ها تعداد ۳۰ زوج با روش نمونه گیری دسترس انتخاب و به طور تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و گروه کنترل (۱۵ نفر) جایگزین شدند. جهت جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های افسردگی (BDI-II) و پرسشنامه شادکامی زناشویی (MHS) استفاده شد و آزمودنی‌ها پرسشنامه‌ها را به عنوان پیش آزمون تکمیل نمودند. سپس زوجین گروه آزمایش تحت درمان ۱۲ جلسه‌ای هر جلسه به مدت ۲ ساعت روان درمانی مبتنی بر بهبود کیفیت زندگی قرار گرفتند و گروه کنترل هیچگونه مداخله‌ای دریافت نمودند و مجدداً پس آزمون پس از ۳ ماه از پیگیری بر روی گروه کنترل و آزمایش اجرا شد. داده‌های جمع آوری شده با استفاده از روش تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر در نرم افزار SPSS ۲۴ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: براساس یافته‌های تحلیل واریانس با اندازه گیری مکرر مشخص شد که روان درمانی مبتنی بر بهبود کیفیت زندگی میانگین، نمرات افسردگی را کاهش و شادکامی زوجین به میزان معناداری ($P < 0/05$) را افزایش داد. سپس نتایج نشان داد که روان درمانی مبتنی بر بهبود کیفیت زندگی بر شادکامی زناشویی و میزان مثبت نگری زوجین به میزان ($P < 0/07$) تأثیر دارد. نتایج این پژوهش اثربخشی روان درمانی مبتنی بر بهبود کیفیت زندگی بر روابط زوجین را اثبات نمود.

نتیجه گیری: آموزش این رویکرد درمانی به عنوان یک روش مداخله‌ای موثر برای کاهش افسردگی و افزایش شادکامی زناشویی و مثبت نگری زوجین و در جهت استفاده سایر درمانگران برای درمان مشکلات زناشویی زوجین توصیه می‌گردد.

کلید واژه‌ها: روان درمانی مبتنی بر بهبود کیفیت زندگی، شادکامی زناشویی، مثبت نگری زوجین.



پیش بینی قلدری سایبری بر اساس نیاز های بنیادین و احساس تنهایی در دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر شهریار

صغری افکانه، هانیه مستعد

- ۱- استادیار دانشکده علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن
 - ۲- کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن
- haniye.mostaed@gmail.com

زمینه و هدف: هدف از انجام این پژوهش پیش بینی قلدری سایبری بر اساس نیاز های بنیادین و احساس تنهایی در دانش آموزان دختر دوره دوم متوسطه شهر شهریار بود.

روش پژوهش: روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانش آموزان دوره دوم متوسطه شهر شهریار در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۰۱ بودند. حجم نمونه ۱۵۰ نفر از این دانش آموزان بر اساس نمونه گیری خوشه ای تصادفی انتخاب و به پرسشنامه تجربه قلدری-قربانی سایبری (CBVEQ) آنتیادو، کوکینوس و مارکوس (۲۰۱۶)، مقیاس تجدید نظر شده احساس تنهایی راسل و همکاران، (۱۹۸۰)، مقیاس ارضا و ناکامی نیازهای بنیادین روان شناختی (BPNSFS) چن و همکاران (۲۰۱۵) پاسخ دادند. داده های جمع آوری شده با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چندمتغیره به روش همزمان تحلیل شد.

یافته ها: یافته ها نشان داد که بین ویژگی های شخصیتی، هوش هیجانی و هوش معنوی با قلدری سایبری رابطه معنی داری وجود دارد ($P > .01/0$). نتایج تحلیل رگرسیون چندمتغیره نیز آشکار کرد که نیازهای ناکامی به صورت مثبت و معنادار قلدری سایبری را پیش بینی می کند و متغیر احساس تنهایی هم به صورت مثبت و معنادار قلدری سایبری را پیش بینی می کند.

نتیجه گیری: نتایج حاصل از این یافته ها به ضرورت توجه به نیاز های بنیادین و احساس تنهایی در کاهش قلدری سایبری تأکید کرد.

واژه های کلیدی: قلدری سایبری، نیاز های بنیادین، احساس تنهایی، دانش آموزان

پیش بینی شدت نشانگان اختلالات روانی نوجوانان دختر بر اساس سلامت خانواده اصلی

حسن الهی فر، فرشته اسلامی بابا حیدر

۱. دکتری مشاوره مدرس دانشگاه پیام نور واحد قزوین. (نویسنده مسئول)

۲. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی.

Elahifar.ha@gmail.com

زمینه و هدف: خانواده از طریق بازخوردها و برجسته سازی کردن ارزش های خاص، می تواند فرآیند سلامت روانی فرزندان را فراهم نماید. نوجوانی یکی از حساس ترین و چالش برانگیزترین مراحل رشد و تحول جسمی، روانی و اجتماعی در انسان است، که اگر خانواده نقش تربیتی خود را به خوبی ایفا نماید نقش مهمی در وضعیت سلامت روان نوجوانان خواهد داشت. پژوهش حاضر با هدف پیش بینی شدت نشانگان اختلالات روانی نوجوانان دختر بر اساس سلامت خانواده اصلی انجام شد.

روش پژوهش: روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه دانش آموزان مقطع متوسطه اول ناحیه یک شهر قزوین بود از بین آنها ۱۰۰ نفر از دانش آموز دختر به روش نمونه گیری خوشه ای انتخاب شدند. و به پرسشنامه های اختلالات روانی (SCL90) سلامت خانواده (FOS) پاسخ دادند. تحلیل ها با روش آماری ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل کواریانس گام به گام انجام شد.

یافته ها: نتایج نشان داد که بین سلامت خانواده اصلی با مؤلفه های افسردگی، وسواس - اجباری در سطح (۰/۰۱) رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. و با مؤلفه های شکایت جسمانی، پارانوئید، ترس مرضی، پرخاشگری، اضطراب، حساسیت، و نمره کل اختلالات روانی در سطح (۰/۰۵) رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. نتایج رگرسیون گام به گام نشان داد که سلامت خانواده اصلی می توانند ۸٪ واریانس نمره کل اختلالات روانی را تبیین کنند.

نتیجه گیری: می توان نتیجه گرفت یکی از کنش های اصلی خانواده کمک به ارضاء نیازهای عاطفی، شناختی فرزندان در چارچوب سازمان روانی می باشد. این کارکرد خانواده می تواند در انسجام فکری و روانشناختی فرزندان و بویژه نوجوانان تاثیر مثبتی داشته باشد. بنابراین سلامت روان در بین اعضای خانواده نقش مهمی در شدت اختلالات روانی نوجوانان دارد.

واژه های کلیدی: نشانگان اختلالات روانی، سلامت خانواده اصلی، نوجوانان.

رابطه استرس شغلی و سازگاری زناشویی با کیفیت زندگی کاری معلمان

حسن الهی فر، افسانه صالحی عراقی، خدیجه حیدری، فاطمه قاسمی نسب

۱- دکتری مشاوره مدرس دانشگاه پیام نور واحد قزوین. (نویسنده مسئول)

۲- کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر.

۳- کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، بیمارستان تامین اجتماعی، سردار شهید سلیمانی، اهر

۴- دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره شغلی، دانشگاه پیام نور واحد قزوین

Elahifar.ha@gmail.com

زمینه و هدف: امروزه استرس به یکی از رایج ترین و پرهزینه ترین مشکلات محیط های کاری تبدیل شده است. استرس شغلی موجب ایجاد عوارض منفی برای خود شخص و برای شغل مورد نظر می شود، از سوی دیگر سازگاری زناشویی یک اصطلاح چند بعدی است که سطوح چندگانه ازدواج را روشن می کند و فرآیندی است که در طول زندگی زوجین به وجود می آید. سازگاری زناشویی و استرس شغلی بر بسیاری از ابعاد زندگی فردی و اجتماعی انسان ها تاثیر می گذارد، از جمله می تواند بر کیفیت زندگی کاری تاثیر منفی بگذارد. پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه استرس شغلی و سازگاری زناشویی با کیفیت زندگی کاری معلمان انجام گرفت.

روش پژوهش: روش پژوهش توصیفی به روش همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه معلمان شهر اهر بود و ۱۰۰ نفر از معلمان (۵۲ نفر زن و ۴۸ نفر مرد) به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. روش نمونه گیری، از نوع تصادفی ساده به روش قرعه کشی بود. ابزار این پژوهش پرسشنامه استرس شغلی (HSE)، پرسشنامه کیفیت زندگی (QWL)، پرسشنامه سازگاری زناشویی اسپانیر (DAS) بود. داده ها توسط ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: نتایج نشان داد که بین مولفه های استرس شغلی با کیفیت زندگی کاری رابطه منفی و معنی داری در سطح (۰/۰۱) وجود دارد. بین مولفه های سازگاری زناشویی با نمره کل کیفیت زندگی کاری رابطه مثبت و معنی داری در سطح (۰/۰۱) وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد ۵۲٪ واریانس کیفیت زندگی کاری توسط متغیرهای استرس شغلی و سازگاری زناشویی تبیین می شود.

نتیجه گیری: معلمان به دلیل شرایط شغلی بیشترین استرس شغلی را تجربه می کنند و در معرض آسیب های زیادی قرار دارند. استرس شغلی و ناسازگاری زناشویی می تواند بر کیفیت زندگی کاری معلمان تاثیر منفی بگذارد. بنابراین می توان نتیجه گرفت از جمله متغیرهای موثر و مرتبط با کیفیت زندگی کاری معلمان میزان استرس شغلی و سازگاری زناشویی آنان می باشد

واژه های کلیدی: استرس شغلی، سازگاری زناشویی، کیفیت زندگی کاری

رابطه بهزیستی فضیلت‌گرا و خودکنترلی با رضایت زناشویی در دانشجویان

نصیبه امیرحسینی^۱، فاطمه فروزش یکتا^۲، فهیمه فهیمی‌نژاد^۳

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی مثبت‌گرا، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی

۲. دکتری روانشناسی بالینی، استادیار، دانشگاه آزاد واحد تهران غرب

۳. دکترای زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی

@gmail.com\10.yekta

زمینه و هدف: ازدواج و رابطه زناشویی مقدمه تشکیل خانواده است، ورود به چنین نظام سازمان یافته‌ای صرفاً از طریق تولد، فرزندخواندگی یا ازدواج صورت می‌گیرد و حفظ و تداوم این نهاد مقدس در گرو تداوم و سلامت روابط زن و شوهر است. پژوهش حاضر با هدف تعیین رابطه بهزیستی فضیلت‌گرا و خودکنترلی با رضایت زناشویی در دانشجویان انجام شد.

روش پژوهش: روش پژوهش توصیفی و از نوع پژوهش‌های همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانشجویان زن متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی تشکیل داد که در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲ مشغول به تحصیل بودند که از این دانشکده فقط دانشجویان زن متأهل دانشکده روان‌شناسی به روش نمونه‌گیری در دسترس به عنوان نمونه در نظر گرفته شدند. حجم نمونه بر اساس فرمول پلنت، ۱۳۰ نفر در نظر گرفته شد. به منظور جمع‌آوری داده‌ها از مقیاس بهزیستی فضیلت‌گرا واترمن و همکاران، مقیاس خودکنترلی تانجی، بامیستر و بون و پرسشنامه شاخص رضایت زناشویی (IMS) هادسن استفاده شد. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون چند متغیره تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد بین بهزیستی فضیلت‌گرا و رضایت زناشویی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد ($P < 0/01$). بین خودکنترلی و رضایت زناشویی دانشجویان رابطه معناداری وجود دارد ($P < 0/01$). نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد بهزیستی فضیلت‌گرا (۰,۱۶) و خودکنترلی (۰,۳۸) درصد در پیش‌بینی رضایت زناشویی سهم دارند. همچنین ۲۳ درصد از واریانس رضایت زناشویی توسط بهزیستی فضیلت‌گرا و خودکنترلی تبیین می‌شود.

نتیجه‌گیری: بنابراین بهزیستی فضیلت‌گرا و خودکنترلی، پیش‌بینی کننده رضایت زناشویی است و با افزایش آن می‌توان رضایت زناشویی را در افراد متأهل ارتقاء داد.

واژه‌های کلیدی: بهزیستی فضیلت‌گرا، خودکنترلی، رضایت زناشویی

مقایسه اضطراب اجتماعی، دشواری در تنظیم هیجان و اختلال استرس پس از ضربه در زنان با و بدون تجربه خیانت زناشویی

فرزین باقری شیخانگفشه^۱، فروغ اسرافیلیان^{۲*}، حجت‌اله فراهانی^۳

۱. دانشجوی دکترای تخصصی روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. استادیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران،

۳. استادیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

esrafilian.fo@modares.ac.ir

زمینه و هدف: تجربه خیانت زناشویی یک موضوع پیچیده و حساس است و ممکن است به شکل‌های مختلفی روی زنان تأثیر بگذارد. خیانت ممکن است منجر به سوالات عمیق درباره هویت شخصی و ارزش‌های شخصی شود. زنان ممکن است نیاز به مرور و تعریف مجدد اهداف و اولویت‌های خود داشته باشند. در این راستا، پژوهش حاضر با هدف مقایسه اضطراب اجتماعی، دشواری در تنظیم هیجان و اختلال استرس پس از ضربه در زنان با و بدون تجربه خیانت زناشویی انجام شد.

روش پژوهش: طرح پژوهش حاضر توصیفی از نوع علی مقایسه‌ای بود. جامعه آماری پژوهش را زنان استان تهران در سال ۱۴۰۲ تشکیل می‌دادند. نمونه‌ای به حجم ۲۶۰ خانم (۱۳۰ دارای تجربه خیانت و ۱۳۰ بدون تجربه خیانت) به صورت هدفمند انتخاب شد و سپس داده‌ها با استفاده از پرسشنامه‌های خیانت زناشویی (IS)، اضطراب اجتماعی (SAQ)، دشواری در تنظیم هیجان (DERS) و اختلال استرس پس از ضربه (PTSDQ) جمع‌آوری شدند. داده‌های حاصل از تکمیل پرسش‌نامه‌ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۴ تحلیل شده و از شاخص‌های آماری و تحلیل واریانس چند متغیره به منظور آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده شد. لازم به ذکر است سطح معنی‌داری در این پژوهش ۰/۰۵ در نظر گرفته شد.

یافته‌ها: نتایج به دست آمده نشان داد بین اضطراب اجتماعی، دشواری در تنظیم هیجان و اختلال استرس پس از ضربه در زنان با و بدون تجربه خیانت زناشویی تفاوت معنی‌داری وجود دارد ($P < 0/01$). بر این اساس مشخص گردید زنان دارای تجربه خیانت زناشویی در مقایسه با سایر زنان از میزان اضطراب اجتماعی، دشواری در تنظیم هیجان و اختلال استرس پس از ضربه بیشتری رنج می‌بردند ($p < 0/01$).

نتیجه‌گیری: یافته‌های این مطالعه نشان می‌دهد که تجربه خیانت زناشویی بر روی زنان تأثیرات معنی‌داری در سه زمینه اضطراب اجتماعی، دشواری در تنظیم هیجان و اختلال استرس دارد. این مطالعه اهمیت شناختی اثرات روانی و اجتماعی خیانت زناشویی بر زنان را تأیید می‌کند. این نتایج می‌توانند به مشاوران و تخصصی‌ترین روان‌شناسان کمک کنند تا بهترین روش‌ها و راهبردهای مداخله و درمانی را برای زنانی که تجربه خیانت زناشویی داشته‌اند، تعیین کنند. مشاوره روانشناختی می‌تواند به زوج‌ها کمک کند تا با احساسات خود بهبودی ببخشند و به تصمیم‌گیری در مورد رابطه خود بپردازند.

واژه‌های کلیدی: خیانت زناشویی، اضطراب اجتماعی، دشواری در تنظیم هیجان، اختلال استرس پس از ضربه

اثربخشی واقعیت‌درمانی گروهی بر تعارض کار-خانواده معلمان متأهل مقطع ابتدایی دوم شهر اصفهان

هاجر براتی^۱، پیمان اربابیان^۲ *

۱. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان

Dr.Arbabian@gmail.com

زمینه و هدف: تعارض کار-خانواده، نوعی تعارض بین‌نقشی است که در آن فشارهای حاصل از نقش‌های کاری و خانوادگی از هر دو طرف و از برخی جهات ناسازگار باشند. واقعیت‌درمانی، در واقع روان‌شناسی کنترل درونی است که تلاش دارد افراد را برای انتخاب‌های درست به منظور ارضای نیازهای خود آموزش دهد. به همین دلیل و از آنجایی که این روش بر حل مسئله و زمان حال تمرکز دارد؛ احتمالاً می‌تواند از تعارض کار-خانواده بکاهد. هدف پژوهش حاضر نیز بررسی اثربخشی واقعیت‌درمانی گروهی بر تعارض کار-خانواده معلمان متأهل مقطع ابتدایی دوم شهر اصفهان بود.

روش پژوهش: روش پژوهش حاضر نیمه‌آزمایشی و از نوع پیش‌آزمون - پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه معلمان مقطع ابتدایی دوم در شهر اصفهان بودند که از بین آنها ۴۰ نفر به روش در دسترس از بین شرکت‌کنندگان در دوره‌های آموزشی ضمن خدمت انتخاب شدند و به طور تصادفی در گروه‌های پژوهشی (۲۰ نفر گروه آزمایش و ۲۰ نفر گروه کنترل) قرار گرفتند. این افراد یک بار در پیش‌آزمون و یک بار در پس‌آزمون به مقیاس تعارض کار - خانواده (WFCS) پاسخ دادند و گروه آزمایش تحت تاثیر مداخله‌ی آموزش واقعیت‌درمانی گروهی ویلیام گلاسر به مدت ۸ جلسه ۱/۵ ساعته قرار گرفت. گروه کنترل در واقع گروه انتظار بودند که بعد از پایان پژوهش مداخله آموزشی را دریافت کردند. داده‌ها با تحلیل کواریانس در نرم‌افزار SPSS24 تحلیل شد.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد آموزش واقعیت‌درمانی گروهی بر تعارض کار-خانواده موثر بوده است و میانگین این متغیر و ابعاد آن (تعارض مبتنی بر زمان، تعارض مبتنی بر فشار و تعارض مبتنی بر رفتار) در پس‌آزمون در گروه آزمایش بیش از گروه کنترل کاهش یافته است ($\alpha=0/05$).

نتیجه‌گیری: پژوهش حاضر نشان داد که واقعیت‌درمانی در کاهش تعارض کار-خانواده موثر بوده است. مشاوران و مدرسان آموزش خانواده می‌توانند واقعیت‌درمانی و نظریه‌ی انتخاب در طراحی بسته‌های آموزشی و مداخله‌ای خود استفاده نمایند. همچنین سازمان‌ها با بهره‌گیری از این مداخله می‌توانند گامی مهم در راستای کاهش تعارض کار-خانواده بردارند. با این وجود در تعمیم یافته‌های این پژوهش به گروه‌های دیگر باید جانب احتیاط را رعایت نمود و پژوهشگران آتی نیز به سنجش اثربخشی در مرحله پیگیری توصیه می‌شوند.

واژه‌های کلیدی: واقعیت‌درمانی گروهی، تعارض کار-خانواده، معلمان متأهل.

مروری بر جایگاه تفکر فلسفی کودکان در آموزش و پرورش ارزش‌ها در دوره پیش‌دبستان و دبستان

پریناز بنیسی^۱، پرینان فرهادی‌افشار^۲، امیر یعقوبی^۳، قنبرعلی دلفان‌آذری^۴

۱. دانشیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

۳. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد الکترونیکی، تهران، ایران

۴. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد دماوند، تهران، ایران

parenazbanisi2017@gmail.com

زمینه و هدف: دوره پیش‌دبستان و دبستان دوره‌ای بسیار حساس در تربیت افراد است؛ چراکه در این دوران کودک آمادگی کاملی برای درک و پذیرش موضوعات مختلف دارد و آنچه در این دوران شکل می‌گیرد تا آخر عمر فرد با وی خواهد بود به گونه‌ای که تغییر آن در آینده بسیار مشکل است بنابراین آموزش در این دوران بسیار حیاتی است. آموزش فلسفه با پرورش تفکر عمیق در کودکان می‌تواند به درونی سازی همراه با استدلال ارزش‌ها کمک کند. بنابراین هدف از پژوهش حاضر بررسی جایگاه تفکر فلسفی کودکان در آموزش و پرورش ارزش‌ها در دوره پیش‌دبستان و دبستان است.

روش پژوهش: در این پژوهش که مبتنی بر رویکرد مروری است اطلاعات از منابع مختلف به صورت کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است که از پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی و بین‌المللی که شامل Scopus, google scholar, نورمگز، مگیران، سیویلیکا و غیره استفاده شده است، بازه زمانی پژوهش مربوط به سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۲ می‌باشد. که از بین ۶۰ مقاله مطالعه شده تعداد ۳۸ مقاله وارد پژوهش گردید.

یافته‌ها: با نظم دادن به داده‌های موجود مشخص گردید که آموزش فلسفه به کودک و ایجاد تفکر فلسفی در او به رشد فرایندهای عالی ذهنی همچون استدلال، قضاوت و غیره کمک می‌کند و بر یادگیری، پذیرش و پرورش ارزش‌ها در کودکان اثرگذار است.

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از یافته‌ها نشان می‌دهد که آموزش تفکر فلسفی به کودک بر تمام جنبه‌های زندگی تأثیر گذاشته و به سبب ماهیت پرسشگری خود، سبب تفکر سالم و منطقی، شناسایی ارزش‌ها، هنجارها و آرمان‌های جامعه شده و کودک با تکیه بر آن می‌تواند مسایل موجود خود و جامعه را بر طرف کند و به فردی ارزشمند و ثمربخش برای جامعه آینده تبدیل شود.

واژه‌های کلیدی: تفکر فلسفی، ارزش‌ها، فلسفه برای کودک، پیش‌دبستان، دبستان

اثربخشی رویکرد راه حل محور بر دلزدگی زناشویی زنان متأهل

مژگان پوردل، رضا قاسمی جوبنه*

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

۲. (نویسنده مسئول) دکتری مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

rghasemi.jobaneh@yahoo.com

زمینه و هدف: دلزدگی زناشویی، وضعیت دردناک فرسودگی جسمی، عاطفی و روانی است که کسانی را که توقع دارند عشق رویایی و ازدواج به زندگی‌شان معنا ببخشد را متاثر می‌سازد. در این میان درمانگران راه حل محور به جای توجه به کمبودها و ناتوانی‌ها، پایه اولیه کارشان را بر روی نیروها، منابع و توانایی‌های مراجع قرار می‌دهند. با توجه به اثربخشی هر یک از این درمان‌ها، پژوهش حاضر با هدف اثربخشی رویکرد راه حل محور بر دلزدگی زناشویی زنان متأهل انجام گرفت.

روش پژوهش: روش پژوهش حاضر، نیمه آزمایشی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل تمامی زنان متأهل دچار دلزدگی زناشویی مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر شوشتر در نیمه اول سال ۱۴۰۲ بود. از این جامعه آماری با روش نمونه گیری در دسترس تعداد ۳۰ نفر انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه ۱۵ نفره (۱۵ نفر گروه آزمایش و ۱۵ نفر گروه کنترل) جایگزین شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌ی دلزدگی زناشویی پاینز (۱۹۹۶) استفاده شد. گروه آزمایش ۸ جلسه درمان راه حل محور گرانت (۲۰۱۱) را دریافت نمودند. داده‌ها با استفاده از روش آماری تحلیل کوواریانس تحت نرم‌افزار SPSS-22، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که با کنترل اثر پیش‌آزمون بین میانگین پس‌آزمون دلزدگی زناشویی در دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معناداری در سطح $P < 0.001$ وجود داشت.

نتیجه گیری: در تبیین این یافته باید بیان داشت که بسیاری از مشکلات زناشویی و اختلافات بین زوجین پیامد برداشت اشتباه آن‌ها از مسائل و موضوعات زندگی مشترک است که موجب می‌شود آن‌ها در مواجهه با مشکلات و اختلافات، نه با واقعیت موجود بلکه بر اساس تصورات خود به واکنش با همسرشان بپردازند که چنین فرایندی نتیجه‌ای جز افزایش احساسات منفی در آن‌ها و کاهش صمیمیت بین آن‌ها در برنخواهد داشت. این در حالی است که "درمان کوتاه راه حل-محور" با استفاده از روش‌هایی تلاش دارد تا درک زنان از مشکلاتشان، موانع موجود در زندگی و راه حل‌هایی که ممکن است وجود داشته باشد، تغییر یابد و همچنین به آن‌ها کمک کند تا به این شناخت دست پیدا کنند که هر مشکلی می‌تواند به دلیل بکارگیری راه حل‌های نادرست باشد.

واژه های کلیدی: رویکرد راه حل محور، دلزدگی زناشویی، زنان متأهل.

اثربخشی رویکرد راه حل محور بر واکنش هیجانی زنان خیانت دیده

مژگان پوردل، منصور سودانی*

۱. (نویسنده مسئول) دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

۲- استاد، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

pourdel.m2018@gmail.com

زمینه و هدف: یکی از بزرگ‌ترین معضلات اجتماعی در جامعه امروز خیانت زناشویی می‌باشد. خیانت یکی از بدترین رویدادهایی است که در روابط زوجین روی می‌دهد و می‌تواند موجب متلاشی شدن کانون خانواده و جدایی زوجین از یکدیگر شود. با توجه به اثربخشی هر یک از این درمان‌ها، پژوهش حاضر با هدف اثربخشی درمان کوتاه مدت راه حل محور بر واکنش هیجانی زنان خیانت دیده انجام گرفت.

روش پژوهش: روش پژوهش حاضر، نیمه‌آزمایشی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری شامل تمامی زنان متأهل دچار خیانت زناشویی مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر شوشتر در نیمه اول سال ۱۴۰۲ بود. از این جامعه‌ی آماری با روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۳۰ نفر انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه ۱۵ نفره (۱۵ نفر گروه آزمایش و ۱۵ نفر گروه کنترل) جایگزین شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌ی واکنش‌پذیری هیجانی ناک و همکاران (۲۰۰۸) استفاده شد. گروه آزمایش ۸ جلسه درمان راه حل محور گرانت (۲۰۱۱) را دریافت نمودند.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که با کنترل اثر پیش‌آزمون بین میانگین پس‌آزمون واکنش هیجانی در دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معناداری در سطح $P < 0/001$ وجود داشت.

نتیجه‌گیری: رویکرد راه حل محور بر واکنش‌های هیجانی زنان خیانت‌دیده اثربخش است زیرا این رویکرد تمرکز خود را بر راه حل مشکلات و بهبود وضعیت می‌گذارد، نه بر تمرکز بر احساسات منفی و پرخاشگرانه. زنان که با خیانت همسر مواجه شده‌اند، ممکن است احساسات شدیدی از غم، خشم، ناراحتی و ترس تجربه کنند. با این حال، اگر به طور فعال به حل مشکلات و بهبود وضعیت خود بپردازند، می‌توانند از این وضعیت سخت عبور کنند. رویکرد راه حل محور به زنان کمک می‌کند تا به دنبال راه‌حل‌های موثر و سازنده برای مشکلات خود بگردند، به جای فرو رفتن در احساسات منفی و گیر افتادن در چرخه ناراحتی و افسردگی. این رویکرد شامل شناسایی مشکلات، تعیین اهداف قابل دستیابی، اتخاذ اقدامات عملی و تلاش برای بهبود وضعیت است. به علاوه، رویکرد راه حل محور به زنان کمک می‌کند تا مسئولیت‌پذیری برای وضعیت خود بپذیرند و قدرت تصمیم‌گیری درباره آینده خود را دست بگیرند. این رویکرد به زنان اعتماد به قابلیت‌های خود و توانایی حل مشکلاتشان را می‌دهد و آنها را به سمت بهبود وضعیت شخصی و روابطشان هدایت می‌کند.

واژه‌های کلیدی: رویکرد راه حل محور، واکنش هیجانی، زنان خیانت دیده.

اثربخشی آموزش مبتنی بر پذیرش و تعهد بر رضایت زناشویی در والدین دانش آموزان ابتدایی شهر بن

مجتبی پورکاو، منصور سودانی، مژگان پوردل

۱- مجتبی پورکاو دهکردی (نویسنده مسئول): کارشناس ارشد، مشاوره مدرسه، شهیدچمران اهواز، اهواز، ایران.

۲- منصور سودانی: استاد، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهیدچمران اهواز، اهواز، ایران.

۳- مژگان پوردل: دانشجوی دکتری، مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، اهواز، ایران.

mog.poor@gmail.com

زمینه و هدف: رضایت زناشویی حالتی است که طی آن زن و شوهر از ازدواج با یکدیگر و با هم بودن احساس شادمانی و رضایت دارند و پاسخگوی نیازهای یکدیگر هستند که در طول زمان، تحت تاثیر عوامل بسیاری قرار می گیرد بر همین اساس، بررسی عوامل تاثیر گذار بر صمیمیت زناشویی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. لذا پژوهش حاضر با هدف اثربخشی آموزش مبتنی بر تعهد و پذیرش بر رضایت زناشویی انجام گرفت. در رویکرد فرزند پروری مبتنی بر پذیرش و تعهد ابتدا والدین یاد می گیرند، که چگونه ذهن خود را مشاهده کنند و عاشقانه نسبت به انتخاب و انجام تکنیک مناسب پافشاری کنند که رابطه آن ها و فرزندانشان را معنادار می کند.

روش پژوهش: روش تحقیق نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون-پس آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی والدین دانش آموزان ابتدایی شهر بن بود که پس از برگزاری پیش آزمون تعداد ۳۰ نفر از والدینی که کمترین نمره را از پرسشنامه اینریچ کسب کرده بودند به طور تصادفی دوگروه آزمایش (۱۵) و گواه (۱۵) قرار گرفتند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه رضایت زناشویی اینریچ و پک آموزشی تعهد و پذیرش پترسون و همکاران (۲۰۰۹) بود. شرکت کنندگان گروه آزمایش ۱۲ جلسه برنامه آموزش مبتنی بر پذیرش و تعهد را دریافت نمودند. داده ها با استفاده از روش آماری تحلیل کواریانس چندمتغیری و تک متغیری SPSS، تحلیل شدند.

یافته ها: نتایج پژوهش بیانگر این بود که رضایت زناشویی در گروه آزمایش به طور معناداری بیشتر از از رضایت زناشویی در گروه گواه بعد از آموزش مبتنی بر پذیرش و تعهد بود ($P < 0/005$).

نتیجه گیری: نتایج پژوهش حاکی از موثر بودن آموزش مبتنی بر پذیرش و تعهد در افزایش رضایت زناشویی والدین دانش آموزان بوده است. با آموزش پذیرش و تعهد فرد به تغییر روابط با تجارب درون و کاهش اجتناب های تجربی می پردازد و با افزایش عمل متعهدانه در مسیر ارزش هایش، رضایت زناشویی را تحت تاثیر قرار می دهد و موجب افزایش آن می شود.

کلیدواژه ها: آموزش مبتنی بر "پذیرش و تعهد، رضایت زناشویی

اثر بخشی آموزش مبتنی بر شفقت به خود بر صمیمیت زناشویی در معلمان متأهل

مجتبی پور کاوه، منصور سودانی، مژگان پوردل

مجتبی پور کاوه دهکردی (نویسنده مسئول): کارشناس ارشد، مشاوره مدرسه، شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

منصور سودانی: استاد، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

مژگان پوردل: دانشجوی دکتری، مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، اهواز، ایران.

mog.poor@gmail.com

زمینه و هدف: صمیمیت زناشویی یک پتانسیل ارتباطی قوی و عمیق میان زوجین است که پیش بینی کننده ثبات زناشویی در طول زمان است. صمیمیت زناشویی فرآیند پیچیده ای است که در طول زمان، تحت تاثیر عوامل بسیاری قرار می گیرد بر همین اساس، بررسی عوامل تاثیر گذار بر صمیمیت زناشویی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. لذا پژوهش حاضر با هدف اثر بخشی آموزش مبتنی بر شفقت به خود بر صمیمیت زناشویی انجام گرفت.

روش پژوهش: روش تحقیق نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون-پس آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی معلمان خانم متأهل در شهر کرد بود که به طور تصادفی ۳۰ نفر از معلمان خانم متأهل شهر شهر کرد به شیوه نمونه گیری در دسترس انتخاب و بصورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵) و گواه (۱۵) قرار گرفتند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه صمیمیت زناشویی باگاروژی (۲۰۰۱) و پک آموزشی شفقت به خود گیلبرت ۲۰۰۹ بود. شرکت کنندگان گروه آزمایش ۸ جلسه برنامه آموزش مبتنی بر شفقت به خود را دریافت نمودند. داده ها با استفاده از روش آماری تحلیل کواریانس چندمتغییری و تک متغییری SPSS، تحلیل شدند.

یافته ها: نتایج پژوهش بیانگر این بود که صمیمیت زناشویی در گروه آزمایش به طور معناداری بیشتر از از صمیمیت زناشویی در گروه گواه بعد از آموزش مبتنی بر شفقت به خود بود ($P < 0/005$).

نتیجه گیری: نتایج پژوهش حاکی از موثر بودن آموزش مبتنی بر شفقت به خود در افزایش صمیمیت زناشویی معلمان خانم متأهل بوده است. با آموزش شفقت به خود فرد از قضاوت سرسختانه نسبت به خود فاصله می گیرد و با خود مراقبتی بیشتر و کسب بهزیستی روان شناختی مطلوب، صمیمیت زناشویی را تحت تاثیر قرار می دهد و موجب افزایش آن می شود.

کلیدواژه ها: شفقت به خود، صمیمیت زناشویی، معلمان متأهل

تاثیر آموزش خانواده بر اعتیاد به بازی‌های رایانه‌ای

زهرا پولادری

دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمین

zpoladrage@gmail.com

زمینه و هدف: مطالعات در حوزه‌ی اعتیاد به اینترنت و بازی‌های دیجیتال نیز نشان داده‌اند که آموزش خانواده و به کارگیری رویکردهای مختلف خانواده درمانی در کاهش اعتیاد به اینترنت فرزندان موثر بوده است. این امر نیازمند توجه به این موضوع و آموزش خانواده‌ها جهت توانمندسازی آنها برای مواجهه درست با این مساله است. از این رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی تاثیر آموزش خانواده بر اعتیاد به بازی‌های رایانه‌ای انجام شد.

روش پژوهش: روش پژوهش حاضر نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون و گروه گواه بود. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل دانش‌آموزان مقطع متوسطه اول در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳ بودند که با احتساب ریزش اعضاء نمونه به روش نمونه‌گیری هدفمند، ۴۰ نفر از دانش‌آموزانی که در پیش‌آزمون نقطه‌ی برش بالاتر از ۹۰ را کسب کرده بودند انتخاب و به طور تصادفی به دو گروه آزمایش (۲۰ نفر) و گواه (۲۰ نفر) گمارش شدند. ابتدا در مرحله پیش‌آزمون مقیاس اعتیاد به بازی‌های ویدیویی برای کودکان (VASC) بر روی هر دو گروه اجرا شد. سپس گروه آزمایش، دوره‌ی آموزش خانواده را گذارند؛ در حالیکه هیچ مداخله‌ای بر روی گروه گواه در این مدت صورت نگرفت. بعد از پایان دوره‌ی آموزش، مجدداً از هر دو گروه پس‌آزمون به عمل آمد و داده‌ها با استفاده از آزمون تحلیل کوواریانس و نسخه‌ی ۲۴ نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج به دست آمده نشان داد که میانگین اعتیاد به بازی‌های رایانه‌ای و مولفه‌های آن در گروه آزمایش نسبت به گروه گواه کاهش معناداری یافت ($P < 0/05$). سطح معناداری آزمون برای مولفه‌های خودکنترلی ($P < 0/05$)، پاداش/تقویت ($P < 0/05$)، مشکلات ($P < 0/05$) و درآمیختگی ($P < 0/05$) معنادار است. بنابراین فرض یکسان بودن نمرات این مولفه‌ها بین دو گروه کنترل و مداخله پذیرفته نمی‌شود. همچنین با توجه به مقادیر اندازه اثر مشخص می‌شود که به ترتیب $0/58/5$ ، $0/62/8$ ، $0/14/7$ و $0/49$ از تفاوت نمرات بین مولفه‌های خودکنترلی، پاداش/تقویت، مشکلات و درآمیختگی متاثر از آموزش خانواده است.

نتیجه‌گیری: عادات مختلف وقتی به شکل اعتیاد در می‌آیند که بر روی اجزاء مختلف زندگی اثر سوء بگذارند. اعتیاد به بازی‌های رایانه‌ای در دانش‌آموزان به واسطه نادیده گرفتن مسئولیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فیزیکی باعث آسیب رساندن به فرد می‌شود. با توجه به یافته‌های به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که آموزش خانواده در کاهش اعتیاد به بازی‌های رایانه‌ای تاثیرگذار است.

واژه‌های کلیدی: آموزش خانواده، اعتیاد، بازی‌های رایانه‌ای.

اثربخشی آموزش تن آرامی مبتنی بر واقعیت مجازی بر انعطاف پذیری کنشی و استرس ادراک شده معنادین در حال بهبودی

نوید پویان

دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اندیمشک، اندیمشک، ایران.

nanidmajnoon333@gmail.com

زمینه و هدف: اعتیاد یک مشکل روانشناختی است که زندگی عادی شخص را مختل می کند و بسیاری از جنبه های علوم مانند: پزشکی، جامعه شناسی و روانشناسی را پوشش می دهد. با توجه به هزینه ها و آسیب های جدی فردی، اجتماعی و اقتصادی سوء مصرف مواد در سراسر دنیا لازم است درمان های مقرون بصره در جهت درمان اعتیاد مورد ارزیابی قرار گرفته و بکار برده شود. مطالعه اثربخشی درمان هایی چون آرام سازی و درمان واقعیت مجازی بر انعطاف پذیری کنشی و استرس ادراک شده معنادین در حال بهبودی، همچنین بررسی میزان اثربخشی آن ها می تواند از نظر علمی اهمیت بسزایی داشته باشد. هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش تن آرامی مبتنی بر واقعیت مجازی بر انعطاف پذیری کنشی و استرس ادراک شده معنادین در حال بهبودی شهر اندیمشک بود.

روش پژوهش: جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه افراد مبتلا به اختلال سوء مصرف مواد مخدر شهر اندیمشک که در سال ۱۴۰۲ مراجعه کننده به مراکز مجاز اقامتی میان مدت ترک اعتیاد بودند که تعداد آن ها ۱۶۵ نفر بود. حجم نمونه ۳۰ نفر معناد بود که به روش در دسترس انتخاب و بصورت تصادفی ساده در یک گروه آزمایش (۱۵ نفر، درمان آرام سازی مبتنی بر واقعیت مجازی دریافت کردند) و یک گروه کنترل (۱۵ نفری که درمانی دریافت نکردند) گمارده شدند. این پژوهش نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون و پس آزمون با گروه گواه بود. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش شامل: پرسش نامه انعطاف پذیری کنشی (Action flexibility) و پرسش نامه استرس ادراک شده (Perceived Stress) و مداخله درمان متمرکز بر آموزش تن آرامی مبتنی بر واقعیت مجازی (Physical education based on virtual reality) بودند. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از روش تحلیل کوواریانس و نرم افزار spss استفاده شد.

یافته ها: یافته ها نشان داد بین میانگین نمرات پس آزمون انعطاف پذیری کنشی ($F=50/023$ و $p<0/05$) و استرس ادراک شده ($F=70/913$ و $p<0/05$) گروه های آزمایش و کنترل اختلاف معناداری وجود دارد.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد آموزش تن آرامی مبتنی بر واقعیت مجازی بر انعطاف پذیری کنشی و استرس ادراک شده معنادین در حال بهبودی شهر اندیمشک تاثیر گذار است. از طرفی دیگر درمان آرام سازی مبتنی بر واقعیت مجازی یک رویارویی پیچیده کاربر درمانگر، همراه با آرام سازی است که شامل تحریکات در زمان واقعی توسط کانال های حسی چندگانه است. این وجوه حسی شامل دیداری، بصری، لامسه ای، شنیداری و بویایی است.

واقعیت مجازی، کاربر درمانگر را در یک محیط سه بعدی ساخته شده توسط رایانه قرار می دهد که تجارب واقعی در آن شبیه سازی شده و کاربر می تواند توسط حواس خود با جهان مجازی ارتباط برقرار کند؛ گویی که فرد واقعا در این دنیای مجازی قرار دارد. بنابراین نتیجه گیری می شود که تحلیل کوواریانس چندمتغیری به طور کلی معنادار است و آموزش تن آرامی مبتنی بر واقعیت مجازی بر روی متغیر وابسته (استرس ادراک شده) اثر بخش تر بوده است. همچنین میتوان از وی آر تراپی همراه با واقعیت مجازی به عنوان یکی از درمان های غیر دارویی توسط متخصصان در مراکز درمانی اجرا کرد.

واژه های کلیدی: تن آرامی، واقعیت مجازی، انعطاف پذیری کنشی، استرس ادراک شده، معنادین.

مقایسه اثر مدل نیازها و سبک‌های دلبستگی بر کیفیت زندگی و میل جنسی در بیماران تالاسمی

آناهیتا تاشک، فرزانه افتخاری، فاطمه محمدی، نگین پورسیدی

۱. نویسنده مسئول، دکتری روانشناسی سلامت، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران،
۲. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم تحقیقات آزاد، کرمان، ایران.
۳. دانشجوی کارشناسی روانشناسی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران،
۴. دانشجوی کارشناسی روانشناسی، دانشگاه شهید باهنر، کرمان، ایران

atashk@uk.ac.ir

زمینه و هدف: از آنجایی که توجه به کیفیت زندگی زناشویی، تاثیر ملاحظات مختلف روانشناختی و اصلاح شیوهی زندگی تا حد زیادی می‌تواند باعث افزایش کارایی و رضایت از زندگی در فرد شود، این پژوهش به مقایسه اثر مدل نیازها، سبک‌های دلبستگی، کیفیت زندگی و میل جنسی در بیماران تالاسمی خودآگاه با به کار گیری گروه‌های غیر مطلع و مطلع بعد از ازدواج پرداخته است.

روش پژوهش: پژوهش حاضر از نوع علی-مقایسه‌ای است که روی دو نمونه ۵۰ نفری مطلع و غیر مطلع نسبت به بیماری، قبل و بعد از ازدواج انجام شده است. ۳۴/۷ درصد از پاسخگویان در دامنه سنی زیر ۳۰ سال، ۲۶ درصد در دامنه سنی ۳۰-۴۰ سال، و ۳۹/۴ درصد در دامنه سنی ۴۰ سال قرار داشته‌اند. پرسشنامه‌های مورد استفاده پرسشنامه‌ی هرم نیازهای مزلو، سبک‌های دلبستگی کولینز ورید، کیفیت زندگی و شاخص تمایل جنسی هالبرت می‌باشد.

یافته‌ها: ۴۸/۷ درصد از پاسخگویان قبل از ازدواج نسبت به بیماری اطلاع داشته و ۵۱/۳ درصد بعد از ازدواج نسبت به بیماری آگاهی یافته‌اند.

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داده‌است تفاوت معنی داری بین بیماران تالاسمی خودآگاه با گروه مطلع بعد از ازدواج در سبک دلبستگی، کیفیت زندگی و میل جنسی وجود داشته است.

واژگان کلیدی: تالاسمی، هرم نیازها، سبک دلبستگی، کیفیت زندگی، میل جنسی

اثر بخشی آموزشی تحریف‌های شناختی بر دلزدگی و سبک‌های حل تعارض

آناهیتا تاشک؛ فاطمه باقریه؛ آناهیتا طاهری زاده؛ یسنا قطبی زاده

۱. دکترای روانشناسی سلامت، هیات علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان؛
۲. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی دانشگاه شهید باهنر کرمان؛
۳. دانشجوی کارشناسی روانشناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان؛
۴. دانشجوی کارشناسی روانشناسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

atashk@uk.ac.ir

زمینه و هدف: در این پژوهش به اثر بخشی آموزشی آموزش تحریف‌های شناختی بر دلزدگی و سبک‌های حل تعارض در دانشجویان متأهل خوابگاه شهید باهنر کرمان پرداخته شده است.

روش پژوهش: نمونه شامل ۲۰ نفر از زوجین که به صورت نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. این افراد در پیش آزمون پرسشنامه‌های دلزدگی پاییز و سبک‌های حل تعارض و در پس آزمون پرسشنامه‌های تحریف شناختی عبدالله زاده و سالار، دلزدگی و سبک‌های حل تعارض رحیم (آر او سی آی- آی آی) را تکمیل کردند.

یافته‌ها: نتایج تحلیل کواریانس نشان دادند که آموزش تحریف شناختی بر دلزدگی زناشویی، سبک یکپارچگی و سبک مصالحه تأثیر معناداری دارد و بر سبک اجتنابی، مسلط و ملزم شده تأثیر ندارد.

نتیجه گیری: از آنجا که سبک‌های اجتنابی و ملزم شده جزء سبک‌های مخرب در روابط زناشویی هستند این ارتباط و تأثیر منطقی بنظر می‌رسد. تعارض و دلزدگی زناشویی از علل مختلف ناشی می‌شود که بر اساس انتظارات غیرمنطقی زندگی به وجود می‌آید. افرادی که قادرند طرح‌واره‌های خود را شناسایی کنند نحوه عملکرد آنها بهبود می‌یابد و کمتر دچار خطاهای شناختی و افکار غیرمنطقی می‌شوند. این افراد در حل تعارضات نیز عملکرد بهتری از خود نشان می‌دهند و به دلیل اینکه افکار منطقی را جایگزین افکار غیرمنطقی می‌کنند از توانایی بهتری برای حل مسائل و تعارضات برخوردار می‌شوند. از نتایج پژوهش حاضر در مراکز مشاوره و آموزش های زوجین می‌توان استفاده کرد.

واژه‌های کلیدی: تحریف شناختی، دلزدگی، سبک حل تعارض، دانشجوی، متأهل

بررسی تجربه زیسته پسران فرزند طلاق نسبت به ازدواج: یک مطالعه کیفی پدیدارشناختی

احسان ثانوی شیری

دانش آموخته کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

ehsanasanavi72@gmail.com

زمینه و هدف: خانواده یکی از نهادهای بسیار مهم جامعه به حساب می آید. که از مهمترین اتفاقات زندگی هر فردی ازدواج است پیمانی که با عشق، محبت و مسئولیت به وجود می آید. با توجه به آمارهای بالای ازدواج که به طلاق ختم می شود، طلاق مساله ای اجتماعی است که پیامدهای فردی و اجتماعی مهمی دربردارد که بیشترین آسیب بر فرزندان تحمیل می کند، طلاق والدین نگرش فرزندان را نسبت به ازدواج تحت تاثیر قرار می دهد. در این راستا این تحقیق با هدف بررسی شناسایی ادراک پسرانی که فرزند طلاق هستند انجام گرفته است.

روش پژوهش: پژوهش حاضر کیفی بوده و طرح آن از نوع پدیدارشناسی است. به همین منظور ۸ نفر از نوجوانان پسر ۱۵ تا ۱۸ ساله ای که جدایی والدینشان را تجربه کرده بودند، به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شده و با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته مورد مطالعه قرار گرفتند. لازم به ذکر است که نمونه گیری تا زمان اشباع داده ها ادامه یافت است. به منظور تجزیه و تحلیل داده ها، ابتدا داده ها ثبت و کد گذاری شده و سپس با استفاده از روش کلایزی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج به دست آمده در این مطالعه شامل یک مضمون اصلی تحت عنوان نگرش فرزندان (پسر) طلاق به ازدواج و سه زیر مضمون بود که توصیف خود، نگرش به جنس مخالف و نگرش به آینده، هریک به صورت مجزا، مولفه ها و واحدهای معنایی حمایت کننده دارند.

نتیجه گیری: آنچه از نتایج این تحقیق بر می آید این است که فرزندان پسر طلاق نسبت به خانم ها بی اعتماد هستند و ترسی از ازدواج دارند که آینده آنها را تحت تاثیر قرار می دهد، نگرش منفی نسبت به ازدواج دارند. نتایج به دست آمده می تواند به روانشناسان، مشاوران و مددکاران در ارائه خدمات بهتر به فرزندان طلاق کمک کند.

واژه های کلیدی: نگرش به ازدواج، طلاق، نوجوان

اثربخشی زوج درمانی مبتنی بر پذیرش و تعهد (ACT) بر رضایت جنسی و صمیمیت زوجی در زوجین نابارور

مجتبی جانعلی پور چنارودخانی

کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه گیلان، رشت

m.janalipour@gmail.com

زمینه و هدف: مشکلات مربوط به روابط جنسی و صمیمیت، زمانی آغاز می شود که زوجین از میزان برآورده شدن خواسته های خود در رابطه شان رضایت نداشته باشند. از آنجایی که پایه و اساس یک رابطه زوجی، رضایت جنسی و صمیمیت زوجی است، اما از جمله معضلات و ناتوانی هایی که زوجین نابارور با آن مواجه هستند، عدم رضایت جنسی و پایین بودن صمیمیت زوجی است. رضایت جنسی احساس خوشایند فرد از نوع رابطه جنسی و توانایی که در ایجاد لذت دو طرفه دارد را در بر می گیرد و از سوی دیگر صمیمیت شامل نزدیکی و رابطه دوست داشتنی با فرد دیگر است، که با توجه به پژوهش های موجود، زوجین نابارور در این دو حیطه با مشکلاتی روبه رو هستند. یکی از درمان های مفید در حیطه افزایش صمیمیت و سلامت جنسی درمان پذیرش و تعهد (ACT) است که در آن تلاش می شود به جای تغییر شناخت ها، ارتباط روانشناختی فرد با افکار و احساساتش افزایش یابد. از این رو، این پژوهش با هدف بررسی اثربخشی زوج درمانی مبتنی بر پذیرش و تعهد (ACT) بر رضایت جنسی و صمیمیت زوجی در زوجین نابارور صورت گرفت.

روش: روش پژوهش نیمه تجربی بود و از طرح پیش آزمون-پس آزمون با گروه کنترل استفاده شد. جامعه آماری این پژوهش شامل زوجینی بود که به دلیل مشکلات زناشویی در سال ۱۴۰۲ به مراکز مشاوره شهر رشت مراجعه کرده بودند. برای انتخاب نمونه، ابتدا اطلاعیه تشکیل جلسات و شرایط ثبت نام اولیه به مراجعین و همکاران مشاور جهت ارجاع رسانده شد. پس از ثبت نام، متقاضیان از طریق مصاحبه مقدماتی زوجین واجد شرایط، انتخاب شدند. سپس از بین ۳۸ زوج (۷۶ نفر)، ۲۰ زوج (۴۰ نفر) به روش نمونه گیری تصادفی منظم انتخاب شده و به طور تصادفی در گروه آزمایش و کنترل (۱۰ زوج آزمایش و ۱۰ زوج گروه کنترل) جایگزین شدند. در ادامه گروه آزمایش در ۱۰ جلسه زوج درمانی مبتنی بر پذیرش و تعهد شرکت کردند و گروه کنترل آموزشی دریافت نکرد. ابزار اندازه گیری مقیاس رضایت جنسی (ISS) و مقیاس صمیمیت زوجین (MIS) بود. یافته های تحقیق با استفاده از نسخه ۲۴ نرم افزار SPSS و به روش تحلیل کوواریانس تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: نتایج پژوهش نشان داد که آموزش زوج درمانی مبتنی بر پذیرش و تعهد (ACT) بر رضایت جنسی ($F=4/94$, $p=0/032$) صمیمیت زوجین ($p=0/001$) اثر داشته و این اثر در مرحله پیگیری پایدار مانده است. مطابق با یافته ها در گروه آزمایش در مرحله پس آزمون بعد از درمان مبتنی بر پذیرش و تعهد (ACT) میانگین نمره کل رضایت جنسی و صمیمیت زوجی از پیش آزمون بیشتر است و در مرحله پیگیری نیز پایداری نشان می دهد اما این تفاوت در گروه کنترل محسوس نیست.

نتیجه گیری: بر اساس یافته های پژوهش می توان نتیجه گرفت که کاربرد تکنیک های مبتنی بر نظریه پذیرش و تعهد (ACT) بر میزان رضایت جنسی و صمیمیت زوجین موثر بوده است. به طور کلی این درمان به زوجین کمک می کند تا ارتباط کاملی با زمان حال داشته باشند و با ذهن آگاهی به تغییر رفتارها و افکار نادرست بپردازند. بنابراین از طریق این درمان زوجین می توانند به رضایت کاملی از زندگی به ویژه در زمینه جنسی برسند و صمیمیت شان را افزایش دهند.

کلید واژه ها: زوج درمانی مبتنی بر پذیرش و تعهد، رضایت جنسی، صمیمیت زوجی، زوجین نابارور

تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین بر درگیری تحصیلی دانش آموزان

زمرد جنادله، سیده غزال هاشمی، یاسمن حق شناس

۱. کارشناس آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان اهواز، اهواز، ایران

۲. کارشناس آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان اهواز، اهواز، ایران

۳. کارشناس آموزش ابتدایی، دانشگاه فرهنگیان اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

yasamanhaqshenas@gmail.com

زمینه و هدف: درگیری فعال در محیط‌های آموزشی برای موفقیت‌های آموزشی برای موفقیت‌های تحصیلی دانش‌آموزان امری اساسی است. دانش‌آموزان برای کسب دانش و مهارت‌های موردنیاز برای عبور از مسیرهای مختلف تحصیلی، باید با آموزش‌های ارائه شده در محیط آموزشی به گونه‌ای فعال درگیر شوند. مهارت‌های ارتباطی مثبت والدین با فرزندان خود می‌تواند در ایجاد محیطی برای افزایش درگیری تحصیلی دانش‌آموزان موثر باشد. لذا با توجه به مطالب بیان شده پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین بر درگیری تحصیلی دانش‌آموزان انجام گرفت.

روش پژوهش: پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش از نوع آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری این پژوهش شامل ۳۰ نفر از والدین دانش‌آموزان دوره‌ی اول متوسطه شهر اهواز در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بودند که درگیری تحصیلی پایینی داشتند نمونه این پژوهش شامل ۳۰ والد که از بین آن‌ها ۱۰ مرد و ۲۰ زن که به روش نمونه‌گیری در دسترس به عنوان نمونه انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه ۱۵ نفره (۱۵ نفر گروه آزمایش و ۱۵ نفر گروه کنترل) جایگزین شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌ی درگیری تحصیلی (AES) استفاده شد. شرکت‌کنندگان گروه آزمایش، ۸ جلسه برنامه‌ی آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین را دریافت نمودند. داده‌ها با استفاده از روش آماری تحلیل کوواریانس، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد که آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین بر درگیری تحصیلی دانش‌آموزان موثر است. بدین صورت که پس از تعدیل نمره‌های پیش‌آزمون بین نمرات پس‌آزمون آزمودنی‌های دو گروه آزمایش و کنترل در درگیری تحصیلی تفاوت معناداری وجود داشت ($p < 0/01$). **نتیجه‌گیری:** با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر که نشان‌دهنده تاثیر برنامه آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین در افزایش درگیری تحصیلی دانش‌آموزان بوده است، مهارت‌های ارتباطی والدین کمک می‌کند تا فرزندان با اشتیاق بیشتری نسبت به تحصیل درگیر شوند رابطه موثر با فرزندان و مهارت‌های لازم جهت برخورد با مشکلات تحصیلی دانش‌آموزان می‌تواند ضمن پیشرفت تحصیلی بالا در دانش‌آموزان موجب افزایش درگیری تحصیلی آنها گردد. پیشنهاد می‌گردد جهت ایجاد محیطی برای ارتقای تحصیلی دانش‌آموزان به آموزش والدین بر اساس نیاز و خصوصیات دوران نوجوانی شود.

واژه‌های کلیدی: آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین، درگیری تحصیلی، دانش‌آموزان

تعیین اثربخشی آموزش فرزندپروری مثبت بر اضطراب امتحان دانش آموزان

نرگس چنانی

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه پیام نور اصفهان، اصفهان، ایران

chenaninarges2070@gmail.com

زمینه و هدف: امتحان یکی از مهمترین عوامل استرس زا در مدارس است که پیامدهای روانشناختی و فیزیولوژیکی مختلفی دارد و می تواند منجر به کاهش عملکرد دانش آموزان در طی زمان برگزاری امتحان شود یکی از عواملی که منجر به کاهش اضطراب امتحان می شود واقع بینانه بودن سطح انتظارات والدین است، آموزش فرزندپروری مثبت، مهارت های مدیریت مثبت را به والدین آموزش می دهد، تا جایگزین فرزندپروری ناکارآمد و استبدادی و با بررسی نگرش های والدین در این خصوص سعی در اصلاح آنها دارد، آموزش فرزندپروری مثبت با بالا بردن اعتماد به نفس فرزندان، اضطراب امتحان و تردید درباره ی توانایی خود را در دانش آموزان کاهش می دهد. لذا باتوجه به مطالب بیان شده پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی آموزش فرزندپروری مثبت بر اضطراب امتحان دانش آموزان دانش آموزان انجام گرفت

روش پژوهش: پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش از نوع آزمایشی با طرح پیش آزمون-پس آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری این پژوهش شامل ۳۰ نفر از والدین دانش آموزان دوره ی اول متوسطه شهر شوش در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بودند. ۳۰ والد به روش نمونه گیری دردسترس به عنوان نمونه انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه ۱۵ نفره (۱۵ نفر گروه آزمایش و ۱۵ نفر کنترل) جایگزین شدند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه ی اضطراب امتحان (TAQ) استفاده شد. شرکت کنندگان گروه آزمایش، ۸ جلسه برنامه ی فرزندپروری مثبت را دریافت نمودند. داده ها با استفاده از روش آماری تحلیل کوواریانس، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: نتایج تحلیل کواریانس نشان داد که آموزش فرزندپروری مثبت بر اضطراب امتحان دانش آموزان موثر است. بدین صورت که پس از تعدیل نمره های پیش آزمون بین نمرات پس آزمون آزمودنی های دو گروه آزمایش و کنترل در اضطراب امتحان تفاوت معناداری وجود داشت ($p < 0.01$).

نتیجه گیری: با توجه به یافته های پژوهش حاضر که نشان دهنده تاثیر برنامه آموزشی تعیین اثربخشی آموزش فرزندپروری مثبت بر اضطراب امتحان دانش آموزان بوده است، داشتن رابطه مثبت با فرزندان می تواند در کاهش اضطراب امتحان دانش آموزان موثر باشد فرزند پروری مثبت با کنترل مثبت و کم کردن توقعات غیر منطقی والدین در ایجاد فضایی که دانش آموزان بتوانند ضمن برداشتن گام هایی جهت رشد شخصی و پیشرفت تحصیلی با اطمینان به خود بیشتر، تحصیل کنند و اضطراب ناشی از جو خانواده که بر آنها وارد می گردد را کاهش دهد

واژه های کلیدی: آموزش فرزندپروری مثبت، اضطراب امتحان، دانش آموزان

تعیین اثربخشی آموزش فرزندپروری مثبت بر قلدری فضای مجازی دانش آموزان

نرگس چنانی

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه پیام نور اصفهان، اصفهان، ایران

chenaninarges2070@gmail.com

زمینه و هدف: قلدری سایبری معمولاً از طریق آنلاین صورت می‌گیرد و شامل پیام‌های تهدید آمیز و آزاردهنده می‌شود. این موضوع شامل به اشتراک گذاری یا ارسال اطلاعات خصوصی، غلط، تحقیر آمیز یا نادرست در مورد یک شخص است. فرزندپروری مثبت با افزایش خودکفایی و خودکارآمدی والدین در کنترل رفتار مبتنی است که از طریق آموزش والدین به منظور ارتقاء تحول فرزند، حس صلاحیت اجتماعی و خودکنترلی میسر می‌شود، لذا با توجه به مطالب بیان شده پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی فرزندپروری مثبت بر قلدری فضای مجازی دانش آموزان انجام گرفت.

روش پژوهش: پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش از نوع آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه والدین دانش آموزان ۳۰ نفر از والدین دانش آموزان دوره دوم متوسطه شهر شوش در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بودند. ۳۰ والد به روش نمونه‌گیری در دسترس به عنوان نمونه انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه ۱۵ نفره (۱۵ نفر گروه آزمایش و ۱۵ نفر گروه کنترل) جایگزین شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌ی خشونت سایبری برای نوجوانان (CYBA) استفاده شد. شرکت‌کنندگان گروه آزمایش، ۸ جلسه برنامه‌ی فرزندپروری مثبت را دریافت نمودند. داده‌ها با استفاده از روش آماری تحلیل کوواریانس، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج تحلیل کواریانس نشان داد که آموزش فرزندپروری مثبت بر قلدری فضای مجازی دانش آموزان موثر است. بدین صورت که پس از تعدیل نمره‌های پیش‌آزمون بین نمرات پس‌آزمون آزمودنی‌های دو گروه آزمایش و کنترل در قلدری فضای مجازی تفاوت معناداری وجود داشت ($p < 0/01$).

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های پژوهش قلدری فضای مجازی دانش آموزان به شکل نامطلوبی در ارتباطات بین خانواده و دوستانشان نیز نمود پیدا می‌کند یکی از راه‌های کاهش قلدری فضای مجازی می‌تواند آموزش فرزندپروری مثبت به والدین باشد، این آموزش با افزایش اعتماد به نفس والدین، مهارت‌ها و دانش آن منجر به کاهش شیوع مشکلات رفتاری و عاطفی فرزندان می‌شود.

واژه‌های کلیدی: فرزندپروری مثبت، قلدری فضای مجازی، دانش آموزان

راهکارهای روانشناختی افزایش کیفیت روابط زوجین و رضایتمندی زناشویی

فاطمه حرم باف زاده

۱. طلبه سطح سه، مدرسه علمیه تخصصی الزهراء (علیها السلام)، اهواز

fh18.harambaf@gmail.com

زمینه و هدف: خانواده اولین نهاد اجتماعی می باشد و برای اینکه اعضای خانواده با یکدیگر روابط خوب و سالمی داشته باشند، باید راهکارهایی را بکارگیرند. از جمله راهکارهایی که می تواند منجر به روابط سالم و رضایت زوجین از زندگی شود، کسب مهارت های زندگی از جمله: مهارت چگونگی تأمین نیازهای عاطفی و محبت ورزیدن به همسر و همدلی با او می باشد. هدف پژوهش حاضر این است که با ارائه راهکارهایی باعث افزایش و تقویت روابط همسران شود که به تبع آن زندگی با آرامش و با نشاطی را سپری کنند.

روش پژوهش: پژوهش حاضر به روش کتابخانه ای و با مطالعه کتاب های گوناگون در زمینه خانواده و روابط زوجین جمع آوری شده است و رویکرد آن توصیفی می باشد.

یافته ها: با بررسی و مطالعه بعضی کتاب های گوناگون در زمینه پژوهش حاضر این یافته ها بدست آمده است که تأمین نیازهای عاطفی و محبت ورزیدن، همدلی و همراهی با همسر مخصوصاً در زمان هایی که فرد بنا به دلایل گوناگون از جمله خستگی از کار، دچار فشار روحی شده و تأمین نیاز به شادی و تفریح سالم، زیرا شادی و نشاط تأثیر زیادی در سلامت جسم و روح انسان دارد. و همچنین احترام متقابل زوجین به یکدیگر مخصوصاً در حضور دیگران باعث حفظ اقتدار مرد و عزت زن می شود. لذا رعایت این راهکارها باعث تقویت رابطه همسران می گردد.

نتیجه گیری: براساس یافته های بدست آمده در این پژوهش اینگونه می توان نتیجه گرفت که اگر زوجین بر اساس تفاوت های روانشناختی که با یکدیگر دارند، بتوانند نیازهای گوناگون خود را از جمله نیازهای عاطفی و محبت ورزیدن و احترام گذاشتن را به خوبی برآورده کنند، باعث رضامندی آنان از زندگی و افزایش کیفیت روابطشان می گردد.

واژه های کلیدی: راهکارهای روانشناختی، کیفیت روابط زوجین، رضامندی زناشویی

نقش واسطه‌ای خودکارآمدی جنسی در رابطه رضایت جنسی با رضایت زناشویی

کاظم حسینی، اسدالله ویسی، هیمن نادرزاده

۱. دکترای علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، مریوان
۲. دکترای مشاوره خانواده، دانشگاه پیام نور، مریوان
۳. دکترای روانشناسی عمومی، آموزش و پرورش، مریوان

K_hassani@pnu.ac.ir

زمینه و هدف: رضایت‌مندی زناشویی که بازتابی از خوشبختی و عملکرد مثبت در زندگی زناشویی است از مهم‌ترین مولفه‌های سلامت‌روانی، شادکامی، تداوم و ثبات خانواده است. رضایت زناشویی، نیز می‌تواند تحت تأثیر مولفه‌های مهمی همچون رضایت جنسی و خودکارآمدی جنسی قرار گیرد. به همین منظور، پژوهش حاضر با هدف نقش واسطه‌ای خودکارآمدی جنسی در رابطه رضایت جنسی با رضایت زناشویی انجام شده است.

روش پژوهش: مطالعه حاضر از نوع مطالعات همبستگی به روش مدل‌یابی معادلات ساختاری است. جامعه آماری این پژوهش، شامل متأهلین ۲۰ الی ۳۰ ساله شهر مریوان در سال ۱۴۰۱ می‌باشد. بر اساس جدول دی. دواس، ۳۳۶ نفر به عنوان نمونه انتخاب و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای مورد مطالعه قرار گرفتند. ابزار گردآوری داده‌ها، شامل پرسشنامه رضایت زناشویی (MSQ)، پرسشنامه رضایت جنسی (ISS) و پرسشنامه خودکارآمدی جنسی (SSE) بود. داده‌ها با استفاده از آماره‌های توصیفی، ضریب همبستگی و مدل‌یابی معادلات ساختاری از طریق برنامه آماری SPSS و AMOS نسخه ۲۴ تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج مدل معادلات ساختاری نشان داد که رضایت جنسی به صورت مستقیم ۰/۰۰۱ و به صورت غیرمستقیم ۰/۰۰۲ از طریق واسطه‌گری خودکارآمدی جنسی، بر رضایت زناشویی زوج‌ها تأثیر دارد. مدل ساختاری با داده‌های پژوهش برازشی مناسب دارد و متغیر رضایت جنسی با نقش میانجی خودکارآمدی جنسی، توان پیش‌بینی ۰/۴۸ از تغییرات متغیر رضایت زناشویی را دارند.

نتیجه‌گیری: با توجه به نقش معنادار رضایت جنسی و خودکارآمدی جنسی در رضایت زناشویی از این یافته می‌توان در طراحی رویکرد جامع خانواده محور برای افزایش رضایت زناشویی استفاده کرد. بنابراین، پیشنهاد می‌شود با آموزش تکنیک‌های رضایت جنسی و خودکارآمدی جنسی در قالب جلسات مشاوره‌ای و کارگاه‌های آموزشی خانواده، از بروز نارضایتی زناشویی در میان زوجین متأهل جلوگیری شود.

واژه‌های کلیدی: رضایت زناشویی، رضایت جنسی، خودکارآمدی جنسی

تجربه زیسته از ابتلاء به اختلال نارسایی توجه/فزون کنشی (ADHD) در سنین پیش دبستان

زهرا حسین زاده ملکی^{۱*}، علی مشهدی^۲، سید کاظم رسول زاده طباطبایی^۳، فاطمه محرری^۴

۱. گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.
۲. گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.
۳. گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.
۴. مرکز تحقیقات روان پزشکی و علوم رفتاری، دانشگاه علوم پزشکی مشهد، مشهد، ایران.

z.hmaleki@um.ac.ir

زمینه و هدف: هرچند اختلال نارسایی توجه/فزون کنشی (ADHD) از شایع ترین اختلال های عصب تحولی با شروع در کودکی است، آگاهی اندکی از تجربه زیسته و شخصی کودکان از ابتلا به این اختلال در دسترس است. بنابراین هدف پژوهش حاضر بررسی تجربه زیسته از ابتلاء به ADHD در سنین پیش دبستان بود.

روش پژوهش: این پژوهش در جامعه آماری کودکان ۴ تا ۶ ساله مبتلا به ADHD، رویکرد پدیدارشناختی را که به توصیف علمی ماهیت یک پدیده مانند تجربه زیسته از ابتلاء به یک اختلال یا بیماری می پردازد، بکار برد. در گردآوری داده ها برای حفظ انعطاف پذیری، مصاحبه های بدون ساختار طی ۴۵ الی ۶۰ دقیقه بکار رفت. شرکت کنندگان حداقل سه ماه پیش از مشارکت در مطالعه، تشخیص ADHD را از فوق تخصص روان پزشکی کودک و نوجوان دریافت نموده همچنین، قادر به بیان احساسات و افکار خود بودند. از میان مراجعین به مطبها در شهر مشهد از طریق نمونه گیری هدفمند اشباع با ۶ شرکت کننده (۳ پسر)، طی یک دوره دو ماهه حاصل گردید. تجزیه و تحلیل داده ها با روش کلیزی (۱۹۷۸) صورت گرفت.

یافته ها: نتایج مصاحبه در دو مضمون اصلی "من دوست داشتنی نیستم"، "والدین به اندازه کافی خوب نیستند" سازمان یافت. این موارد شش مضمون فرعی را شامل می شد: بدنامی، طرد و تنبیه، احساس گناه، عدم ثبات و قابلیت پیش بینی، تعامل محدود والد-کودک، تقاضای غیرموثر، اطلاعات ناکارآمد. **نتیجه گیری:** مضامین حاصل از مصاحبه در قیاس با دیگر شواهد پژوهشی موید آن بود که نشانه ها و پیامدهای ADHD از همان سنین آغازین تحول، نه تنها کیفیت زندگی کودکان، بلکه دیدگاه کودک نسبت به خود و نیز رابطه والد-کودک را متاثر می سازد. این یافته در حمایت از خط اول مداخلات ADHD در پیش دبستان یعنی آموزش فرزندپروری به ویژه فرزندپروری با رویکرد رفتاری است، که به آموزش ارائه تقویت مثبت و ارتقاء رفتارهای مقتدرانه والد جهت بهبود رفتار و نشانه ها در کودک تاکید دارد. ضمن آنکه این یافته ها ضرورت تعامل بیش تر نهادهای ارائه کننده خدمات سلامت روان با این جمعیت هدف یعنی کودک را برجسته می سازد و با وضوح بخشیدن به نیازهای آنان و شناسایی شکاف در خدمات موجود به ارائه مداخله های نوین کمک می نماید.

واژه های کلیدی: نارسایی توجه/فزون کنشی، تجربه زیسته، پیش دبستان

اثر بخشی تلفیقی شفقت به خود و معنادهی به رنج مبتنی بر آموزه‌های اسلامی بر بی‌رمقی زناشویی زوجین دارای فرزند کم‌توان ذهنی

مهران حیدری‌نیا^{۱*}، زهرا رسولی عمادی^۲، لیلا هاشمی^۳

دانشجوی دکتری، گروه مشاوره، دانشگاه شهید چمران، اهواز، ایران.

کارشناس ارشد علوم تربیتی - آموزش و پرورش پیش دبستانی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

کارشناس ارشد روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، گروه روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

ghmehran1992@gmail.com

زمینه و هدف: کم‌توانی ذهنی اختلالی عصب‌تحوالی با نقص در عملکردهای ذهنی و انطباقی در حوزه‌های مفهومی، اجتماعی و کاربردی است که در طول دوره رشد شروع می‌شود و طبق شواهد بر روابط سایر اعضای خانواده اثر می‌گذارد؛ در شرایطی که خانواده دارای فرزند کم‌توان ذهنی است، استرس‌های همه‌جانبه‌ای به کل خانواده و روابط زناشویی تحمیل می‌شود که فرایند بی‌رمقی زناشویی و خودسرزنش‌گری را در بین زوجین تشدید می‌کند. بر این اساس پژوهش حاضر باهدف اثربخشی تلفیقی شفقت به خود و معنادهی به رنج مبتنی بر آموزه‌های اسلامی بر بی‌رمقی زناشویی زوجین دارای فرزند کم‌توان ذهنی انجام گرفت.

روش پژوهش: این پژوهش نیمه‌آزمایشی از نوع پیش‌آزمون-پس‌آزمون و پیگیری با گروه آزمایش و کنترل بود. جامعه پژوهش، زوجین با فرزند کم‌توان ذهنی شهر تهران در سال ۱۴۰۲ بود. نمونه پژوهش شامل ۳۰ زوج با فرزند کم‌توان ذهنی در حال تحصیل در منطقه ۱۸ شهر تهران بودند که با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و با روش تصادفی در دو گروه مساوی جایگزین شدند (هر یک ۱۵ زوج). گروه آزمایش ۱۰ جلسه‌ی ۹۰ دقیقه‌ای (هر هفته دو جلسه) مداخله تلفیقی شفقت به خود و معنادهی به رنج مبتنی بر آموزه‌های اسلامی را دریافت کرد و گروه کنترل در لیست انتظار برای آموزش قرار گرفت. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه بی‌رمقی زناشویی (CBM) بود. داده‌ها توسط نرم‌افزار SPSS24 و با استفاده از تحلیل کوواریانس تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که آموزش تلفیقی شفقت به خود و معنادهی به رنج مبتنی بر آموزه‌های اسلامی بر بی‌رمقی زناشویی زوجین دارای فرزند کم‌توانی ذهنی گروه آزمایش در مقایسه با گروه کنترل اثربخشی معنادار و پایداری دارد ($p < 0/05$)؛ به عبارت دیگر، مداخله تلفیقی شفقت به خود و معنادهی به رنج باعث کاهش ابعاد بی‌رمقی زناشویی (خستگی عاطفی، $F=97/06, P < 0/01$ ؛ خستگی روانی، $F=72/21, P < 0/01$ و خستگی جسمی، $F=69/63, P < 0/01$) زوجین دارای فرزند کم‌توان ذهنی شد.

نتیجه‌گیری: بنابراین می‌توان گفت، تلفیق شفقت به خود و معنادهی به رنج مبتنی بر آموزه‌های اسلامی از طریق افزایش پذیرش بدون قضاوت نسبت به رنج‌ها، همدلی و توجه مستمر نسبت به احساسات درونی به کاهش احساس گناه، ایجاد حالت صلح با خود و دیگران و در نتیجه کاهش مشکلات روان‌شناختی زوجین می‌انجامد که کاهش بی‌رمقی زناشویی و خودسرزنش‌گری می‌تواند پیامد چنین فرایندی باشد.

کلیدواژه‌ها: شفقت به خود، معنادهی به رنج، آموزه‌های اسلامی، بی‌رمقی زناشویی، کم‌توان ذهنی.

بررسی اثربخشی زوج درمانی هیجان مدار بر انطباق پذیری و کیفیت ارتباطی والدین

رویا حیدری

دکتری مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

roya9285h@gmail.com

زمینه و هدف: کیفیت ارتباطی والدین از مهم ترین مؤلفه های سلامت روان اعضای خانواده است. خانواده هایی که انطباق پذیری خیلی بالا یا پایین را تجربه می کنند اکثراً ثبات بیشتر از حد یا تغییر زیاد و سریعی را تحمل می کنند و باعث عدم تعادل در سیستم خانواده می شوند. درمان هیجان محور رویکردی است کوتاه مدت و نظام دار برای درمان و بهبود روابط آشفته و رویکردی یک پارچه است که به بررسی روابط درون فردی و بین فردی به صورت همزمان می پردازد. هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی زوج درمانی هیجان مدار بر انطباق پذیری و کیفیت ارتباطی والدین بود.

روش پژوهش: روش پژوهش حاضر نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون - پس آزمون با گروه آزمایش و کنترل بود. جامعه آماری شامل کلیه زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره در شهر سنندج در سال ۱۴۰۲ بود. آزمودنی ها شامل ۳۰ زوج (۱۵ زن و ۱۵ مرد) بود که به شیوه نمونه گیری در دسترس به عنوان نمونه انتخاب و با گمارش تصادفی در گروه آزمایش ۱۵ نفر و کنترل ۱۵ نفر جایگزین شدند. برای آزمودنی های گروه آزمایش جلسات زوج درمانی هیجان مدار در طی ۹ جلسه ۶۰ دقیقه ای و به صورت گروهی برگزار شد، گروه کنترل هیچ مداخله ای دریافت نکرد. هردو گروه در پیش آزمون و پس آزمون به پرسشنامه های انطباق پذیری (AFSS) و کیفیت ارتباطی والدین (PCRS) پاسخ دادند. تجزیه و تحلیل داده ها با روش تحلیل کوواریانس و نرم افزار SPSS ۲۴ انجام شد.

یافته ها: یافته های حاصل از تحلیل آماری فرضیه های پژوهش نشان داد زوج درمانی هیجان مدار منجر به بهبود انطباق پذیری زوجین در گروه آزمایش شده است. همچنین زوج درمانی هیجان مدار باعث ارتقا کیفیت ارتباطی والدین در گروه آزمایش شده است.

نتیجه گیری: بنابراین می توان گفت که مشاوران خانواده و زوج درمانگران برای کمک به زوجین در حل مشکلات انطباق پذیری و کیفیت ارتباطی والدین میتوانند از تکنیک های رویکرد زوج درمانی هیجان مدار استفاده کنند.

کلید واژه ها: زوج درمانی هیجان مدار، انطباق پذیری، کیفیت ارتباطی والدین

اثربخشی آموزش پیش از ازدواج مبتنی بر آگاهی بر ملاک های همسرگزینی و کمال گرایی در دختران دانشجو مجرد دانشگاه رودهن

الناز خادم صدیق کان

کارشناس ارشد رشته مشاوره خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رودهن، تهران، ایران.

Solmazedigh200@gmail.com

زمینه و هدف: هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش پیش از ازدواج مبتنی بر آگاهی بر ملاک های همسرگزینی و کمال گرایی در دختران دانشجو مجرد دانشگاه رودهن بود.

روش پژوهش: روش پژوهش حاضر نیمه آزمایشی و با پیش آزمون، پس آزمون با گروه آزمایش و کنترل بود. جامعه آماری در پژوهش حاضر شامل تمامی دانشجویان دختر مجرد دانشگاه رودهن دانشکده مشاوره و علوم تربیتی در سال ۱۴۰۱ بود که در آستانه ازدواج بودند. تعداد ۳۰ نفر از دانشجویان دختر که در پرسشنامه های ملاک های همسرگزینی و کمال گرایی نقطه بالاتر از خط برش کسب کردند و نیازمند به مداخله و درمان بودند به عنوان نمونه انتخاب و به طور تصادفی در گروه آزمایش (۱۵) و گروه کنترل (۱۵) جایگزین شدند. گروه آزمایش جلسات پیش از ازدواج مبتنی بر آگاهی را به صورت جلسات گروهی دریافت کردند. گروه کنترل هیچ مداخله ای دریافت نکردند. برای جمع آوری داده از پرسشنامه های کمال گرایی و ملاک همسرگزینی استفاده شد. تحلیل داده ها با استفاده از تحلیل کوواریانس و نرم افزار SPSS-24 انجام شد.

یافته ها: نتایج حاصل از تحلیل داده ها نشان داد که آموزش پیش از ازدواج مبتنی بر آگاهی بر ارتقا ملاک های همسرگزینی و کمال گرایی در گروه آزمایش تاثیر معناداری دارد.

نتیجه گیری: بنابراین میتوان نتیجه گرفت که از برنامه آموزش پیش از ازدواج مبتنی بر آگاهی مشاوران می توانند برای بهبود مشکلات زناشویی مراجعان بهره ببرند.

کلیدواژه ها: آموزش پیش از ازدواج مبتنی بر آگاهی، ملاک های همسرگزینی و کمال گرایی

ارتباط بین کیفیت روابط زناشویی و رضایت شغلی در پرستاران بیمارستان شهدا بندرگز

فاطمه خدادادی^۱، سمیه رستمی^۲، ملیحه عباسی^۳*^۱ کمیته تحقیقات دانشجویی، واحد بندرگز، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرگز، ایران^۲ گروه پرستاری، واحد بندرگز، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرگز، ایران^۳ گروه پرستاری، واحد بندرگز، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرگز، ایران (نویسنده مسئول)

malihe.abbasi@gmail.com

زمینه و هدف: همه زوج ها به دنبال آن هستند که از زندگی زناشویی لذت ببرند و احساس رضایت داشته باشند. رضایت شغلی می تواند از عوامل مهم و تاثیرگذار بر رضایت زناشویی باشد لذا پژوهش حاضر به منظور شناسایی رابطه رضایت شغلی و کیفیت روابط زناشویی در پرستاران بیمارستان شهدا بندرگز در سال ۱۴۰۲ صورت گرفته است.

روش پژوهش: مطالعه حاضر، پژوهشی مقطعی از نوع همبستگی است و جامعه مورد پژوهش در این مطالعه پرستاران بیمارستان شهدا بندرگز در سال ۱۴۰۲ است. شرکت کنندگان در مطالعه با روش نمونه گیری سرشماری وارد مطالعه شدند. تعداد پرستاران بیمارستان شهدا بندرگز ۱۱۹ نفر بود. ابزارهای جمع آوری داده ها شامل پرسشنامه اطلاعات جمعیت شناختی، پرسشنامه رضایت شغلی Loutanz و پرسشنامه رضایت زناشویی ENRICH می باشد. اطلاعات با استفاده از برنامه SPSS نسخه ۲۱ و آمار توصیفی و تحلیلی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این مطالعه $P < 0/05$ معنادار در نظر گرفته شد. **یافته ها:** میانگین نمره رضایت شغلی پرستاران بندرگز (۸۸ تا ۱۶۴) متوسط به بالا بوده است و نمره حاصل از پرسشنامه رضایت زناشویی ۱۱۹ پرستار بالای ۷۰ بود که نشان دهنده رضایت فوق العاده از روابط زناشویی همسران است. آزمون همبستگی اسپیرمن نشان داد که ارتباط خطی معناداری بین رضایت شغلی و رضایت زناشویی وجود نداشت اما این ارتباط تمایل به معنادار شدن داشت و شدت ارتباط نیز ضعیف بود ($r = 0/17$ ، $p = 0/06$).

نتیجه گیری: نتایج نشان داد همه پرستاران بیمارستان شهدا بندرگز رضایت فوق العاده ای از روابط زناشویی خود داشتند. بین رضایت شغلی و رضایت زناشویی همبستگی وجود داشت اما شدت ارتباط نیز ضعیف بود.

واژه های کلیدی: رضایت شغلی، روابط زناشویی، پرستار

پیش بینی رضایت جنسی بر اساس گشودگی به تجربه، خیرخواهی و خشم-اجتناب در زنان متأهل

یداله خرم آبادی^۱، حسین طهماسبی^۲

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، واحد کبودآهنگ، همدان، ایران.

۲. استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، واحد کبودآهنگ، همدان، ایران. (نویسنده مسئول)

yadollah.khorramabadi@pnu.ac.ir

زمینه و هدف: رضایت جنسی در ازدواج، احساس ذهنی خرسندی و لذت ناشی از رابطه جنسی با همسر تعریف می شود. ویژگی شخصیتی گشودگی به تجربه، که شامل تمایل به پذیرش ایده‌های جدید است با تشویق به کاوش و ارتباط، رضایت جنسی را می‌تواند افزایش دهد. خیرخواهی در روابط زناشویی که با مهربانی و حسن نیت نسبت به همسر مشخص می‌شود، ارتباط عاطفی را تقویت می‌کند و در نتیجه رضایت جنسی را می‌تواند بالا برد. در نقطه مقابل، خشم-اجتناب، که با رفتار انتقام‌جویانه یا دوری‌گزینی مشخص می‌شود، با ایجاد موانع عاطفی، رضایت جنسی را می‌تواند کاهش دهد. با وجود اهمیت نظری این عوامل، تحقیقات در مورد تأثیر ترکیبی آن‌ها بر رضایت جنسی زنان متأهل محدود است. بنابراین، با عنایت به خلاء موجود در زمینه مطالعات مربوط به عوامل موثر بر رضایت جنسی زنان متأهل، این پژوهش با هدف تبیین چگونگی تأثیر گشودگی به تجربه، خیرخواهی و خشم-اجتناب بر رضایت جنسی در این افراد، به دنبال تعمیق درک این موضوع انجام شد.

روش پژوهش: پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان متأهل ساکن استان لرستان بود که از میان آن، ۸۴۰ نفر به شیوه تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های رضایت زناشویی انریچ (EMS) برای سنجش بعد رضایت جنسی، پنج عاملی نئو (NEO-FFI) برای سنجش گشودگی به تجربه و بخشش رنجش خاص زناشویی (MOFS) برای سنجش بعد خیرخواهی و بعد خشم-اجتناب پاسخ دادند. سپس داده‌ها به روش رگرسیون چندمتغیره با نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: تحلیل رگرسیون، ۲۱/۱ درصد از تغییرات رضایت جنسی را تبیین کرد که در آن، خیرخواهی با ضریب ۰/۱۸۲ بیشترین اثر مثبت را داشت و پس از آن، گشودگی با ضریب ۰/۰۷۰ قرار گرفت. خشم-اجتناب نیز با ضریب ۰/۳۷۶-، تأثیر منفی بر رضایت جنسی داشت.

نتیجه گیری: نتایج فرضیه اصلی را تایید کرد که نشان می‌دهد تمایلات خیرخواهانه و گشودگی به تجربه، به طور مثبت بر رضایت جنسی زنان متأهل موثر هستند. در مقابل، خشم-اجتناب بر رضایت جنسی تأثیر منفی داشت. این یافته‌ها بر اهمیت پرورش تمایلات خیرخواهانه، گشودگی به تجربه و مهارت‌های حل تعارض در روابط زناشویی برای ارتقای رضایت جنسی تأکید می‌کنند.

واژه های کلیدی: رضایت جنسی، گشودگی به تجربه، خیرخواهی، خشم-اجتناب، زنان متأهل.

پیش بینی رضایت زنان از حل تعارض در روابط زناشویی بر اساس روان رنجوری، بخشش و همدلی

یداله خرم آبادی^۱، حسین طهماسبی^۲

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، واحد کبودرآهنگ، همدان، ایران.

۲. استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، واحد کبودرآهنگ، همدان، ایران. (نویسنده مسئول)

yadollah.khorramabadi@pnu.ac.ir

زمینه و هدف: رضایت از حل تعارض در روابط زناشویی به میزان خرسندی افراد در مورد چگونگی رسیدگی و حل تعارضات یا اختلافات در ازدواج آنها اشاره دارد. افراد روان رنجور به دلیل ناپایداری عاطفی، در برابر اختلافات زناشویی واکنش‌های شدیدی نشان می‌دهند که می‌تواند منجر به تشدید تنش و نارضایتی از حل تعارض شود. افرادی که همدلی بالایی دارند، دیدگاه همسر خود را درک و با احساسات و نیازهای او همذات‌پنداری می‌کنند، که می‌تواند به حل تعارضات و افزایش رضایت از حل آنها کمک کند. بخشش همسر، خشم و کینه را از بین می‌برد و می‌تواند زمینه ترمیم رابطه و افزایش رضایت از حل تعارض را فراهم کند. علی‌رغم وجود مطالعات متعدد در زمینه روان رنجوری، بخشش، همدلی و رضایت از حل تعارض، اثرات همزمان این متغیرها در رضایت از حل تعارض زنان در روابط زناشویی بررسی نشده است. این خلاء پژوهشی، ضرورت انجام این مطالعه را آشکار می‌کند. از این رو، تحقیق حاضر با هدف تبیین چگونگی تاثیر روان رنجوری، بخشش و همدلی بر رضایت از حل تعارض در محدوده روابط زناشویی در میان زنان اجرا گردید.

روش پژوهش: پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان متاهل ساکن استان لرستان بود که از میان آن، ۸۴۰ نفر به شیوه تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های رضایت زناشویی انریچ (EMS) برای ارزیابی رضایت از حل تعارض، پنج عاملی نئو (NEO-FFI) برای سنجش روان رنجوری، بخشش رنجش خاص زناشویی (MOFS) و همدلی زناشویی (MES) پاسخ دادند. سپس داده‌ها به روش رگرسیون چندمتغیره با نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: مطابق با نتایج رگرسیون، در این مطالعه مشخص شد که ۳۹ درصد از واریانس در رضایت از حل تعارض توسط سه متغیر بخشش، همدلی و روان رنجوری به ترتیب با ضرایب ۰/۳۴۸، ۰/۱۷۵ و -۰/۳۴۰- تبیین می‌شود.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج، فرضیه اصلی تایید گردید و مشخص شد که بخشش و همدلی به طور قابل توجهی رضایت از حل تعارض را افزایش می‌دهند، در حالی که روان رنجوری اثر منفی بر آن دارد. این یافته‌ها بر ضرورت مداخلات هدفمند برای ارتقای همدلی و بخشش و همچنین کاهش روان رنجوری در روابط زناشویی تأکید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: حل تعارض، روان رنجوری، بخشش، همدلی، زنان متاهل.

بررسی روش‌های آموزش مبتنی بر ذهن‌خوانی بر سازگاری اجتماعی در خانواده‌های دارای کودک مبتلا به اختلال طیف اتیسم

ماجده خسروی لاریجانی، زینب السادات توکلی

۱. دانشجوی دکتری روانشناسی و آموزش کودکان استثنایی، گروه روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

۲. دانشجوی دکتری روانشناسی، گروه روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نایین، نایین، ایران.

majedekhosravi@ut.ac.ir

<mailto:zs.tavakoli1366@yahoo.com>

زمینه و هدف: اختلال طیف اتیسم، گستره‌ای از اختلال‌های تحولی پیچیده است که با تأخیر یا مشکلاتی در توانایی‌های شناختی، اجتماعی، هیجانی، زبانی، حسی و حرکتی مشخص می‌شوند. اتیسم یک اختلال عصبی-رشدی است و افراد مبتلا به آن به دلیل ضعفی که در ذهن‌خوانی دارند، در برخی از جنبه‌های ارتباطی مشکل دارند و این ناپهنجاری‌ها از توانایی افراد مبتلا در بازشناسی هیجانات چهره‌ی دیگران کاسته است. و در نتیجه ارتباط اجتماعی مناسبی برقرار نمی‌کنند و سازگاری اجتماعی آنها کاهش می‌یابد. از این رو روش‌های آموزش رایج مبتنی بر تئوری ذهن بر افزایش مهارت‌های ارتباطی که نقص چشمگیری در این افراد می‌باشد، تمرکز دارند. هدف پژوهش حاضر بررسی روش‌های آموزش مبتنی بر ذهن‌خوانی بر سازگاری اجتماعی در خانواده‌های دارای کودک مبتلا به اختلال طیف اتیسم می‌باشد.

روش پژوهش: مطالعه حاضر یک پژوهش کاربردی با روش توصیفی به صورت مرور پیشینه‌ی موجود می‌باشد. روش جمع‌آوری داده‌ها به صورت کتابخانه‌ای و نظری می‌باشد که از طریق مقاله‌ها، کتاب‌های داخلی و خارجی گردآوری شده است.

یافته‌ها: آموزش مبتنی بر ذهن‌خوانی با توجه به نقش انگیزه در انجام تکالیف بر سازگاری اجتماعی کودکان مبتلا به اختلال اتیسم مؤثر است همچنین خرده‌مقیاس‌های سازگاری اجتماعی از جمله عملکرد مدرسه، عملکرد اوقات فراغت، روابط با همسالان و عملکرد خانه در این راستا افزایش می‌یابد.

نتیجه‌گیری: در این مطالعه در مورد تئوری ذهن در افراد مبتلا به اختلال طیف اتیسم و تاثیر افزایش آن در بهبود مهارت‌های ارتباطی این افراد و در پایان در مورد اثربخشی آموزش مبتنی بر ذهن‌خوانی به عنوان یک روش آموزشی اثربخش در افزایش سازگاری اجتماعی بحث شده است.

واژه‌های کلیدی: ذهن‌خوانی، سازگاری اجتماعی، اختلال طیف اتیسم، مهارت ارتباطی

اثربخشی برنامه انتخاب بین فردی و دانش قبل از ازدواج بر نگرش های ناکارآمد و انتظارات

زناشویی زوجین در آستانه ازدواج

حدیثه خلیلی زاده

کارشناس ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی، دانشگاه پیام نور واحد قزوین، قزوین، ایران.

Hadisehkhallizadeh@gmail.com

زمینه و هدف: دوران نامزدی و اوایل ازدواج یکی از اساسی ترین مراحل چرخه زندگی خانواده است که در این مرحله میزان تعارض و اختلافها بین زوجین آشکار می شود (طالبی، یعقوبی، ایران منش و همکاران، ۱۴۰۲). نگرش و احساسات یکی از عوامل اساسی در تصمیم گیری به ازدواج و طلاق هستند که انتظارات و رفتارها را ایجاد می کنند (سلطانی نژاد، خسروپور و طهرانی، ۱۴۰۰) و هدف این است که با آموزش پیش از ازدواج یک برنامه مهم برای پیشگیری خانوادهها و افراد جهت دوری از هزینه های طلاق است (بردفورد، ۲۰۱۶). اکثر برنامه های پیشگیری تلاش کرده اند تا با تمرکز بر روی افراد و جامعه در معرض خطر افراد متأهل یا افراد در شرف ازدواج، روند ناسازگاری و میزان طلاق را تغییر بدهند.

روش پژوهش: این تحقیق از نوع کمی، نیمه آزمایشی و با پیش آزمون، پس آزمون با گروه آزمایش و کنترل بود. با استفاده از نمونه گیری در دسترس تعداد ۳۰ نفر از دانشجویان دختر در آستانه ازدواج به عنوان نمونه انتخاب و به صورت گمارش تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵) نفر و کنترل (۱۵) نفر جایگزین شدند. برای گروه آزمایش جلسات برنامه آگاهی و انتخاب بین فردی در ۱۰ جلسه گروهی به صورت هفتگی اجرا شد و گروه کنترل هیچ مداخله ای دریافت نکردند ابزارهای پژوهش: مقیاس انتظارات زناشویی، پرسشنامه ناکارآمدی نگرش و خلاصه محتوای جلسه های برنامه آگاهی و انتخاب بین فردی

یافته ها: جهت بررسی معناداری تفاوت میان گروه ها (آزمایش و کنترل) در پیش آزمون و پس آزمون از تحلیل کوواریانس استفاده شد که این تحلیل مستلزم رعایت پیش فرض هایی است که پیش از اجرای آزمون مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج آزمون باکس نشان داد که شرط همگنی ماتریس واریانس و کوواریانس در متغیر انتظارات زناشویی برقرار است. همچنین بر اساس آزمون لوین نیز شرط برابری واریانس های بین گروهی برای مراحل پس آزمون رعایت شده است.

نتیجه گیری: نتایج تجزیه و تحلیل داده ها نشان داد که برنامه انتخاب بین فردی و دانش قبل از ازدواج بر انتظارات زناشویی اثربخش بوده است. این نتایج بیانگر این است که برنامه انتخاب بین فردی و دانش قبل از ازدواج موجب کاهش میانگین نمرات انتظارات زناشویی در گروه آزمایش شده است.

واژه های کلیدی: برنامه انتخاب بین فردی و دانش قبل از ازدواج، نگرش های ناکارآمد، انتظارات زناشویی

تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی به والدین بر تحمل پریشانی در دانش آموزان دارای افکار خودکشی

مجیده خنیفر

کارشناس علوم تجربی، دانشگاه آزاد دزفول، دزفول، ایران (نویسنده مسئول)

mjydhkhyfr77@gmail.com

زمینه و هدف: میزان افکار خودکشی در بین نوجوانان دنیا رو به افزایش است و مسلماً تلاش در راستای کاهش افکار خودکشی و دیگر آسیب‌های مرتبط، بسیار حائز اهمیت است. تحمل پریشانی اشاره به ظرفیت تجربه و مقاومت در برابر حالت هیجانی منفی در موقعیتهای روانشناختی دارد تحمل پریشانی گرایش تعمیم یافته‌ای است به نوعی که فرد را به دیدن موقعیت‌ها به شکل مبهم تشویق می‌کند و در نتیجه افرادی که تحمل پریشانی ندارند، رنگ محیط را در سایه‌های سیاه و سفید جستجو می‌کنند و با احتمال بیشتری اقدام به خودکشی می‌کنند. آموزش مهارت‌های ارتباطی باعث افزایش بهداشت روانی فرزندان و افزایش ظرفیت تحمل پریشانی ارتباط مناسب والدین با فرزندان موجب توانایی رفتاری در مداومت در مقابل حالات پریشانی درونی که توسط برخی موقعیت‌های استرس‌زا تحریک می‌شود. لذا با توجه به مطالب بیان شده پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی به والدین بر تحمل پریشانی در دانش آموزان دارای افکار خودکشی انجام گرفت.

روش پژوهش: پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش از نوع آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری این پژوهش، تمامی دانش آموزان دختر متوسطه اول شهرستان شوش در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بودند. نمونه این پژوهش شامل ۳۰ نفر از والدین دانش‌آموزان دوره‌ی اول متوسطه شهر شوش ۳۰ والد به روش نمونه‌گیری دردسترس به عنوان نمونه انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه ۱۵ نفره (۱۵ نفر گروه آزمایش و ۱۵ نفر گروه کنترل) جایگزین شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌ی افکار خودکشی (BSSI) و پرسشنامه تحمل پریشانی (DTS) استفاده شد. شرکت‌کنندگان گروه آزمایش، ۸ جلسه برنامه‌ی مهارت‌های ارتباطی والدین را دریافت نمودند. داده‌ها با استفاده از روش آماری تحلیل کوواریانس، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج تحلیل کواریانس نشان داد که آموزش مهارت‌های ارتباطی به والدین بر تحمل پریشانی در دانش آموزان دارای افکار خودکشی موثر است. بدین صورت که پس از تعدیل نمره‌های پیش‌آزمون بین نمرات پس‌آزمون آزمودنی‌های دو گروه آزمایش و کنترل در تحمل پریشانی تفاوت معناداری وجود داشت ($p < 0/01$).

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌ها یکی از راه‌های افزایش تحمل پریشانی در افراد دارای افکار خودکشی آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین با فرزندان است. با توجه به این که نوجوانان با افکار خودکشی، در درک و باور به توانایی‌های خود ضعیف عمل می‌کنند؛ یکی از علل تداوم افکار خودکشی و تشدید آن، عدم آگاهی از روش‌های صحیح برخورد با موضوعات نگران‌کننده و آزاردهنده است. وقتی فرد یاد می‌گیرد که چگونه موقعیت‌های نامطلوب را به نحو مناسبی مطلوب گرداند و خود را از رفتارهای پرخطر دور نماید، تا حدود زیادی می‌تواند در آثار زیانبار شرایط نامطلوب فائق آید. از این رو آموزش مهارت‌های ارتباطی بر افزایش تحمل پریشانی می‌تواند موجب کاهش افکار خودکشی می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین، تحمل پریشانی، دانش آموزان، افکار خودکشی



تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی به والدین بر شفقت به خود در دانش آموزان دارای افکار

خودکشی

مجیده خنیفر

کارشناس علوم تجربی، دانشگاه آزاد دزفول، دزفول، ایران (نویسنده مسئول)

mjydhkhnyfr77@gmail.com

زمینه و هدف: افکار خودکشی، یک پیش‌بینی کننده قوی برای خودکشی در آینده می‌باشد. شفقت ورزی به خود، نشان‌دهنده نحوه واکنش ما به خودمان در پاسخ به ناملایمات می‌باشد، فرد می‌تواند الگوهای ناسازگار فکری، هیجانی و رفتاری خود را در زمینه خودکشی اصلاح کند. یکی از علل تداوم و تشدید افکار خودکشی، عدم آگاهی والدین از روش های صحیح برخورد با فرزندان خود است. مهارت های ارتباطی والدین کمک می کند تا ضمن ایجاد روابط بین فردی مناسب و موثر بین والدین و فرزندان، منجر به انجام مسئولیت های اجتماعی فرزندان، تصمیم گیری های صحیح و حل تعارض ها و کشمکش ها بدون توسل به اعمالی که به خود فرد یا دیگران صدمه می زند، می شود همچنین مهارت‌های ارتباطی مناسب والدین موجب فرزندان با شفقت بیشتری به خود در شرایط بحرانی داشته باشند. لذا باتوجه به مطالب بیان شده پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین بر خود شفقت ورزی در دانش آموزان دارای افکار خودکشی انجام گرفت.

روش پژوهش: پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش از نوع آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری این پژوهش شامل ۳۰ تمامی والدینی که دارای فرزند با افکار خودکشی و شفقت به خود پایینی بودند از بین آنها برای نمونه ۳۰ والد به روش نمونه‌گیری دردسترس به عنوان نمونه انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه ۱۵ نفره (۱۵ نفر گروه آزمایش و ۱۵ نفر گروه کنترل) جایگزین شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه افکار خودکشی (BSSI) و پرسشنامه خود شفقت ورزی (SCS) استفاده شد. شرکت‌کنندگان گروه آزمایش، ۸ جلسه برنامه‌ی مهارت‌های ارتباطی والدین را دریافت نمودند. داده‌ها با استفاده از روش آماری تحلیل کوواریانس، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج تحلیل کواریانس نشان داد که آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین در افزایش خود شفقت ورزی دانش‌آموزان دارای افکار خودکشی موثر است. بدین صورت که پس از تعدیل نمره های پیش آزمون بین نمرات پس آزمون آزمودنی های دو گروه آزمایش و کنترل در خود شفقت ورزی تفاوت معناداری وجود داشت ($p < 0.01$).

نتیجه گیری: با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر که نشان‌دهنده تاثیر برنامه آموزشی مهارت‌های ارتباطی والدین در افزایش خود شفقت ورزی دانش‌آموزان دارای افکار خودکشی بوده است، نحوه ی ارتباط با فرزندان دارای افکار خودکشی بسیار حائز اهمیت است، ارتباط صمیمانه با فرزند و ایجاد فضای امن و حمایتی در فرزندان دارای خودکشی می تواند موجب افزایش خود شفقت ورزی به خود در دانش آموزان گردد. توصیه می گردد که جهت مراقبت از نوجوانان در معرض رفتارهای پرخطر ضمن آگاهی به والدین از مسائل دوره نوجوانی و آموزش برای افزایش سلامت روان به نوجوانانی که در معرض خطر هستند را بیشتر مورد توجه قرار دهیم.

واژه های کلیدی: مهارت‌های ارتباطی والدین، خود شفقت ورزی، دانش آموزان، افکار خودکشی



اثربخشی مشاوره گروهی با رویکرد واقعیت درمانی بر ابراز وجود نوجوانان

آمنه دهنوی^۱، زهرا خوشنویسان^۲

۱- کارشناس ارشد مشاوره خانواده، واحد قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان

dehnavy1358@gmail.com

۲- استادیار گروه روانشناسی، موسسه آموزش عالی خراسان، مشهد

khoshnevisan25@gmail.com

زمینه و هدف: مداخلات مبتنی بر واقعیت درمانی با تعیین قوانین رفتاری و چگونگی رسیدن به خواسته ها موجب هویت موفق و رضایت و سازگاری در زمینه های فردی و بین فردی میشود و میتواند برای گروه های مختلف سنی نوجوانان به کارگرفته شود. هدف از پژوهش حاضر نیز بررسی اثربخشی مشاوره گروهی با رویکرد واقعیت درمانی بر ابراز وجود نوجوانان بود.

روش پژوهش: پژوهش حاضر نیمه آزمایشی از نوع پیش آزمون-پس آزمون بود. با استفاده از روش نمونه گیری غیر تصادفی در دسترس ۲۴ نفر از نوجوانان مشغول به تحصیل در یکی از مدارس دخترانه شهر مشهد انتخاب شدند و به شیوه گمارش تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل قرار گرفتند. گروه آزمایش به مدت ۱۰ جلسه هر جلسه ۲ ساعت در هفته در برنامه مشاوره گروهی با رویکرد واقعیت درمانی شرکت کردند، در حالیکه گروه کنترل هیچ برنامه ای دریافت نکردند. ابزار این پژوهش پرسشنامه ابراز وجود (ASA) بود. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از روش تحلیل واریانس به وسیله نرم افزار SPSS-۲۱ استفاده شد.

یافته ها: یافته های پژوهش نشان داد تفاوت معناداری بین میانگین ابراز وجود در دو گروه کنترل و آزمایش وجود دارد و برنامه مشاوره گروهی با رویکرد واقعیت درمانی موجب افزایش ابراز وجود نوجوانان شده است ($P < 0/001$, $F = 8.33$). همچنین اندازه اثر نشان داد که 0.28 از واریانس ابراز وجود توسط مداخله تبیین میشود.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج پژوهش حاضر میتوان گفت برنامه مشاوره گروهی با رویکرد واقعیت درمانی با اثرگذاری مثبت بر افکار و رفتار، اجتناب از رفتارهای مخرب در رابطه، بهبود رفتارهای سازنده مرتبط با ارضای نیازهای اساسی و افزایش مسئولیت پذیری موجب اتخاذ روشهای سازنده تر برای تعامل با دیگران میشود و ویژگی های مثبت بین فردی هونون ابراز وجود را ارتقاء میدهد.

واژه های کلیدی: نوجوان، ابراز وجود، واقعیت درمانی.

تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی به والدین بر سرزندگی تحصیلی دانش‌آموزان

۱- محمد دوران، ۲- مریم رضایی مهر

۱. کارشناس حسابداری، دانشگاه آزاد، واحد دزفول، دزفول، ایران

۲. کارشناس ارشد مشاوره مدرسه، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهیدچمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)

M.rzm.1397@gmail.com

زمینه و هدف: سرزندگی تحصیلی را پاسخ مثبت، مفید، سازنده و انطباقی به انواع چالش‌ها و موانعی اطلاق کرده‌اند که در عرصه‌ی مداوم و جاری تحصیلی، تجربه می‌شوند؛ خانواده نقش مهمی در زندگی فرزندان دارند. ارتباط بین افراد خانواده می‌تواند نقش مهمی در افزایش سرزندگی تحصیلی دانش‌آموزان دارد. عدم آگاهی والدین از روش‌های صحیح برخورد با فرزندان خود باعث کاهش سرزندگی تحصیلی دانش‌آموزان می‌گردد. لذا باتوجه به مطالب بیان شده پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی به والدین بر سرزندگی تحصیلی دانش‌آموزان انجام گرفت.

روش پژوهش: پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش از نوع آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری این پژوهش شامل ۳۰ نفر از والدین دانش‌آموزان دوره‌ی اول متوسطه شهر شوش در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بودند. ۳۰ والد به روش نمونه‌گیری در دسترس به عنوان نمونه انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه ۱۵ نفره (۱۵ نفر گروه آزمایش و ۱۵ نفر گروه کنترل) جایگزین شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌ی سرزندگی تحصیلی (AVQ) استفاده شد. شرکت‌کنندگان گروه آزمایش، ۸ جلسه برنامه‌ی مهارت‌های ارتباطی والدین را دریافت نمودند. داده‌ها با استفاده از روش آماری تحلیل کوواریانس، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد که آموزش مهارت‌های ارتباطی به والدین بر سرزندگی تحصیلی دانش‌آموزان موثر است. بدین صورت که پس از تعدیل نمره‌های پیش‌آزمون بین نمرات پس‌آزمون آزمودنی‌های دو گروه آزمایش و کنترل در سرزندگی تحصیلی تفاوت معناداری وجود داشت ($p < 0.01$).

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر که نشان‌دهنده تاثیر برنامه آموزشی مهارت‌های ارتباطی والدین بر سرزندگی تحصیلی دانش‌آموزان بود باتوجه به اینکه مهارت‌هایی که والدین می‌توانند در ارتباط با فرزند خود به کارگیرند بسیار مهم است ایجاد رابطه نزدیک و صحیح با فرزند، همچنین فضای تعاملی موثر در پیگیری وضعیت تحصیلی آنها منجر به افزایش رزندگی تحصیلی دانش‌آموزان می‌گردد. جهت ارتقای سلامت دانش‌آموزان توجه ویژه‌ای به آموزش والدین جهت ارتقای کیفیت رابطه والدین فرزندان جهت رشد شخصی و تحصیلی آنها گردد.

واژه‌های کلیدی: مهارت‌های ارتباطی والدین، سرزندگی تحصیلی، دانش‌آموزان

رابطه‌ی بین سبک‌های دلبستگی و رضایت زناشویی: مطالعه مروری نظام‌مند

فریمه دوکوشکانی^۱، طاهره عبدی^۲، مونا ملیح^۳، ریحانه وظایف‌محمدی^۴، نیلوفر سپهرم^۵

- ۱- استادیار، دکتری مطالعات روانشناختی خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران
- ۲- دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران
- ۳- دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران
- ۴- دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران
- ۵- دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران جنوب، تهران

ta.abdi66@gmail.com <mailto:iph.conf@gmail.com>

زمینه و هدف: رضایت زناشویی نگرشی مثبت و لذت‌بخش است که زن و شوهر از جنبه‌های گوناگون روابط زناشویی خود دارند و فقدان آن باعث می‌شود که زوجین از نظر عاطفی رنج ببرند. سبک دلبستگی که همان الگوهای ارتباطی تثبیت‌شده در کودکی است، ممکن است رفتارهای اجتماعی در زمان بزرگسالی را تحت تأثیر قرار دهد. بدین معنی که سبک‌های دلبستگی هریک از زوجین در میزان رضایت زناشویی آنها دخیل هستند. لذا، این مطالعه با هدف بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی و رضایت زناشویی در زوجین انجام شده است.

روش پژوهش: جامعه آماری این مطالعه شامل تمام مقالات پژوهشی انجام‌شده به زبان فارسی که رابطه بین سبک‌های دلبستگی و رضایت زناشویی در زوجین را در فاصله سالهای ۱۳۹۳ تا ۱۴۰۲ بررسی کرده‌اند، بوده است. به منظور دستیابی به مطالعات مرتبط با موضوع، کلیدواژه‌های «سبک دلبستگی» و «رضایت زناشویی» از طریق دستور ترکیبی «و» در پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی و موتور جستجو گوگل اسکالر جست‌وجو شدند. در مرحله اول ۴۱ مقاله یافت شد که در مرحله بعد، با عنایت به معیار ورود و خروج، ۱۱ مقاله، حذف شد. در نهایت، تعداد ۳۰ مقاله در تجزیه و تحلیل به روش نظام‌مند مورد استفاده قرار گرفت.

یافته‌ها: یافته‌های مقالات مرور شده نشان دادند که سبک‌های دلبستگی می‌توانند رضایت زناشویی را تبیین کنند. بنابراین، بین سبک دلبستگی ایمن با رضایت زناشویی رابطه معنادار مثبت و بین سبک‌های دلبستگی اجتنابی و اضطرابی با رضایت زناشویی رابطه معنادار منفی گزارش شده است. علاوه بر آن، نتایج این مطالعه نشان داد که سبک دلبستگی ایمن نسبت به سبک دلبستگی اجتنابی و اضطرابی، پیش‌بینی‌کننده قوی‌تری برای رضایت زناشویی بوده است.

نتیجه‌گیری: سبک‌های دلبستگی، روابط فرد از کودکی تا پایان عمر را تحت تأثیر قرار می‌دهد، بنابراین طبیعی است که فرد به عنوان یک همسر نیز همان ویژگی‌ها را داشته باشد. فرد با سبک دلبستگی اجتنابی قادر به اعتماد کردن به شریک عاطفی نیست، بنابراین در رابطه زناشویی از رضایت کافی بهره نمی‌برد. سبک دلبستگی دوسوگرا نیز منجر به تعارض‌های اساسی در روابط مشترک می‌شود. در مقابل افراد دارای سبک دلبستگی ایمن، در روابط خود پایدارترند و به راحتی به همسر خود به عنوان تکیه‌گاهی امن تکیه می‌کنند.

واژه‌های کلیدی: سبک دلبستگی، رضایت زناشویی، زوجین، مطالعه مروری

مقایسه رشد هیجانی کارکردی و کیفیت دوستی در کودکان دارای اختلال کم توجهی - بیش فعالی و کودکان عادی

سعیده راد، لیلا بخشی سورشجانی

کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، واحد بهبهان، دانشگاه آزاد اسلامی، بهبهان، ایران

استادیار، گروه روان شناسی، واحد بهبهان، دانشگاه آزاد اسلامی، بهبهان، ایران (نویسنده مسئول)

bakhshi.la@gmail.com

زمینه و هدف: اختلال کم توجهی - بیش فعالی یکی از شایع ترین اختلال های عصب- رفتاری تشخیص داده شده در دوران کودکی است. این اختلال می تواند سبب بروز پیامدهای جدی در زندگی تحصیلی و اجتماعی کودک در آینده گردد. پژوهش حاضر با هدف مقایسه رشد هیجانی کارکردی و کیفیت دوستی در کودکان دارای اختلال کم توجهی - بیش فعالی و کودکان عادی شهر بهبهان انجام گرفت.

روش پژوهش: طرح پژوهش حاضر، از نوع علی مقایسه ای بود. جامعه آماری مورد مطالعه تمامی کودکان دارای اختلال نارسایی توجه- بیش فعالی/عادی بود که در مهدکودک و پیش دبستانی های شهر بهبهان مشغول به یادگیری بودند. بر این اساس نمونه مطالعه را ۸۰ کودک تشکیل دادند که شامل ۴۰ نفر کودک دارای اختلال کم توجهی - بیش فعالی و ۴۰ نفر کودک عادی بودند. نمونه عادی با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای انتخاب گردید. دو گروه با لحاظ ملاک های ورود و خروج همتا شدند. ابزارهای به کار رفته در این پژوهش، مقیاس درجه بندی کانرز فرم والدین (CPRS-R)، پرسشنامه رشد هیجانی کارکردی (FEAS) و پرسشنامه تجدید نظر شده ی کیفیت دوستی (FQQ) بود. تحلیل داده ها با استفاده از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیری و به کمک نرم افزار SPSS21 انجام شد.

یافته ها: بین رشد هیجانی کارکردی و کیفیت دوستی کودکان بیش فعال و کودکان عادی تفاوت معنی داری وجود داشت ($p < 0/05$). میانگین تمامی مؤلفه های رشد هیجانی کارکردی در کودکان عادی از کودکان بیش فعال بیشتر بود. میانگین مؤلفه های کیفیت دوستی از جمله تصدیق و دلسوزی، مبادله صمیمانه و حل اختلاف، بجز ناسازگاری و خیانت در کودکان عادی از کودکان دارای اختلال نارسایی توجه- بیش فعالی بیشتر بود.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد که کودکان دارای اختلال نارسایی توجه-بیش فعالی از رشد هیجانی کارکردی و کیفیت دوستی ضعیف تری نسبت به کودکان عادی برخوردارند. بر این اساس لازم است با آموزش مهارت های اجتماعی و ایجاد فرصت تعامل برای این کودکان، ملزومات روابط سالم بین فردی برای آن ها فراهم شود.

واژه های کلیدی: رشد هیجانی کارکردی، کیفیت دوستی، اختلال کم توجهی - بیش فعالی

پیش بینی اعتیاد به بازی های رایانه ای بر اساس اهمال کاری تحصیلی و احساس تنهایی با واسطه عملکرد خانواده در دانش آموزان

زهرا راد، لیلا بخشی سورشجانی

کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، واحد بهبهان، دانشگاه آزاد اسلامی، بهبهان، ایران.

استادیار، گروه روانشناسی، واحد بهبهان، دانشگاه آزاد اسلامی، بهبهان، ایران (نویسنده مسئول)

bakhshi.la@gmail.com

زمینه و هدف: بازی های رایانه ای مانند اغلب شکل های نوین سرگرمی که محبوبیت گسترده ای یافته باعث بروز نگرانی هایی درباره عوارض جانبی آن ها بر کاربران شده است. در این میان کودکان و نوجوانان به دلیل های صرف وقت کم تر برای فعالیت های آموزشی، اجتماعی و گذران بخش زیادی از اوقات فراغت خود برای بازی های رایانه ای، در این زمینه آسیب پذیری بیشتری نشان داده اند... هدف پژوهش حاضر پیش بینی اعتیاد به بازی های رایانه ای بر اساس اهمال کاری تحصیلی و احساس تنهایی با واسطه عملکرد خانواده در دانش آموزان متوسطه دوم شهر بهبهان بود.

روش پژوهش: پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی و جامعه آماری آن تمامی دانش آموزان دوره دوم متوسطه شهر بهبهان در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ بود. تعداد ۳۵۵ نفر دانش آموز با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای چندمرحله ای انتخاب و پرسشنامه های اعتیاد به بازی های رایانه ای (VCGAQ)، مقیاس اهمال کاری تحصیلی (PASS)، پرسشنامه احساس تنهایی (UCLA) و مقیاس کارکردهای روانشناختی خانواده (IFPFS) را پاسخ دادند. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از روش مدل یابی معادلات ساختاری و با بهره گیری از نرم افزار SPSS26 و AMOS26 انجام شد.

یافته ها: یافته ها نشان دادند که مدل فرضی پژوهش با داده های جمع آوری شده از برازش مطلوبی برخوردار است (RMSEA=0.035, CFI=0.97, GFI=0.96). نتایج نشان داد که اهمال کاری تحصیلی و احساس تنهایی پیش بینی کننده مستقیم و مثبت اعتیاد به بازی های رایانه ای در سطح معنی داری (p<0/01) هستند. همچنین، نتایج تحلیل با استفاده از روش بوت استرپ نیز نشان داد، اهمال کاری تحصیلی و احساس تنهایی با نقش واسطه عملکرد خانواده به صورت غیرمستقیم پیش بینی کننده مثبت اعتیاد به بازی های رایانه ای در سطح معنی داری (p<0/01) می باشند.

نتیجه گیری: نتایج تأییدکننده تاثیر اهمال کاری تحصیلی، احساس تنهایی و عملکرد خانواده بر اعتیاد دانش آموزان نوجوان به بازی های رایانه ای می باشد. بنابراین توصیه می شود والدین و مشاورین مدارس به روابط اجتماعی دانش آموزان در محیط خانواده و مدرسه توجه جدی کنند.

واژه های کلیدی: اعتیاد به بازی های رایانه ای، اهمال کاری تحصیلی، احساس تنهایی، عملکرد خانواده

اثربخشی آموزش توانمندسازی خانواده بر تغییر جو عاطفی خانواده و کاهش افسردگی نوجوانان

زینب رجب زاده^۱، نعیمه مومنی^۲، آزاده موسوی^۳، کبری جرنگ^۴، منیژه جعفری^۳

۱. کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، مشاور آموزش و پرورش بهبهان

۲. آموزگار شهرستان بهبهان

۳. کارشناس ارشد روانشناسی عمومی

۴. کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، معاون پرورشی آموزش پرورش بهبهان

Rajabzade1390@gmail.com

زمینه و هدف: این مطالعه با هدف بررسی اثربخشی آموزش توانمندسازی خانواده بر تغییر جو عاطفی خانواده و کاهش افسردگی نوجوانان شهرستان بهبهان انجام شد.

روش پژوهش: پژوهش حاضر کاربردی و از نظر روش نیمه آزمایشی در قالب یک طرح پیش آزمون، پس آزمون با گروه کنترل و اجرای مداخله ای بوده است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه دانش آموزان دختر مقطع راهنمایی که در سال تحصیلی ۱۴۰۲ مشغول به تحصیل بودند تشکیل دادند تعداد ۳۰ نفر از این جامعه به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۱۵ نفر) و کنترل (۱۵ نفر) گمارده شدند. ابزار مورد استفاده پرسشنامه جو عاطفی خانواده (هیل برن ۱۹۶۴) و افسردگی بک (BDI-1961) بود که ابتدا بر روی دو گروه پیش آزمون اجرا گردید سپس والدین گروه آزمایش در ۸ جلسه ۹۰ دقیقه ای آموزش دیدند ولی گروه گواه هیچ گونه مداخله ای دریافت نکرد پس از اتمام برنامه آموزش، پس آزمون بر روی دو گروه اجرا شد. داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS به روش تحلیل کواریانس بررسی شد.

یافته ها: تحلیل کواریانس نشان داد که تفاوت معنی داری بین پیش آزمون با پس آزمون، نمرات جو عاطفی خانواده و افسردگی گروه آزمایش و گواه وجود دارد ($P < 0/001$ و $F2/23=15/23$) به نحوی که گروه آزمایش به طور معناداری در این مولفه ها کاهش نشان داده است و این نشان دهنده اثربخشی آموزش خانواده بر بهبود جو عاطفی خانواده و کاهش افسردگی نوجوانان می باشد.

نتیجه گیری: با توجه به یافته های حاصل از پژوهش می توان اینطور استنباط کرد که توانمندسازی خانواده می تواند به عنوان شیوه ای موثر و کارآمد در بهبود جو عاطفی خانواده و کاهش افسردگی نوجوانان به کار گرفته شود.

واژه های کلیدی: نوجوانان، افسردگی، توانمندسازی، جو عاطفی، خانواده

تعیین اثربخشی آموزش فرزندپروری مثبت بر اهمال کاری تحصیلی دانش آموزان

مریم رضایی مهر

کارشناس ارشد مشاوره مدرسه، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

M.rzm.1397@gmail.com

زمینه و هدف: اهمال کاری تحصیلی با کنار گذاشتن وظایف و مسئولیت‌هایی که در یک زمان مقرر به دانش آموز محول می‌شود قابل تشخیص است. اهمال کاری تحصیلی مانع موفقیت دانش آموزان در تکمیل وظایف و تکلیف تحصیلی می‌شود. یکی از عواملی که می‌تواند در کاهش اهمال کاری تحصیلی موثر باشد، آموزش فرزندپروری مثبت است. برنامه فرزندپروری مثبت یک برنامه راهبردی چند سطحی و درباره فرزندپروری با رویکرد پیشگیرانه و حمایتی نسبت به خانواده‌ها است این روش مبتنی بر پنج اصل فرزندپروری مثبت شامل اطمینان از محیطی امن و جذاب، خلق محیط آموزشی مثبت، کاربرد انضباط قاطعانه، وجود انتظارات آفرگرایانه و مراقبت از خود به عنوان یک والد می‌باشد والدین از طریق سبک‌های فرزند پروری، اثرات چشمگیری در پیشرفت تحصیلی فرزندان شان در سطوح مختلف آموزش می‌گذارند آموزش فرزندپروری مثبت تا راهبردهای موثر مدیریت را در برخورد با اهمال کاری تحصیلی دانش آموزان اعمال نمایند لذا باتوجه به مطالب بیان شده پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی آموزش فرزندپروری مثبت بر اهمال کاری تحصیلی دانش‌آموزان انجام گرفت.

روش پژوهش: پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش از نوع آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی والدین دانش‌آموزان دارای اهمال کاری دوره‌ی اول متوسطه شهر اهواز در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بودند. نمونه این پژوهش ۳۰ والد به روش نمونه‌گیری دردسترس به عنوان نمونه انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه ۱۵ نفره (۱۵ نفر گروه آزمایش و ۱۵ نفر گروه کنترل) جایگزین شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه (pass) استفاده شد. شرکت‌کنندگان گروه آزمایش، ۸ جلسه برنامه‌ی فرزندپروری مثبت را دریافت نمودند. داده‌ها با استفاده از روش آماری تحلیل کوواریانس، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد آموزش فرزندپروری مثبت بر اهمال کاری تحصیلی دانش‌آموزان موثر است. بدین صورت که پس از تعدیل نمره‌های پیش‌آزمون بین نمرات پس‌آزمون آزمودنی‌های دو گروه آزمایش و کنترل در اهمال کاری تحصیلی تفاوت معناداری وجود داشت ($p < 0/01$).

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر که نشان‌دهنده تاثیر برنامه آموزشی فرزندپروری مثبت در کاهش اهمال کاری تحصیلی دانش‌آموزان بوده است، برنامه‌ی آموزش مهارت‌های فرزندپروری مثبت، مهارت‌های مثبت کنترل فرزند اهمال کار را به جای بازخورد در اختیار والدین قرار می‌دهد و همچنین از راه مشاهده، بحث و تمرین به والدین کمک می‌کنند تا شیوه‌های چگونگی برخورد ب مشکلات تحصیلی را آموزش می‌دهد. این آموزش می‌تواند ضمن ارتقای مهارت‌های والدگری و ارتباط موثر با فرزند موجب پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان می‌گردد و در دانش‌آموزان رغبت کافی برای انجام تکالیف محوله تحصیلی ایجاد می‌کند

واژه‌های کلیدی: آموزش فرزندپروری مثبت، اهمال کاری تحصیلی، دانش‌آموزان

بررسی اثربخشی آموزش مبتنی بر مثبت اندیشی بر سازگاری و تاب آوری زناشویی زوجین شهر کرمان

محمدحسین رودباری*

۱_ کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، هرمزگان، ایران.

mroudbari9@gmail.com

زمینه و هدف: مثبت اندیشی شیوه‌ای است که افراد موفقیت‌ها و شکست‌های خود را برای خودشان تعریف می‌کنند. سازگاری زناشویی یک فرآیند تکاملی در میان زن و شوهر است که در زندگی، ایجاد و تقویت یا تضعیف می‌شود. تاب آوری زناشویی به معنای این است که هر کدام از طرفین تا کجا می‌توانند مشکلات را مدیریت کرده و شریک صبور و موفق برای دیگری باشند. هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش مبتنی بر مثبت اندیشی بر سازگاری و تاب آوری زناشویی زوجین شهر کرمان بود.

روش پژوهش: روش این پژوهش نیمه آزمایشی از نوع پیش آزمون-پس آزمون با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی زوجین مراجعه کننده به مرکز مشاوره مهر شهر کرمان در نیمه اول سال ۱۴۰۲ بودند که از میان آن‌ها تعداد ۳۰ زوج به شیوه نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. سپس زوجین به دو گروه مساوی گروه آزمایش (۱۵ نفر) و گروه گواه (۱۵ نفر) تقسیم شده و زوجین آزمایش تحت مداخله آموزشی مثبت اندیشی ۱۰ جلسه ای هر جلسه ۲ ساعت قرار گرفته و گروه گواه هیچ مداخله ای دریافت ننمودند. برای جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های سازگاری زناشویی (DAS) و پرسشنامه تاب آوری خانواده (FRAS) استفاده شد. برای تحلیل داده‌های این پژوهش از آزمون تحلیل کواریانس تک متغیری ((ANCOVA با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۴ استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان داد که آموزش مثبت اندیشی بر افزایش میزان سازگاری در زوجین و افزایش تاب آوری در رابطه زناشویی زوجین به میزان ($P < 0.001$) تأثیر مثبتی دارد. همچنین نتایج دیگر پژوهش نشان داد که مثبت اندیشی موجب افزایش سطح کیفیت و رضایت زناشویی در زوجین گردیده است.

نتیجه گیری: نتایج پژوهش نشان داد که توانایی و مهارت افراد در تفکر مثبت بر سلامت روان شناختی، جسمانی و بین فردی در زوجین بسیار تأثیر گذار بوده و این پروتکل درمانی از اثربخشی بسیار مطلوبی در جهت استفاده برخوردار است. از نتایج این پژوهش در زمینه کاهش تعارضات زناشویی، ارتقا سطح روابط میان زوجین، ارتقای مهارت‌های زندگی زوجین و در جهت بالا بردن رضایت زناشویی زوجین می‌توان بهره برد.

کلید واژه‌ها: آموزش مبتنی بر مثبت اندیشی، سازگاری زناشویی، تاب آوری زناشویی، شهر کرمان.

بررسی اثربخشی درمان هیجان مدار بر میزان تعارضات و تعهد زناشویی زوجین در آستانه جدایی شهر کرمان

محمد حسین رودباری*

۱_ کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، هرمزگان، ایران.

mroudbari9@gmail.com

زمینه و هدف: یکی از عوامل برجسته تعارضات زناشویی زوجین ابراز ناهنجار احساسات منفی نسبت به یکدیگر و رابطه زناشویی است. تعارضات زناشویی زمانی اتفاق می افتد که یکی از طرفین رابطه احساس کند طرف مقابلش بعضی از مسائل مورد علاقه او را سرکوب می کند. تعهد زناشویی به معنای وفادار ماندن به خانواده و اعضای آن هنگام غم و شادی، خوشی و ناخوشی، و تعهد بر مبنای احساس و عاطفه و هم بر پایه ی قصد و نیت می باشد. پژوهش حاضر به منظور بررسی اثربخشی درمان هیجان مدار بر میزان تعارضات و تعهد زناشویی زوجین در آستانه جدایی شهر کرمان انجام شده است.

روش پژوهش: روش پژوهش حاضر از نوع نیمه آزمایشی و طرح پژوهش پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل بود. به منظور انجام پژوهش از میان کلیه زوجین در آستانه طلاق مراجعه کننده به مراکز مشاوره در شهر کرمان در نیمه اول سال ۱۴۰۲ تعداد ۴۰ زوج به طور تصادفی انتخاب و در دو گروه آزمایش (۲۰ زوج) و گروه کنترل (۲۰ زوج) قرار گرفتند. جهت جمع آوری داده ها از پرسشنامه های تعارضات زناشویی (MCQ) و پرسشنامه تعهد زناشویی (DCI) در مراحل پیش آزمون و پس آزمون استفاده شد. زوجین گروه آزمایش تحت درمان هیجان مدار به مدت ۱۵ جلسه ۲ ساعت قرار گرفتند و گروه کنترل هیچگونه مداخله درمانی دریافت نکردند. داده ها از طریق تحلیل کواریانس مانکوا با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۴ تحلیل شدند.

یافته ها: نتایج نشان داد که پس از مداخله درمان هیجان مدار، تعارضات زناشویی در زوجین گروه آزمایش نسبت به کنترل به میزان معناداری ($F=۶۷/۰۳, P=۰/۰۰۱$) کاهش پیدا کرده و میزان تعهد زناشویی به میزان معناداری ($P>۰/۰۰۵$) افزایش پیدا کرده است. میل به طلاق زوجین کاهش پیدا کرده و زوجین نسبت به یکدیگر از میزان تعهد زناشویی بالاتری نسبت به قبل از مداخله رسیده اند.

نتیجه گیری: از نتایج این پژوهش در جهت کاهش تعارضات زناشویی زوجین، افزایش تعهدات زوجین و غنی سازی زندگی مشترک زناشویی زوجین می توان استفاده نمود این پژوهش اثربخشی درمان هیجان مدار را اثبات نمود که می تواند مورد استفاده مشاوران حوزه زوج درمانی قرار گیرد.

کلیدواژه ها: درمان هیجان مدار، تعارضات زناشویی، تعهد زناشویی، شهر کرمان.

بررسی اثربخشی طرحواره درمانی بر افزایش رضایت زناشویی و تغییر نگرش روابط فرازناشویی زوجین

محمدحسین رودباری*

۱_ کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشکده پزشکی، دانشگاه آزاد اسلامی، کیش، هرمزگان، ایران.

mroudbari9@gmail.com

زمینه و هدف: میزان رضایت زناشویی زوجین با امکان خیانت زوجین و آغاز روابط فرازناشویی در زوجین ارتباط بسیار مستقیمی دارد. طرحواره درمانی نوعی درمان است که برای توصیف و تغییر الگوهای تفکر ناسازگار استفاده می‌شود. رضایت زناشویی، احساسات عینی از خشنودی، رضایت و لذت تجربه شده توسط هر یک از زوجین است در هنگامی که همه جنبه‌های ازدواج شان را در نظر می‌گیرند. پژوهش با هدف بررسی اثربخشی طرحواره درمانی بر افزایش رضایت زناشویی و تغییر نگرش روابط فرازناشویی زوجین مراجعه کننده به مراکز شهر کرمان انجام شد.

روش پژوهش: این پژوهش از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون و پس آزمون با گروه کنترل می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل همه زوجین درگیر مسئله روابط فرازناشویی مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر کرمان بودند. آزمودنی‌ها بر اساس مراجعه به مرکز مشاوره و از طریق فراخوان در مراکز مشاوره مختلف جمع آوری شدند. سپس از میان آنان تعداد ۴۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به طور تصادفی در دو گروه آزمایش (۲۰ نفر) و گروه کنترل (۲۰ نفر) جایگزین شدند. گروه آزمایش تحت درمان ۱۲ جلسه‌ای هر جلسه به مدت ۲ ساعت با روش طرحواره درمانی قرار گرفته و گروه کنترل هیچگونه مداخله درمانی دریافت نکردند. جهت جمع آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های رضایت زناشویی (IMS) و پرسشنامه نگرش به روابط فرازناشویی (ATIS) هر دو گروه به عنوان پیش آزمون و پس آزمون تکمیل کردند. داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS ۲۴ به روش کوواریانس چند متغیری تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج تحلیل کوواریانس چندمتغیره نشان داد با کنترل اثر نمرات پیش آزمون، میانگین نمره کل نگرش و تمایل به روابط زناشویی گروه آزمایش در مرحله پس آزمون به طور معناداری ($p < 0.05$) کمتر از میانگین نمره در گروه کنترل است. همچنین براساس یافته‌ها، میانگین نمره کل رضایت زناشویی گروه آزمایش در مرحله پس آزمون به صورت معناداری ($p < 0.05$) بیشتر از میانگین آن در گروه کنترل به دست آمد. طرحواره درمانی در زمینه کاهش نگرش به روابط فرازناشویی و افزایش رضایت زناشویی از اثربخشی بالایی برخوردار است.

نتیجه گیری: از نتایج این پژوهش در زمینه درمان زوجین دارای مشکلات زناشویی، استفاده در سایر پژوهش‌ها به عنوان منبع و استفاده سایر درمانگران و مراکز در زمینه مشکلات زناشویی و نگرش زوجین می‌توان استفاده نمود.

کلید واژه‌ها: طرحواره درمانی، رضایت زناشویی، روابط فرازناشویی.

اثربخشی آموزش معنویت درمانی بر افزایش دلبستگی و کاهش خیانت زناشویی

محمد رحیم روشن، صدیقه رجیبی علیایی، سوگل علی نژاد، آرش رحیمی پور، محسن پازوکی

۱. نویسنده مسئول، دکترای مدیریت آموزشی.
۲. کارشناس ارشد مدیریت آموزشی.
۳. دانشجوی دانشگاه فرهنگیان.
۴. کارشناس ارشد مشاوره خانواده
۵. کارشناس ارشد مدیریت آموزشی
rajabi.sedigheh96@gmail.com

زمینه و هدف: این پژوهش با هدف اثربخشی آموزش معنویت درمانی بر افزایش دلبستگی و کاهش خیانت زناشویی انجام شده است. امروزه معنویت و نقش مذهب در تشکیل خانواده موفق امری بدیهی و تأثیر شگرفی بر نشاط و آرامش و دلبستگی زوجین در خانواده ایفا می کند. تحقیقات نشان دادند زوجینی که در خانواده به اصول اخلاقی و معنوی پایبند هستند، از انحرافات شخصی و ناهنجاریهای رفتاری و حتی مشکلات اخلاقی نظیر خیانت زناشویی، تا حدود زیادی جلوگیری خواهند کرد.

روش پژوهش: از نوع نیمه آزمایشی و با طرح پیش آزمون- پس آزمون با گروه کنترل بوده است. جامعه آماری این پژوهش ۴۰ زنان متأهل مراجعه کننده به مرکز مشاوره شهرری تشکیل داده است. و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش (۲۰ نفر) و کنترل (۲۰ نفر) جایابی شدند. بدین ترتیب که گروه اول (آزمایش) در معرض متغیر مستقل قرار گرفتند (۱۰ جلسه آموزشی ۶۰ دقیقه). از پرسشنامه های استاندارد شده سنجش دلبستگی و کاهش خیانت زناشویی استفاده شد. از آمار استنباطی: همچون آزمون تحلیل کواریانس استفاده شد.

یافته ها: یافته ها نشان داد آموزش معنویت درمانی بر افزایش دلبستگی مؤثر بوده است. نتایج همچنین نشان داد که مداخله برنامه آموزشی موجب کاهش خیانت زناشویی آزمودنیها در گروه آزمایش شده است. نتایج همچنین حاکی از آن بود که آموزش معنویت درمانی بر مؤلفه های دلبستگی آزمودنیها (دلبستگی ایمن، دلبستگی اجتنابی و دلبستگی دوسوگرا) مؤثر بوده است.

نتیجه گیری: نتایج حاصل از این فرضیه، با یافته های پژوهش های (کاتن، ۲۰۱۷؛ فاندلی و همکاران، ۲۰۱۷؛ لیزراگا و همکاران، ۲۰۱۵؛ نورتقی، ۱۳۹۷ و بشارت و همکاران، ۱۳۹۴) همخوانی دارد. بنابراین احتمالاً با آموزش معنویت درمانی، الگوهای تفکر زوجین گروه آزمایش از طریق مثبت اندیشی تغییر پیدا کرده است؛ یعنی آنها یاد گرفتند افکار نادرست خود در زندگی را اصلاح کنند، و دلبستگی و رضامندی زناشویی خود را تقویت نمایند.

کلید واژه ها: معنویت درمانی، دلبستگی، خیانت زناشویی

نقش مهارت حل مسئله در کاهش تعارضات زوجین متقاضی طلاق

محمدهادی زین العابدینی^۱، فاطمه احسانی^۲

۱. دانشجوی دکتری روان شناسی بالینی، گروه روان شناسی، واحد رودهن، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران.

۲. کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

m.hadi.zeinolabedini@gmail.com

زمینه و هدف: نحوه تعاملات زناشویی زوجها در راستای کاهش تعارضات زناشویی و در مقابل افزایش سازگاری و رضایت زناشویی مقوله‌ای پر اهمیت به شمار می‌رود. تعارض زناشویی نوعی عدم توافق مستمر بین زوجین درباره مسائل گوناگون است که حداقل توسط یکی از آنان گزارش می‌شود. پژوهش‌های متعدد نشان داده است آموزش مهارت‌هایی همچون حل مسئله می‌تواند در پیشگیری از تعارضات زناشویی و کاهش آن نقش موثری را ایفا نماید. در همین راستا پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش مهارت حل مسئله در کاهش تعارضات زوجین متقاضی طلاق انجام شد.

روش پژوهش: پژوهش حاضر به روش مروری و از طریق جستجوی کلید واژه‌های حل مسئله، زوجین، طلاق و تعارضات زناشویی در پایگاه‌های اطلاعاتی گوگل اسکالر (Google Scholar)، پرتال جامع علوم انسانی، مگیران و جهاد دانشگاهی (SID) صورت گرفت. در ابتدا با محدود کردن جستجو، مطالعات غیر مرتبط و تکراری حذف و مقالات پس از بررسی عناوین، چکیده‌ها و متن کامل غربالگری شدند. در نهایت مقالات مناسب به پژوهش وارد و مورد استفاده قرار گرفتند.

یافته‌ها: بروز تعارضات زناشویی پیامدهای منفی متعددی همچون آسیب‌های روانی، جسمانی، اجتماعی و فرهنگی را به دنبال خواهد داشت که می‌تواند منجر به تصمیم زوجین برای طلاق گردد. طبق نتایج پژوهش‌های متعدد، کارآمدی راهبردهای شناختی-رفتاری به ویژه شیوه‌های مبتنی بر حل مسئله بر کاهش تعارضات زناشویی به اثبات رسیده است. در همین راستا باید اظهار داشت آگاهی زوجین از طبیعی بودن بروز برخی اختلافات و تفاوتها میان زن و شوهر و نگرستن به تعارض به‌عنوان یک مسئله و چالش قابل حل، به کاهش تعارضات کمک بسزایی نموده و موجب افزایش تعاملات زناشویی می‌گردد که همین امر می‌تواند تاثیر مهمی بر کاهش آمار متقاضیان طلاق داشته باشد.

نتیجه گیری: مهارت حل مسئله از طریق ارائه راهکارها و راه حل‌های متعدد برای حل مشکلات و تعارضات، در کاهش تعارضات زوجین نقش بسزایی دارد، لذا پیشنهاد می‌گردد پژوهشگران قلمرو روان شناسی خانواده به انجام پژوهش‌های کاربردی بیشتر در این زمینه اهتمام ویژه داشته باشند و حتی الامکان کاربرد مهارت حل مسئله از طریق برنامه‌های آموزشی مستمر و منسجم به زوجین به خصوص متقاضیان طلاق آموزش داده شود.

واژه‌های کلیدی: حل مسئله، تعارضات زناشویی، طلاق، زوجین.

مطالعه سهم عوامل دموگرافیکی در تبیین تمایل به فرزندآوری در بین زنان متأهل شهر ارومیه

موسی سعادت^{۱*}، نسرین ولی‌زاده داش‌تپه^۲، رامین حاتمی^۳

۱. استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی، قزوین، ایران

۲. کارشناسی علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور میاندوآب

۳. کارشناسی تربیت بدنی، دانشگاه آزاد واحد اسلامی ملکان

m.saadati@soc.ikiu.ac.ir

مقدمه: بررسی موضوع جمعیت و کاهش یا افزایش آن همواره در بستر خانواده قابل مطالعه است؛ چراکه در جامعه ما خانواده محل شکل‌گیری ارزش‌ها و نگرش‌ها است. جامعه ایران در دهه‌های اخیر در مسیر تحولات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی وسیعی قرار گرفته و این تحولات به ویژه در حوزه خانواده و به مراتب ساخت جمعیت مشهود بوده است. در واقع تغییرات در خانواده همراه و همگام با تغییرات در نرخ باروری نیز بوده است که این تغییر به شدت ساخت سنی جمعیت را تحت تأثیر قرار داده به طوری که جامعه ایران در دهه‌های آتی با بحران جمعیتی (پدیده سالخوردگی جمعیت)، روبه‌رو می‌گردد. لذا، پژوهش حاضر نیز با هدف بررسی سهم عوامل دموگرافیکی در تبیین تمایل به فرزندآوری در بین زنان متأهل شهر ارومیه به رشته تحریر درآمده است. **روش:** روش تحقیق پژوهش حاضر پیمایش بوده و جامعه آماری شامل کلیه زنان متأهل شهر ارومیه می‌باشد که از این تعداد، ۳۹۵ نفر از طریق فرمول آماری کوکران و به شیوه نمونه‌گیری تصادفی جهت گردآوری اطلاعات لازم انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه محقق ساخته بوده و نرم افزار مورد نیاز جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها، نرم افزار SPSS می‌باشد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که تفاوت میانگین متغیر تمایل به فرزندآوری در بین زوجین به تفکیک جنس، نوع شغل، سطح تحصیلات زوجین، میزان درآمد ماهیانه خانواده، ترجیح جنسی، محل سکونت به لحاظ آماری معنادار بوده است. همچنین همبستگی خطی بین متغیرهای سن، سن ازدواج زوجین، فاصله سنی زوجین، تعداد اعضاء خانواده و متغیر وابسته تمایل به فرزندآوری معنادار بوده است. نوع تمامی روابط مذکور نیز منفی و معکوس بوده است. نتایج تحلیل رگرسیونی چند متغیره نیز حاکی از آن است که متغیرهای حاضر در مدل رگرسیونی توانسته اند ۳۹ درصد از تغییرات متغیر تمایل به فرزندآوری را تبیین نمایند. در این میان، متغیر درآمد ماهیانه خانواده و سن ازدواج زوجین به ترتیب بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته داشته اند.

بحث و نتیجه‌گیری: باتوجه به نتایج حاصل، هر گونه برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در راستای تشویق زوجین در جهت فرزندآوری، حمایت از زنان متأهل باردار و نهایتاً داشتن جمعیت متناسب و رهایی از بحران جمعیتی نیازمند توجه اساسی به تغییرات ساختاری و مسائل حوزه خانواده از جمله وضعیت اقتصادی، نگرش و باورهای ارزشی و فرهنگی حاکم بر این نهاد است.

کلید واژه‌ها: فرزندآوری، فاصله سنی زوجین، سن ازدواج، سالخوردگی جمعیت

مطالعه رابطه بین سبک های فرزندپروری و گرایش به اعتیاد

موسی سعادت^{۱*}، محمد مهدی پور^۲

۱. استادیار گروه جامعه شناسی دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، دانشکده علوم اجتماعی، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)

۲. عضو هیات علمی، مربی گروه حقوق دانشگاه زابل

m.saadati@soc.ikiu.ac.ir

زمینه و هدف: مصرف مواد مخدر در بین نوجوانان نه تنها پیامدهای زیادی در سطح فردی و خانوادگی دارد، بلکه در سطح کلان نیز مانعی جدی در رشد اجتماعی و فرهنگی جامعه تلقی می شود. در این میان سبک های فرزندپروری یا به عبارتی نوع جامعه پذیری افراد در نهاد خانواده می تواند نوجوانان را در گرایش به سمت اعتیاد متاثر سازد. لذا این پژوهش با هدف بررسی رابطه سبک های فرزندپروری و گرایش به اعتیاد در بین نوجوانان شهر قزوین انجام شده است.

روش پژوهش: روش تحقیق پژوهش از نوع پیمایشی است و جامعه آماری شامل کلیه نوجوانان شهر قزوین می باشد که از بین آنان ۴۰۰ نفر با استفاده از فرمول آماری کوکران و روش نمونه گیری تصادفی خوشه ای برای جمع آوری داده های مورد نیاز انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه های استاندارد (PSI) و (ASQ-AV) است. همچنین نرم افزار مورد نیاز برای تجزیه و تحلیل آماری نرم افزار SPSS می باشد.

یافته ها: نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که رابطه بین تمامی مؤلفه های سبک های فرزندپروری (فرزندپروری سهل گیرانه، فرزندپروری مستبدانه و فرزندپروری منطقی) با متغیر گرایش به اعتیاد در بین نوجوانان در سطح کمتر از ۰/۰۵ معنادار است. نوع رابطه بین سبک های فرزندپروری سهل گیرانه و مستبد با متغیر وابسته مثبت، اما نوع رابطه بین سبک های فرزندپروری منطقی منفی و معکوس بود. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون چند متغیره حاکی از آن است که متغیرهای مستقل توانسته اند ۲۹/۵ درصد از تغییرات متغیر گرایش به اعتیاد را تبیین کنند.

نتیجه گیری: با توجه به نقش مهم و حساس خانواده در فرآیند اجتماعی کردن نوجوانان، آموزش و تقویت سبک فرزندپروری عقلانی و منطقی در نهاد خانواده باید در رأس برنامه های نهادهای ذیربط قرار گیرد. چراکه با تقویت این نوع سبک فرزندپروری در میان خانواده ها، به مراتب از گرایش نوجوانان به سمت مواد اعتیاد آور کاسته خواهد شد و در واقع سبک مذکور می تواند همچون سپری در برابر تمایلات انحرافی افراد عمل نماید.

واژه های کلیدی: سبک فرزندپروری، گرایش به اعتیاد، نوجوان، خانواده

تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین بر اعتیاد به فضای مجازی دانش آموزان

سامان سعیدی*

دانشجوی دکتری روانشناسی تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه شهیدبهشتی تهران، تهران، ایران

Saeedi.saman72@gmail.com

زمینه و هدف: اعتیاد به فضای مجازی بزرگ‌ترین مشکل و ناشی از استفاده ناآگاهانه از این فناوری نوین است. باتوجه به اثرات مخربی که این اعتیاد به دانش آموزان در زمینه تحصیل و زندگی دارد، خانواده، نخستین نهاد اجتماعی و محیط آموزش و تعلیم و تربیت فرزندان است که پا به عرصه آن می‌گذارند بنابراین فضای امن ایجاد شده در خانواده و ارتباط موثر والدین با دانش آموزان بنابراین در کاهش اعتیاد به فضای مجازی حائز اهمیت است. لذا باتوجه به مطالب بیان شده پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین بر اعتیاد به فضای مجازی دانش آموزان انجام گرفت

روش پژوهش: پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش از نوع آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری این پژوهش شامل ۳۰ نفر از والدین دانش‌آموزان دوره‌ی اول متوسطه شهر اهواز در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بودند. ۳۰ والد به روش نمونه‌گیری در دسترس به عنوان نمونه انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه ۱۵ نفره (۱۵ نفر گروه آزمایش و ۱۵ نفر گروه کنترل) جایگزین شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌ی پرسشنامه اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر موبایل خواجه احمدی و همکاران (۱۳۹۵) استفاده شد. شرکت‌کنندگان گروه آزمایش، ۸ جلسه برنامه‌ی مهارت‌های ارتباطی والدین را دریافت نمودند. داده‌ها با استفاده از روش آماری تحلیل کوواریانس، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که فرضیه‌ی پژوهش مبنی بر اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین بر اعتیاد به فضای مجازی دانش‌آموزان مورد تأیید قرار گرفته است ($p < 0/01$).

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر که نشان‌دهنده تأثیر برنامه آموزشی مهارت‌های ارتباطی والدین در کاهش اعتیاد به فضای مجازی دانش‌آموزان بوده است، پیشنهاد می‌گردد جهت ارتقای سلامت دانش‌آموزان توجه ویژه‌ای به آموزش والدین بر اساس نیاز و خصوصیات دوران نوجوانی شود و همچنین می‌تواند اطلاعات مناسبی را به مشاوران و روان‌شناسان خانواده ارائه کند.

واژه‌های کلیدی: آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین، اعتیاد به فضای مجازی، دانش‌آموزان

پیش‌بینی انطباق‌پذیری همبستگی خانواده زنان متقاضی طلاق بر اساس تمایز‌یافتگی و انسجام روانی

۱. سجاد سلطان حسینی، ۲. بهمن کرد تمینی، ۳. زیبا کریمی*

۱. دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد روانشناسی صنعتی و سازمانی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اصفهان، ایران.

۲. دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

۳. دانشجوی دکتری روانشناسی صنعتی و سازمانی، گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

zibakarimi2012@yahoo.com

زمینه و هدف: خانواده در زمره مهمترین نظام‌های اجتماعی است که بر اساس ازدواج بین دو نفر شکل می‌گیرد و انطباق‌پذیری همبستگی خانواده از اهمیت زیادی برخوردار است و همچنین مطالعات نشان داده است که تمایز یافتگی و انسجام روانی نقش تعیین‌کننده‌ای در انطباق‌پذیری همبستگی خانواده دارد. لذا هدف از انجام این پژوهش پیش‌بینی انطباق‌پذیری همبستگی خانواده زنان متقاضی طلاق بر اساس تمایز‌یافتگی و انسجام روانی می‌باشد.

روش پژوهش: پژوهش حاضر با توجه به نحوه جمع‌آوری داده‌ها، جزو تحقیقات میدانی (غیرآزمایشی) بود. همچنین به لحاظ هدف بنیادی و به لحاظ روش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل ۲۲۴ زن مراجعه‌کننده و در خواست‌کننده طلاق در کلینک‌های روانشناختی منطقه ۱ شهر اصفهان بود که ۱۳۵ نفر از آنها با استفاده از نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها علاوه بر اطلاعات جمعیت‌شناختی از سه پرسشنامه انطباق‌پذیری و همبستگی خانواده (FACES-III)، تمایز‌یافتگی خود (DSI) و انسجام روانی (SCPH) استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون همزمان استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که تمایز‌یافتگی و انسجام روانی با انطباق‌پذیری همبستگی خانواده در بین زنان متقاضی طلاق ارتباط مثبت و معنی‌داری ($P < 0/01$) داشت. همچنین تمایز‌یافتگی و انسجام روانی توانستند انطباق‌پذیری همبستگی خانواده در زنان متقاضی طلاق را به صورت معنی‌داری پیش‌بینی کنند.

نتیجه‌گیری: باتوجه به نتایج پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که تمایز‌یافتگی و انسجام روانی رابطه مثبت و معنی‌داری با انطباق‌پذیری همبستگی خانواده در بین زنان متقاضی طلاق داشتند و تمایز‌یافتگی و انسجام روانی توانستند به صورت معنی‌داری انطباق‌پذیری همبستگی خانواده در بین زنان متقاضی طلاق را پیش‌بینی کنند، لذا به مشاوران و متخصصان حوزه خانواده پیشنهاد می‌گردد که جهت انطباق‌پذیری همبستگی خانواده در بین زنان متقاضی طلاق میزان تمایز‌یافتگی و انسجام روانی آنها را افزایش دهند.

واژه‌های کلیدی: تمایز‌یافتگی، انطباق‌پذیری همبستگی خانواده، انسجام روانی، زنان متقاضی طلاق.

مدل یابی خودتنظیمی تحصیلی دانش آموزان بر اساس عملکرد خانواده، جو مدرسه و سرسختی روانشناختی با نقش اثر گذار خودکارآمدی تحصیلی

علی شهروی^{۱*}، حمید رزاقی^۲

۱- دکترای روانشناسی، عضو هیات علمی وابسته دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

۲- حمید رزاقی، کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه خوارزمی

dr.a.shahravi@gmail.com

زمینه و اهداف: افراد دارای خودتنظیمی تحصیلی دارای مهارت‌های طراحی، سازماندهی، نظارت بر جریان یادگیری، تغییر و اصلاح فرایند یادگیری و اندیشه خود هستند، این مهارت‌ها بعدها می‌تواند برای حل مسائل زندگی، تصمیم‌گیری‌های مناسب و یادگیری‌های مادام‌العمر به کار آیند. تحقیقات متعدد نشان داده‌اند که خودتنظیمی تحصیلی با عملکرد خانواده رابطه دارد. در خانواده نیز والدین با مساله آموزش فرزندانشان مواجه می‌شوند در حالی که دانش‌آموزان در دورانی هستند که علاقه به استقلال و خودمختاری دارند. پژوهشها در چند دهه اخیر نشان داده‌اند که تجربه یک دانش‌آموز در مدرسه و سازگاری با مدرسه می‌تواند تاثیرات مثبت و منفی‌ای بر رشد آنها داشته و به نظر می‌رسد یکی از عواملی که علی‌رغم اهمیت فراوان در پژوهشهای مربوط به خودتنظیمی تحصیلی مورد غفلت و بی‌توجهی واقع شده است تاثیر جو مدرسه می‌باشد. همچنین ویژگی سرسختی روان‌شناختی، نیز با متغیر خودتنظیمی تحصیلی ارتباط دارد. این ویژگی شخصیتی فرد واجد آن را قادر به حل کارآمد مشکلات و تنیدگی‌های بین فردی می‌کند و در مواجهه با حوادث از آن به عنوان منبع مقاومت و همانند سپری مقاوم استفاده می‌کند. لذا این پژوهش در پی آن بود که با استفاده از مدل‌یابی روابط ساختاری و با استفاده از مدل نظری، روابط متغیرهای عملکرد خانواده، جو مدرسه و سرسختی روانشناختی با خودتنظیمی تحصیلی را به صورت مستقیم و غیرمستقیم (خودکارآمدی تحصیلی) تعیین نماید.

روش پژوهش: پژوهش حاضر از نوع همبستگی و با استفاده از مدل‌یابی معادلات ساختاری انجام شد. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش‌آموزان پسر مقطع دوم متوسطه شهر تهران در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بودند و بر اساس قاعده استیونس نمونه‌ای به حجم ۴۸۶ نفر با روش در دسترس انتخاب و به پرسشنامه‌های یادگیری خودتنظیمی پینتریچ و دی‌گروت (۱۹۹۰)، عملکرد خانواده ایشتاین و همکاران (۱۹۸۳)، جو مدرسه زولیک و همکاران (۲۰۰۹)، سرسختی کوباسا و همکاران (۱۹۸۲) و خودکارآمدی تحصیلی عبدالغفور و اشرف (۲۰۰۷) پاسخ دادند. در این پژوهش از روشهای تحلیل عاملی تاییدی و بوت استرپینگ و با کمک نرم افزارهای Spss25 و Amos23 تحلیل داده‌ها انجام پذیرفتند.

یافته‌ها: نتایج حاکی از آن بودند که مدل فرضی پژوهش با انجام برخی اصلاحات از برازش مطلوبی برخوردار بود. $GFI=.909, NFI=.908, CFI=.914$ (cmin/df=2.243, RMSEA=.053). همچنین ضریب مسیر مستقیم میان عملکرد خانواده با راهبردهای شناختی $\beta = .423$ و $P=.003$ و فراشناختی $\beta = .387$ و $P=.001$ و ضریب مسیر مستقیم میان جو مدرسه با راهبردهای شناختی $\beta = .612$ و $P=.002$ و فراشناختی $\beta = .463$ و $P=.001$ معنادار بودند ولی ضریب مسیر مستقیم میان سرسختی روانشناختی با راهبردهای شناختی $\beta = -.231$ و $P=.312$ و فراشناختی $\beta = .044$ و $P=.591$ معنادار نبودند. همچنین نتایج نشان دادند که ضریب غیرمستقیم میان عملکرد خانواده با راهبردهای شناختی $\beta = .319$ و $P=.001$ و فراشناختی $\beta = .383$ و $P=.003$ و ضریب غیرمستقیم میان جو مدرسه با راهبردهای شناختی $\beta = .273$ و $P=.023$ و فراشناختی $\beta = .223$ و $P=.004$ و ضریب غیرمستقیم میان سرسختی روانشناختی با راهبردهای شناختی $\beta = .408$ و $P=.002$ و فراشناختی $\beta = .497$ و $P=.002$ معنادار بودند. در نتیجه عملکرد خانواده و جو مدرسه هم از طریق مستقیم و هم غیر مستقیم؛ و سرسختی روانشناختی فقط از طریق غیر مستقیم خودتنظیمی تحصیلی دانش‌آموزان را تحت تاثیر قرار می‌دهند.

نتیجه گیری : افزایش دانش، نگرشها و مهارتهای والدگری تاثیر به سزایی در افزایش خودتنظیمی تحصیلی فرزندان دارند خودتنظیمی تحصیلی دانش آموزان را می توان از طریق افزایش کیفیت روابط اعضاء در درون خانواده با تاکید بر گفتگومحوری بودن، افزایش فضاهای عاطفی، توجه به نقشها و مسولیت پذیری اعضا و چهارچوبها و قوانین خانواده ارتقاء داد. همچنین می توان گفت ادراک دانش آموز از جو حاکم بر مدرسه بر خودتنظیمی تحصیلی دانش آموزان اثرگذار است. یعنی هر چه فضای مدرسه مبتنی بر استانداردهای لازم و جذابیتهای متناسب با سن دانش آموزان و همچنین روابط درون مدرسه دانش آموز بهتر باشد احساس رضایتمندی بیشتری در او ایجاد شده و در نتیجه احتمال اینکه این علاقه به موضوعات علمی مطروحه در همان فضا، تعمیم یابد بیشتر خواهد شد. همچنین ابعاد سه گانه سرسختی (تعهد، کنترل و مبارزه جویی) پیش بین های خودکارآمدی تحصیلی بودند. سرسختی بر باورهای کارآمدی تحصیلی و تصویر مثبتی که دانش آموز از خود دارد تاثیر می گذارد. بنابراین سرسختی روانشناختی با واسطه خودکارآمدی تحصیلی بر خودتنظیمی تحصیلی دانش آموزان اثر می گذارد.

کلید واژه ها: خودتنظیمی تحصیلی، عملکرد خانواده، جو مدرسه، سرسختی روانشناختی، خودکارآمدی تحصیلی



اثربخشی برنامه آموزش والدین در پرخاشگری نوجوانان

افسانه صالحی عراقی، دکتر مجتبی امیری مجد

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر.

۲. دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر.

amirimajd@abhariau.ac.ir

زمینه و هدف: پرخاشگری، بخشی از نیمرخ بالینی مشکلات رفتاری مانند اختلال سلوک و رفتار نافرمانی مقابله‌ای در نوجوانان هستند و آثار نامطلوب و مخرب آن بر هیجانات درونی و عملکرد بین فردی افراد مشاهده شده است. همچنین؛ پرخاشگری باعث ایجاد تصویری منفی از فرد در بین همسالان و آموزگاران، طرد از سوی والدین و همسالان، افت تحصیلی، ترک تحصیل، مصرف مواد، انواع بیماری جسمی و روانی و مشکلات دیگر می‌شود. تغییرات ساختاری دوره نوجوانی، به دلیل ایجاد ناهماهنگی میان بلوغ فیزیولوژیکی و بلوغ روانی- اجتماعی، زمینه بروز مشکلات رفتاری از جمله پرخاشگری در نوجوان را فراهم می‌نماید. پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی برنامه آموزش والدین بر پرخاشگری نوجوانان انجام گرفت. روش پژوهش از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون- پس آزمون، با گروه کنترل بود.

روش پژوهش: روش پژوهش از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون- پس آزمون، با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه والدین دارای فرزند نوجوان ۱۲-۱۸ سال در شهر اهر، در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بود. بر اساس ملاک‌های ورود، ۳۰ نفر آزمودنی (۱۰ نفر مرد و ۲۰ نفر زن) (۱۵ نفر گروه آزمایش و ۱۵ نفر گروه کنترل)، به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری، غیر تصادفی در دسترس با گمارش تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل بود. ابزار این پژوهش پرسشنامه پرخاشگری (AQ) بود. تعداد ریزش آزمودنی در این پژوهش بر مبنای ملاک‌های خروج، ۵ نفر (۳ نفر از گروه آزمایش و ۲ نفر از گروه کنترل) بود. آموزش‌ها بصورت گروهی براساس پروتکل پیشنهادی سازمان بهزیستی در قالب ۸ جلسه به گروه آزمایشی ارائه شد و بعد از اتمام پژوهش این جلسات برای گروه کنترل نیز اجرا شد. تحلیل‌ها با روش آماری تحلیل کواریانس چند متغیری و با استفاده از نرم افزار SPSS صورت گرفت.

یافته‌ها: تحلیل‌ها با روش آماری تحلیل کواریانس چند متغیری و با استفاده از نرم افزار SPSS صورت گرفت. یافته‌ها نشان داد که آموزش والدین، بر کاهش پرخاشگری نوجوان موثر است ($p < 0.05$).

نتیجه‌گیری: آموزش والدین می‌تواند هنجارهای اساسی، مهارت‌های حل مسئله و مدیریت رفتار را در کنار خانواده ایجاد نمایند و سرانجام نگرش‌ها، باورها، اخلاق فردی- اجتماعی و عادات رفتاری در آن‌ها شکل می‌گیرد که موجب کاهش رفتاریهای پرخاشگرانه می‌شود. بنابراین جلسات آموزشی برای آموزش والدین در جهت کاهش میزان پرخاشگری نوجوانان موثر است.

واژه‌های کلیدی: برنامه آموزش والدین، پرخاشگری، نوجوان.

اثربخشی برنامه آموزش والدین بر تعارض والد-نوجوان

افسانه صالحی عراقی، دکتر مجتبی امیری مجد

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر.
۲. دانشیار گروه روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد ابهر. (نویسنده مسئول)

amirimajd@abhariau.ac.ir

زمینه و هدف: نوجوانی یکی از حساس‌ترین و چالش‌برانگیزترین مراحل رشد و تحول جسمی، روانی و اجتماعی در انسان است. از جمله مشکلات ارتباطی بین والدین و نوجوانان، تعارض والد-فرزند است. عواقب تعارض در خانواده می‌تواند هم مخرب و هم سازنده باشد. تعارض، زمانی جنبه مخرب دارد که منجر به مشکلاتی همچون افسردگی در والدین یا فرزندان، خشونت و آشفتگی اجتماعی، عزت نفس پایین در نوجوانان و کاهش سازگاری فرزندان در مدرسه بشود. اما جنبه‌های مثبت تعارض، درجایی بروز پیدا می‌کند که به افراد خانواده کمک کند تا خودشان را بشناسند، آگاهی خود را در زمینه ویژگی‌های شخصیتی دیگران بالا ببرند، مشکلات موجود در روابط بین فردی را شناسایی کرده و انرژی و انگیزه خود را در جهت حل آن مشکلات تقویت نمایند. پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی برنامه آموزش والدین بر تعارض والد-نوجوان انجام گرفت.

روش پژوهش: روش پژوهش از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون، با گروه کنترل بود. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه والدین دارای فرزند نوجوان ۱۲-۱۸ سال در شهر ابهر، در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بود. بر اساس ملاک‌های ورود، ۳۰ نفر آزمودنی (۱۰ نفر مرد و ۲۰ نفر زن) (۱۵ نفر گروه آزمایش و ۱۵ نفر گروه کنترل)، به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری، غیرتصادفی در دسترس با گمارش تصادفی در دو گروه آزمایش و کنترل بود. ابزار این پژوهش پرسشنامه تعارض والد-نوجوان (PACQ) بود. تعداد ریزش آزمودنی در این پژوهش بر مبنای ملاک‌های خروج، ۵ نفر (۳ نفر از گروه آزمایش و ۲ نفر از گروه کنترل) بود. آموزش‌ها بصورت گروهی براساس پروتکل پیشنهادی سازمان بهزیستی در قالب ۸ جلسه به گروه آزمایش ارائه شد و بعد از اتمام پژوهش این جلسات برای گروه کنترل نیز اجرا شد. تحلیل‌ها با روش آماری تحلیل کواریانس چند متغیری و با استفاده از نرم افزار SPSS صورت گرفت.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که آموزش والدین، بر کاهش تعارض والد-نوجوان موثر است ($p < 0.05$).

نتیجه‌گیری: در دوره نوجوانی، برقراری روابط خانوادگی-اجتماعی برای نوجوانان بسیار پیچیده و دشوار است. در این دوران، بسیاری از نوجوانان با تعارضات بین استقلال خواهی و احساس وابستگی به والدین‌شان درگیر هستند. والدین در این جلسات، روش‌های تشویقی مناسب مانند تقویت رفتار مطلوب نوجوان، عدم توجه به رفتارهای نامطلوب، ارائه پیامدهای منفی در قبال رفتار نامناسب نوجوان و عواقب ناشی از تقویت ناپایدار در تثبیت رفتار نامطلوب نوجوان‌شان را می‌آموزند. بنابراین جلسات آموزشی برای آموزش والدین در جهت کاهش میزان تعارض والد-نوجوان موثر است.

واژه‌های کلیدی: برنامه آموزش والدین، تعارض والد-نوجوان.

بررسی رابطه راهبردهای تنظیم هیجان و ناگویی هیجانی با سخت رویی کاربران شبکه های اجتماعی

زهره صابین پور، حسین علی قنادزادگان، عادل امیرخانلو

۲. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، گروه روانشناسی، دانشگاه غیرانتفاعی، مؤسسه آموزش عالی روزبهان ساری، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. دکتری روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشگاه غیرانتفاعی، مؤسسه آموزش عالی روزبهان ساری، ایران.

۴. دکتری روانشناسی، گروه روانشناسی، دانشگاه غیرانتفاعی، مؤسسه آموزش عالی روزبهان ساری، ایران.

zohreh.sayenpourr@gmail.com

زمینه و هدف: هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه راهبردهای تنظیم هیجان و ناگویی هیجانی با سخت رویی کاربران شبکه های اجتماعی بود.

روش پژوهش: روش تحقیق توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه کاربران شبکه های اجتماعی منطقه ۴ شهر تهران در سال ۱۴۰۲ می باشد. همچنین برای تعیین حجم نمونه تحقیق، به ازای هر یک از متغیرهایی که وارد معادله رگرسیون می شوند می توان دست کم ۵۰ نفر انتخاب نمود. بنابراین حجم نمونه با وجود ۲ متغیر پیش بین و یک متغیر ملاک یعنی مجموعاً ۳ متغیری که وارد معادله رگرسیون می شود، به ازای هر متغیر ۵۰ نفر و در مجموع ۱۵۰ نفر برآورد شد که با روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. ابزارگرد آوری دادها پرسشنامه تنظیم هیجانی گارنفسکی و کرایچ، پرسشنامه سرسختی اهواز کیامرئی و پرسشنامه ی ناگویی هیجانی تورنتو بود. برای تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی مثل؛ میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر نمرات و آمار استنباطی مثل؛ ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ استفاده شد.

یافته ها: یافته های پژوهش نشان داد که بین راهبردهای تنظیم هیجان و ناگویی هیجانی با سخت رویی کاربران شبکه های اجتماعی منطقه چهار شهر تهران رابطه وجود دارد.

نتیجه گیری: با توجه به روابط معنادار بین متغیرهای پژوهش می توان با توجه به مولفه های تنظیم هیجان و ناگویی هیجانی در کاهش مقاومت و بهبود سلامت روان افرادی که از شبکه های اجتماعی مجازی استفاده می کنند استفاده نمود.

واژه های کلیدی: راهبردهای تنظیم هیجان، ناگویی هیجانی، سخت رویی، کاربران شبکه های اجتماعی.

بررسی قدرت پیش‌بینی کنندگی برون‌گرایی، خیرخواهی و خشم-اجتناب در رضایت زنان از ارتباط با خانواده و دوستان در پیوندهای زناشویی

حسین طهماسبی^۱، یداله خرم‌آبادی^۲

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، واحد کبودرآهنگ، همدان، ایران. (نویسنده مسئول)

۲. استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، واحد کبودرآهنگ، همدان، ایران.

htahmasbypsy@gmail.com

زمینه و هدف: رضایت از ارتباط با خانواده و دوستان در روابط زناشویی، به احساس خشنودی افراد نسبت به کیفیت ارتباطی که با حلقه‌ی اجتماعی خود، در چارچوب زندگی مشترکشان دارند، اشاره می‌کند. برون‌گرایی، که با اجتماعی بودن شناخته می‌شود، می‌تواند با تقویت گفتگوی باز و روابط اجتماعی قوی، ارتباط با خانواده و دوستان را در روابط زناشویی تسهیل و رضایت‌بخش‌تر کند. خیرخواهی، که با حسن نیت و همدلی نشان داده می‌شود، باعث درک و همکاری شده و به ارتباطات سالم‌تر و رضایت‌بخش‌تر می‌تواند کمک کند. در نقطه مقابل، خشم-اجتناب، که با نگه داشتن دلخوری‌ها مشخص می‌شود، می‌تواند مانع از ایجاد ارتباطات رضایت‌بخش با خانواده و دوستان در روابط زناشویی شود. با وجود مطالعاتی که به بررسی رابطه هر یک از این متغیرها به طور جداگانه پرداخته‌اند، تاکنون تحقیقی به بررسی اثرگذاری همزمان آن‌ها نپرداخته است. لذا، این پژوهش با هدف بررسی قدرت پیش‌بینی کنندگی برون‌گرایی، خیرخواهی و خشم-اجتناب در رضایت زنان از ارتباط با خانواده و دوستان در چارچوب پیوندهای زناشویی انجام شد.

روش پژوهش: پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان متاهل ساکن استان لرستان بود که از میان آن، ۸۴۰ نفر به شیوه تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های رضایت زناشویی انریچ (EMS) برای سنجش بعد رضایت از ارتباط با خانواده و دوستان، پنج عاملی نئو (NEO-FFI) برای سنجش برون‌گرایی و بخشش رنجش خاص زناشویی (MOFS) برای سنجش بعد خیرخواهی و بعد خشم-اجتناب پاسخ دادند. سپس داده‌ها به روش رگرسیون چندمتغیره با نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: با توجه به نتایج تحلیل رگرسیون، مشخص گردید که ۲۱/۲ درصد از واریانس رضایت از ارتباط با خانواده و دوستان با تاثیر معنادار برون‌گرایی با ضریب ۰/۱۹۰ و خشم-اجتناب با ضریب ۰/۳۸۳- تبیین می‌شود، اما خیرخواهی تاثیر معناداری در این مدل ندارد.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج، افزایش برون‌گرایی و کاهش خشم-اجتناب، رضایت افراد از ارتباط با خانواده و دوستان را در روابط زناشویی به طور قابل توجهی افزایش می‌دهد که تاییدی بر بخش عمده‌ی فرضیه اصلی مطالعه است و بر ضرورت برنامه‌های مداخله‌ای برای تقویت برون‌گرایی و کاهش خشم-اجتناب به منظور ارتقای کیفیت روابط زناشویی تأکید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: ارتباط با خانواده و دوستان، برون‌گرایی، خیرخواهی، خشم-اجتناب، زنان متاهل.

پیش‌بینی رضایت زنان از جهت‌گیری مذهبی در پیوندهای زناشویی بر اساس توافق‌پذیری، همدلی شناختی و همدلی هیجانی

حسین طهماسبی^۱، یداله خرم آبادی^۲

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، واحد کبودرآهنگ، همدان، ایران. (نویسنده مسئول)

۲. استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، واحد کبودرآهنگ، همدان، ایران.

htahmasbypsy@gmail.com

زمینه و هدف: رضایت از جهت‌گیری مذهبی در روابط زناشویی به میزان احساس خرسندی افراد از باورهای مذهبی، اعمال و نگرش‌های همسرشان اشاره دارد. توافق‌پذیری، که به تمایل فرد برای همکاری و مهربانی اشاره دارد، می‌تواند با افزایش همکاری و هماهنگی در تعاملات مذهبی در روابط زناشویی، احساس خرسندی در این زمینه را ارتقا دهد. همدلی شناختی شامل درک دیدگاه‌های طرف مقابل است و به افراد می‌تواند کمک کند تا باورها و اعمال مذهبی همسرشان را درک کنند و در نتیجه احساس رضایت بیشتری نسبت به جهت‌گیری مذهبی او داشته باشند. همچنین، همدلی عاطفی شامل درک و هم‌نوا شدن با احساسات طرف مقابل است و به افراد می‌تواند کمک کند تا با احساسات همسرشان هم‌نوا شوند و در نتیجه احساس رضایت بیشتری نسبت به جهت‌گیری مذهبی همسرشان داشته باشند. با وجود مطالعات جداگانه درباره هر یک از این متغیرها، اما تاکنون اثرات هم‌زمان این متغیرها بررسی نشده است، از این‌رو پژوهش حاضر با هدف تبیین نقش توافق‌پذیری، همدلی شناختی و همدلی هیجانی بر رضایت از جهت‌گیری مذهبی در حوزه روابط زناشویی در میان زنان به اجرا در آمد.

روش پژوهش: پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان متاهل ساکن استان لرستان بود که از میان آن، ۸۴۰ نفر به شیوه تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های رضایت زناشویی انریچ (EMS) برای ارزیابی رضایت از جهت‌گیری مذهبی، پنج عاملی نتو (NEO-FFI) برای سنجش توافق‌پذیری و همدلی زناشویی (MES) برای ارزیابی بعد همدلی شناختی و بعد همدلی هیجانی پاسخ دادند. سپس داده‌ها به روش رگرسیون چندمتغیره با نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: بر اساس تحلیل رگرسیون، که ۱۱/۵ درصد از واریانس رضایت از جهت‌گیری مذهبی توسط همدلی شناختی با ضریب ۰/۲۸۶ و توافق‌پذیری با ضریب ۰/۱۴۰ تبیین می‌شود، در حالی که همدلی هیجانی اثر معناداری در این مدل ندارد.

نتیجه‌گیری: یافته‌ها با تایید بخش عمده‌ی فرضیه اصلی، نشان می‌دهند که توافق‌پذیری و همدلی شناختی با تأثیر مثبت معنادار بر رضایت از جهت‌گیری مذهبی در زندگی زناشویی، بر ضرورت برنامه‌های مداخله‌ای برای پرورش و تقویت توافق‌پذیری و همدلی در روابط زناشویی به منظور ارتقای کیفیت روابط زناشویی تأکید می‌کند.

واژه‌های کلیدی: جهت‌گیری مذهبی، توافق‌پذیری، همدلی شناختی، همدلی هیجانی، زنان متاهل.



ارزیابی نقش وظیفه‌شناسی، همدلی شناختی و همدلی هیجانی در پیش‌بینی رضایت زنان از مدیریت مالی در روابط زناشویی

حسین طهماسبی^۱، یداله خرم آبادی^۲

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، واحد کبودرآهنگ، همدان، ایران. (نویسنده مسئول)

۲. استادیار، گروه روانشناسی، دانشگاه پیام نور، واحد کبودرآهنگ، همدان، ایران.

htahmasbypsy@gmail.com

زمینه و هدف: رضایت از مدیریت مالی در روابط زناشویی به احساس خشنودی از نحوه اداره امور مالی در روابط زناشویی اشاره دارد. وظیفه‌شناسی که با سازماندهی، مسئولیت‌پذیری و پشتکار مشخص می‌شود، می‌تواند از طریق برنامه‌ریزی دقیق و پایبندی به توافقات مالی، رضایت افراد را از تعاملات مالی در روابط زناشویی افزایش دهد. همدلی شناختی که به توانایی درک دیدگاه طرف مقابل اشاره دارد، می‌تواند از طریق تسهیل ارتباط موثر و تصمیم‌گیری در مورد مسائل مالی، رضایت از تعاملات مالی را افزایش دهد. همدلی عاطفی که شامل درک و سهیم شدن در احساسات فرد دیگر است، می‌تواند با ایجاد درک عمیق‌تر از دغدغه‌های مالی همسر، احتمال تصمیم‌گیری مشترک و رضایت افراد از تعاملات مالی را بالا برد. اگرچه تحقیقات قبلی به بررسی تک تک این متغیرها پرداخته‌اند، اما تأثیر ترکیبی این متغیرها بر رضایت زنان از مدیریت مالی در روابط زناشویی ناشناخته است. از این‌رو، این پژوهش با هدف روشن ساختن نقش وظیفه‌شناسی، همدلی شناختی و همدلی هیجانی در پیش‌بینی رضایت از مدیریت مالی در چارچوب پیوندهای زناشویی در میان زنان صورت پذیرفت.

روش پژوهش: پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان متاهل ساکن استان لرستان بود که از میان آن، ۸۴۰ نفر به شیوه تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های رضایت زناشویی انریج (EMS) برای ارزیابی رضایت از مدیریت مالی، پنج عاملی نتو (NEO-FFI) برای سنجش وظیفه‌شناسی و همدلی زناشویی (MES) برای ارزیابی بعد همدلی شناختی و بعد همدلی هیجانی پاسخ دادند. سپس داده‌ها به روش رگرسیون چندمتغیره با نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: آنالیز نتایج رگرسیون نشان داد که ۱۲/۶ درصد از واریانس رضایت از مدیریت مالی توسط همدلی شناختی و وظیفه‌شناسی با ضرایب ۰/۲۴۲ و ۰/۱۶۵ تبیین می‌شود، در حالی که همدلی هیجانی در این مدل، اثر معناداری ندارد.

نتیجه‌گیری: با توجه به نتایج به دست آمده، بخش عمده‌ی فرضیه اصلی تایید می‌شود که نشان می‌دهد که همدلی شناختی و وظیفه‌شناسی نقش مهمی در رضایت از مدیریت مالی زوجین دارند و ارتقای آنها می‌تواند به بهبود زندگی مشترک کمک کند. بنابراین توجه بیشتر به برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای در این زمینه ضروری است.

واژه‌های کلیدی: مدیریت مالی، وظیفه‌شناسی، همدلی شناختی، همدلی هیجانی، زنان متاهل.



ارتباط تاب آوری و سرسختی زندگی با سازگاری (عمومی و بهداشتی) زنان شاغل و غیر شاغل

عابدین دارابی عمارتی^۱، ساحل اسماعیلی^۲

۱. استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲. کارشناس ارشد، گروه روانشناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد صحنه

a.darabi@pnu.ac.ir

زمینه و هدف: با اشتغال زنان اصول زندگی سنتی در هم شکسته شده، در همه زمینه‌ها محاسن و معایبی را به دنبال داشته است. سازگاری عبارت است از رابطه‌ای که هر ارگانیسم با محیط خود برقرار می‌کند و تاب‌آوری، سازگاری مثبت در واکنش به شرایط ناگوار است. سرسختی ترکیبی از عقاید و باورها در مورد خود و جهان است که از سه مؤلفه کنترل، تعهد و مبارزه جویی تشکیل شده است؛ لذا پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط بین میزان تاب‌آوری و سرسختی زندگی بر سازگاری (عمومی و بهداشتی) زنان شاغل و غیر شاغل انجام شده است.

روش پژوهش: روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود و جامعه آماری کلیه زنان شاغل و غیر شاغل شهرستان صحنه بودند. از بین جامعه آماری تعداد ۷۴ نفر از زنان شاغل و ۳۶ نفر از زنان خانه‌دار به روش نمونه‌گیری طبقه‌ای انتخاب شدند. ابزارهای جمع‌آوری داده‌ها، پرسشنامه‌های (CD-RISC)، (HS)، (BAI) بود. تجزیه و تحلیل داده‌ها بر اساس t برای دو گروه مستقل، همبستگی پیرسون و رگرسیون با نرم‌افزار SPSS 24 انجام شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد بین تاب‌آوری و سرسختی زندگی با سازگاری عمومی و بهداشتی زنان همبستگی مثبت وجود دارد و میزان تاب‌آوری و سرسختی زنان شاغل در سطح ۰/۰۱ تفاوت معنی‌دار با تاب‌آوری و سرسختی زنان غیر شاغل دارد و میزان تاب‌آوری و سرسختی زندگی در سطح ۰/۰۵ دارای قدرت پیش‌بینی معنی‌دار سازگاری عمومی و بهداشتی زنان شاغل و غیر شاغل می‌باشند.

نتیجه‌گیری: زنان شاغل با چالش‌های متعددی در زندگی خانوادگی و شغلی مواجه هستند؛ تاب‌آوری باعث افزایش سازگاری افراد با شرایط مختلف زندگی از جمله پذیرش وظایف مسئولیت‌ها و نقش‌های جدید در زندگی زناشویی می‌شود و با کاهش هیجانات منفی رضایتمندی زندگی زناشویی را افزایش می‌دهد. از آنجا که سرسختی روانشناختی ویژگی مثبتی است که زنان شاغل از آن برخوردار هستند، میزان مناسب و بالای آن در بهبود توانمندی‌های ارتباطی و ادراک فردی در خصوص مسائل ذهنی و شخصیتی تاثیرگذار خواهد بود که بر این اساس می‌تواند در بهبود زندگی زنان شاغل از مزایای قابل توجهی برخوردار بوده و روابط این افراد را بهبود بخشد.

واژه‌های کلیدی: تاب‌آوری، سرسختی زندگی، سازگاری، شاغل، زنان

نقش سرسختی خانواده و صبر در سازگاری تحصیلی دانشجویان

مهرناز علیرضائی، رضا قاسمی جوبنه

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده دانشگاه شهرکرد، شهرکرد

۲- دکتری مشاوره، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز

rghasemi.jobaneh@yahoo.com

زمینه و هدف: سازگاری تحصیلی شامل توانمندی فراگیران در انطباق با شرایط و الزامات تحصیل و نقش‌هایی است که از وی انتظار می‌رود ایفا کند که می‌تواند تحت تأثیر خصوصیات خانوادگی و روان‌شناختی همچون سرسختی خانواده که توانایی اعضای خانواده در پاسخ مثبت به رویداد های منفی است و همچنین صبر که از راهبردهای مقابله‌ای مذهبی در برابر فشار روانی است باشد. هدف از پژوهش حاضر نیز بررسی نقش سرسختی خانواده و صبر در سازگاری تحصیلی دانشجویان سال اول کارشناسی بود.

روش پژوهش: این پژوهش از نوع توصیفی- همبستگی است. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان سال اول کارشناسی دانشگاه شهرکرد بود که از آن میان تعداد ۱۲۰ دانشجوی مقطع کارشناسی سال اول دانشگاه شهرکرد ۹۰ دانشجوی دختر و ۳۰ دانشجوی پسر به شیوه نمونه‌گیری داوطلبانه در پاییز ۱۴۰۱ انتخاب شدند و به مقیاس سازگاری تحصیلی (AAS)، شاخص سرسختی خانواده (FHI) و مقیاس صبر (PS) پاسخ دادند. داده‌های جمع‌آوری شده با ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون و با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین سرسختی خانواده با سازگاری تحصیلی همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد ($P < 0.01$). بین صبر و مؤلفه‌های آن یعنی متعالی شدن، استقامت و درنگ با سازگاری تحصیلی همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد ($P < 0.01$). همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که سرسختی خانواده و مؤلفه درنگ می‌توانند به صورت مثبت و معنادار سازگاری تحصیلی در دانشجویان سال اول کارشناسی را پیش‌بینی نمایند ($P < 0.01$).

نتیجه‌گیری: یافته‌های این پژوهش اهمیت ویژگی‌های خانوادگی و روان‌شناختی همچون سرسختی خانواده و صبر در تبیین سازگاری تحصیلی دانشجویان سال اول کارشناسی را نشان می‌دهد و تلویحات مهمی برای روانشناسان و مشاوران فعال در حوزه تحصیلی و دانشگاهی دارد.

واژه‌های کلیدی: سرسختی خانواده، صبر، سازگاری تحصیلی، دانشجویان.

تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین بر فرسودگی تحصیلی دانش‌آموزان

۱- ندا غلامی ۲- لیلا جلالی ۳- مریم رئیسی*

کارشناس ارشد مدیریت مالی، دانشگاه آزاد واحد اهواز، اهواز، ایران
کارشناس مدیریت دولتی، دانشگاه پیام نور واحد رامهرمز، رامهرمز، ایران
کارشناس حسابداری، دانشگاه پیام نور واحد رامهرمز، رامهرمز، ایران
Maryamraeisi7606@gmail.com

زمینه و هدف: فرسودگی تحصیلی یکی از مسائل جدی نظام آموزشی و به معنای احساس بی‌کفایتی و خستگی هیجانی است که دانش‌آموزان در مقابل استرس مزمن ناشی از فقدان منابع لازم برای انجام دادن وظایف و تکالیف از خود نشان می‌دهند. داشتن ارتباطات موثر با اعضای خانواده نقش مهمی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دارد. نوع ارتباطی که والدین با فرزندان دارند می‌تواند باعث کاهش رفتارهای مخرب تحصیلی همانند فرسودگی تحصیلی دانش‌آموزان گردد. آگاهی والدین در نحوه برخورد با مشکلات تحصیلی و اقدامات لازمی که در این شرایط انجام دهند می‌تواند در کاهش عوامل ایجادگر فرسودگی تحصیلی موثر باشد. لذا با توجه به مطالب بیان شده پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین بر فرسودگی تحصیلی دانش‌آموزان انجام گرفت.

روش پژوهش: پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش از نوع آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی والدین دانش‌آموزان شهر رامهرمز که در دوره اول متوسطه در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ مشغول تحصیل بودند که فرزند آن‌ها در پرورش نامه فرسودگی نمره پایینی دریافت کرده بودند. نمونه این پژوهش ۳۲ نفر از والدین (۶ مرد و ۱۰ زن) که به روش نمونه‌گیری در دسترس به عنوان نمونه انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه ۱۶ نفره (۱۶ نفر گروه آزمایش و ۱۶ نفر گروه کنترل) جایگزین شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه فرسودگی (ABQ) استفاده شد. شرکت‌کنندگان گروه آزمایش، ۸ جلسه برنامه‌ی مهارت‌های ارتباطی والدین را دریافت نمودند. داده‌ها با استفاده از روش آماری تحلیل کوواریانس، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد که آموزش مهارت‌های ارتباطی به والدین بر فرسودگی تحصیلی دانش‌آموزان موثر است. بدین صورت که پس از تعدیل نمره‌های پیش‌آزمون بین نمرات پس‌آزمون آزمودنی‌های دو گروه آزمایش و کنترل در فرسودگی تحصیلی (ABQ) تفاوت معناداری وجود داشت ($p < 0.01$).

نتیجه‌گیری: نتایج نشان داد آموزش مهارت‌های ارتباطی به والدین در کاهش فرسودگی تحصیلی دانش‌آموزان موثر است. مهارت‌های ارتباطی مناسب با فرزندان با ایجاد تعامل مثبت و ایجاد فضای مطلوب در خانه جهت کاهش خستگی هیجانی، بدبینی و فقدان کارایی تحصیلی موثر است. آگاهی از عواملی که منجر به افزایش کیفیت رابطه والد-فرزند می‌گردد باعث کاهش احساس ناتوانی در غلبه بر مشکلات تحصیلی و مدیریت رویدادهای سخت مدرسه می‌گردد و در نهایت به راحتی نوجوانان را به فرسودگی تحصیلی سوق دهد.

واژه‌های کلیدی: آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین، فرسودگی تحصیلی، دانش‌آموزان

مدل‌یابی ساختاری ارتباط ترس از ارزیابی منفی با استرس ادراک‌شده زنان نابارور:

با نقش میانجیگری شایستگی اجتماعی-هیجانی

حجت‌اله فراهانی^۱، فرزین باقری شیخانگفشه^۲، فروغ اسرافیلیان^{۳*}

۱. استادیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۲. دانشجوی دکتری تخصصی روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران
۳. استادیار گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

esrafilian.fo@modares.ac.ir

زمینه و هدف: استرس در زنان نابارور به وضعیتی اشاره دارد که زنان تحت تأثیر فشارها و تنش‌های مربوط به ناباروری قرار دارند. زنان که با ناباروری مواجه می‌شوند، استرس‌های ناباروری می‌تواند شامل نگرانی‌های مربوط به درمان‌ها و روش‌های مختلف برای بهبود ناباروری، فشارهای اجتماعی و خانوادگی به دلیل توقعات اجتماعی مرتبط با باروری، ترس از عدم توانایی در تجربه مادر شدن باشد. در این زمینه، پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط ترس از ارزیابی منفی با استرس ادراک‌شده زنان نابارور، با نقش میانجیگری شایستگی اجتماعی-هیجانی انجام شد.

روش پژوهش: روش این پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش حاضر را زنان مراجعه‌کننده به مراکز درمانی ناباروری شهر تهران در سال ۱۴۰۲ تشکیل دادند. برای این منظور به مراکز مربوطه مراجعه و ۲۷۰ خانم به وسیله نمونه‌گیری داوطلبانه و در دسترس انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌های پژوهش از پرسشنامه‌های ترس از ارزیابی منفی، استرس ادراک‌شده و شایستگی اجتماعی-هیجانی استفاده شد. در انتها داده‌های بدست آمده با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری، به وسیله نرم‌افزار SPSS و Amos ویرایش ۲۶ انجام شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که استرس ادراک‌شده بر ترس از ارزیابی منفی ($\beta = 0.436, p < 0.05$) و شایستگی اجتماعی-هیجانی ($\beta = -0.387, p < 0.05$) زنان نابارور دارای اثر مستقیم معنادار بوده و توانسته به ترتیب ۳۹/۲ و ۳۴/۵ درصد از واریانس این متغیرها را تبیین کند. در نهایت شایستگی اجتماعی-هیجانی بر استرس ادراک‌شده ($\beta = 0.469, p < 0.05$) زنان نابارور دارای اثر مستقیم معنادار بوده و توانسته ۲۷/۸ درصد از واریانس این متغیر را تبیین کرده و در رابطه بین ترس از ارزیابی منفی و استرس ادراک‌شده زنان نابارور نیز نقش میانجی معنادار ایفا کند ($p < 0.05$).

نتیجه‌گیری: این یافته‌ها نشان می‌دهد که شناخت و مدیریت استرس ادراک‌شده و ترس از ارزیابی منفی در زنان نابارور بسیار حیاتی است. در این زمینه مشاوره با تمرکز بر ناباروری می‌تواند به زنان و زوجین کمک کند تا با ترس‌ها و اضطراب‌های خود مقابله کنند. این نوع مشاوره می‌تواند به بهبود روابط زناشویی کمک کند و به مدیریت استرس مربوط به ناباروری بپردازد. تکنیک‌های مدیریت استرس می‌توانند به کاهش استرس و اضطراب مرتبط با ناباروری کمک کنند.

واژه‌های کلیدی: زنان نابارور، ترس از ارزیابی منفی، استرس ادراک‌شده، شایستگی اجتماعی-هیجانی

رابطه بین کیفیت روابط والد_فرزند با میزان گرایش فرزندان به اعتیاد به بازی های آنلاین

امیررضا فرقانی^۱، حانیه سعیدی جوان^۲، مبینا فرقانی^۳

۱. نویسنده مسئول، کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. رایانامه:

۲. کارشناسی ارشد مشاوره شغلی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

۳. کارشناسی ارشد مشاوره توانبخشی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

af96.counselor@gmail.com

زمینه و هدف: نخستین محیط اجتماعی که کودک در آن قدم می گذارد، خانواده و نخستین ارتباطی که کودک برقرار می کند ارتباط والد-فرزندی می باشد. رفتار والدین در دوران کودکی نقش مهمی در مراحل بعدی رشد آن ها دارد. براساس پیشینه پژوهش هرچه رابطه والد-فرزند مثبت تر و سازنده تر باشد، فرزندان کمتر درگیر رفتارهای اعتیادزا از جمله اعتیاد به بازی های اینترنتی و آنلاین می شوند. امروزه با افزایش دسترسی به اینترنت و ایجاد فاصله میان نسل ها، تمرکز والدین به فرزندان کمتر شده و در نتیجه گرایش فرزندان به بازی های آنلاین افزایش یافته، که این مسئله کیفیت زندگی خانواده ها را تحت تاثیر قرار داده است. انجام بازی نقش بسیار مهمی در رشد نوجوانان دارد، در گذشته بازی کودکان با همسالان خود محدود به فضاهای آزاد بود اما امروزه به دلیل پیشرفت فناوری بازی ها از طریق رایانه و به صورت آنلاین انجام می شود. اعتیاد به بازی های آنلاین به عنوان استفاده بیش از حد و اجباری از آن ها که باعث مشکلات اجتماعی و عاطفی در کودک می شود که با وجود مشکلات به وجود آمده توانایی کنترل میزان استفاده بیش از حد آن را فرد ندارد. به نظر می رسد در رابطه والد-فرزندی که سرشار از تعارض و کشمکش است بدون تردید محیط خانواده و رابطه والد فرزند به محیطی سرد و طردکننده تبدیل خواهد شد که فرزندان برای فرار از این تعارضات پیش آمده وارد دنیای مجازی و رایانه ای می شوند. از این رو هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین کیفیت روابط والد فرزند با میزان گرایش فرزندان به اعتیاد به بازی های آنلاین می باشد.

روش پژوهش: مطالعه حاضر توصیفی از نوع همبستگی بوده و جامعه پژوهش کلیه دانش آموزان مقطع دوم متوسطه شهر بجنورد بودند که از این میان ۱۰۰ نفر به شیوه نمونه گیری خوشه ای تصادفی در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ انتخاب شدند و سپس به پرسشنامه های اعتیاد به بازی های آنلاین (وانگ و چانگ، ۲۰۰۱) و سیاهه کیفیت رابطه والد فرزند (PCRS) پاسخ دادند. برای تجزیه و تحلیل داده ها از همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی ساده با کمک نرم افزار SPSS 25 استفاده گردید.

یافته ها: نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که مقدار ضریب همبستگی بین کیفیت روابط والد فرزند و میزان گرایش فرزندان به اعتیاد به بازی های آنلاین شرکت کنندگان در پژوهش ۷۷/۰ و میزان R2 برابر ۶۱/۰ می باشد. همچنین نتایج تحلیل واریانس نشان می دهد که میزان F بدست آمده معنادار است.

نتیجه گیری: نتایج این پژوهش نشان داد که کیفیت روابط والد فرزند و میزان گرایش فرزندان به اعتیاد به بازی های آنلاین رابطه منفی و معنادار دارد؛ در تبیین نتایج می توان گفت که رابطه والد فرزند یک رابطه مهم و حیاتی برای ایجاد امنیت و عشق است. رابطه بین والدین و فرزندان نخستین معرف دنیای ارتباط برای کودک است. احساس عشق، صمیمیت و امنیت به طور مستقیم ریشه در این روابط دارد. روابط والدین و فرزندان و کیفیت زندگی خانواده، اصل اساسی برای سلامت فرزندان در زمینه های مختلف است، در صورتی که کانون خانواده ها و روابط بین والدین و فرزندان معیوب باشد فرزندان در معرض مشکلات مختلفی مانند گرایش به اعتیاد به بازی های آنلاین قرار گیرند. لذا اعتیاد به بازی های آنلاین در نتیجه روابط والد فرزند ضعیف شکل گرفته و برای این دسته از نوجوانان بازی های آنلاین به عنوان تقویت کننده در کوتاه مدت می تواند رضایت خاطر آنها را فراهم آورد. بنابراین می توان با بهبود کیفیت روابط والد فرزند، میزان گرایش فرزندان به اعتیاد به بازی های آنلاین را کنترل کرد.

واژه های کلیدی: کیفیت روابط والد فرزند، اعتیاد به بازی های آنلاین، فرزندان.

کیفیت رابطه والد-فرزند بر میزان گرایش فرزندان به اعتیاد به قمار

امیررضا فرقانی^{۱*}، مبینا فرقانی^۲

۱. نویسنده مسئول، کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. رایانامه:

۲. کارشناسی ارشد مشاوره توانبخشی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

af96.counselor@gmail.com

زمینه و هدف: هر جامعه ای از واحدهای کوچک به نام خانواده تشکیل شده است و خانواده مهم ترین نهاد در شکل گیری شخصیت فرزندان و پرورش آنها است. ارتباط والد فرزندی نخستین معرف دنیای ارتباطی کودک و یک رابطه مهم و حیاتی محسوب می شود. کیفیت روابط والد فرزندی رشد بهنجار فرزندان را در پی دارد. در خانواده های از هم گسیخته، فرزندان برای رهایی از جو متعارض خانواده به اعتیاد روی می آورند که یکی از راه های رهایی، اعتیاد به قمار می باشد. قمار کردن به معنای به خطر انداختن چیزی با ارزش به امید به دست آوردن چیزی با ارزش تر تعریف می شود. همچنین رفتارهای قمار، رفتارهایی ناسازگارانه، دائمی و مکرر هستند که باعث مختل شدن زندگی شخصی، خانوادگی و یا شغلی آنها می شود، که فرد برای جبران یک باخت به قمار ادامه می دهد تا باخت های خود را جبران سازد. بسیاری از نوجوانان برای فرار از تعارضات موجود در خانواده گرایش به قمار پیدا می کنند، در حال حاضر یکی از مسائلی که مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته، تاثیر کیفیت روابط والد-فرزندی بر گرایش های فرزندان است که یکی از این موارد گرایش فرزندان به اعتیاد به قمار است. از این رو هدف پژوهش حاضر کیفیت رابطه والد-فرزند بر میزان گرایش فرزندان به اعتیاد به قمار می باشد.

روش پژوهش: مطالعه حاضر توصیفی از نوع همبستگی بوده و جامعه پژوهش کلیه دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرستان کاشمر بودند که از میان آنها تعداد ۱۱۴ نفر به شیوه نمونه گیری خوشه ای تصادفی در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ انتخاب شدند و پرسشنامه ها را تکمیل کردند و از طریق دو مقیاس پرسشنامه سیاه کیفیت روابط والد-فرزندی (PCRS) و پرسشنامه غربالگری قمار (GASQ) مورد بررسی قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل داده ها از همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی ساده با کمک نرم افزار SPSS 25 استفاده گردید.

یافته ها: نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که مقدار ضریب همبستگی بین کیفیت رابطه والد-فرزند بر میزان گرایش فرزندان به اعتیاد به قمار شرکت کنندگان در پژوهش ۷۹/۰ و میزان R2 برابر ۶۰/۰ می باشد. همچنین نتایج تحلیل واریانس نشان می دهد که میزان F بدست آمده معنادار است.

نتیجه گیری: نتایج این پژوهش نشان داد که کیفیت رابطه والد-فرزند بر میزان گرایش فرزندان به اعتیاد به قمار، رابطه منفی و معنادار دارد؛ در تبیین این نتایج می توان گفت که رابطه والد-فرزندی یک رابطه بسیار با اهمیت و مهم در شکل گیری احساس امنیت و ارزشمندی است. رابطه بین والدین و فرزندان نشانگر نخستین ارتباط در دنیای کودکان است. احساس عشق و صمیمیت به طور مستقیم ریشه در این روابط دارد. روابط والدین و فرزندان و کیفیت زندگی خانواده، اصل اساسی برای سلامت فرزندان در زمینه های مختلف است. در صورتی که کانون خانواده ها و روابط بین والدین و فرزندان ناسالم باشد فرزندان ممکن است در معرض مشکلات مختلفی مانند گرایش به اعتیاد به قمار قرار گیرند. لذا اعتیاد به قمار در نتیجه روابط والد-فرزندی ضعیف شکل گرفته و برای این دسته از نوجوانان اعتیاد به قمار به عنوان تقویت کننده در کوتاه مدت می تواند رضایت خاطر آنها را فراهم آورد. بنابراین می توان با افزایش کیفیت روابط والد-فرزندی، میزان گرایش فرزندان به اعتیاد به قمار را کنترل کرد.

واژه های کلیدی: کیفیت رابطه والد-فرزندی، گرایش به اعتیاد به قمار، فرزندان.

رابطه بین جو عاطفی خانواده و احساس تنهایی در فرزندان

مبینا فرقانی^{۱*}، امیررضا فرقانی^۲

* نویسنده مسئول، کارشناسی ارشد مشاوره توانبخشی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

^۲ کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

mobinaforghani1999@gmail.com

زمینه و هدف: امروزه با افزایش استرس در جامعه و مشکلات اقتصادی، تمرکز والدین به فرزندان کمتر شده و در نتیجه بیشترین دغدغه‌های والدین به شغل و تامین معاش خانواده اختصاص دارد که این مسئله جو عاطفی خانواده‌ها را تحت تاثیر قرار داده و احساس تنهایی فرزندان افزایش یافته است. از این رو هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه بین جو عاطفی خانواده و احساس تنهایی در فرزندان می‌باشد.

روش پژوهش: مطالعه حاضر توصیفی از نوع همبستگی بوده و به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی تعداد ۱۰۲ نفر از نوجوانان در مقطع دوم متوسطه شهر گناباد در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ انتخاب شده که از این میان ۱۰۲ نفر از آن‌ها، پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند و از طریق دو مقیاس جو عاطفی خانواده و احساس تنهایی در فرزندان مورد بررسی قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغییره با کمک نرم افزار SPSS 25 استفاده گردید.

یافته‌ها: نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که مقدار ضریب همبستگی بین جو عاطفی خانواده و احساس تنهایی در فرزندان شرکت‌کننده در پژوهش ۷۴/۰ و میزان R2 برابر ۶۴/۰ می‌باشد. همچنین نتایج تحلیل واریانس نشان می‌دهد که میزان F بدست آمده معنادار است.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش نشان داد که رابطه بین جو عاطفی خانواده و احساس تنهایی در فرزندان، رابطه منفی و معنادار دارد؛ بنابراین می‌توان با افزایش جو عاطفی خانواده، احساس تنهایی در فرزندان را کنترل کرد.

واژه‌های کلیدی: جو عاطفی خانواده، احساس تنهایی، فرزندان.

ارتباط بین تحمل پریشانی با صمیمیت زناشویی با میانجی گری انصاف در زنان دارای تعارض با همسر: یک مدل علی

مژگان فرهادیان نژاد، طلوع قهرمانی قره شیران، محمد علی زارعی

۱- دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد، بروجرد، ایران

۲- دانش آموخته ی کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان، فارس، ایران.

۳- محمدعلی زارعی (دانش آموخته ی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، شیراز، ایران)

m.farhadi3220@gmail.com

زمینه و هدف: تعارضات زناشویی می تواند منجر به ناراضایتی و تنش های زناشویی شود که به تخریب روابط زناشویی منجر می شود. به طور کلی تحمل پریشانی و انصاف و تعارضات زناشویی با یکدیگر در تعامل هستند و ممکن است به صورت مستقیم یا غیر مستقیم بر صمیمیت زناشویی تاثیر گذار باشند. بنابر این هدف اصلی این پژوهش بررسی ارتباط بین تحمل پریشانی و صمیمیت زناشویی با میانجی گری انصاف در زنان دارای تعارض با همسر می باشد. **روش پژوهش:** روش پژوهش حاضر توصیفی از نوع معادلات ساختاری بود. جامعه ی این پژوهش شامل تمامی زنان دارای تعارض زناشویی مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر شیراز بودند که از این میان ۲۰۰ زن با روش نمونه گیری هدفمند با ملاک های ورود و خروج برگزیده شدند. شرکت کننده ها به پرسشنامه ی تحمل پریشانی سیمونز و گاهر (DTS)، پرسشنامه صمیمیت زناشویی واکر و تامپسون (MIS) و پرسشنامه ادراک انصاف پری (PEM) پاسخ دادند. برای تحلیل داده ها از روش های همبستگی و معادلات ساختاری و نرم افزارهای SPSS-۲۴ و Amos-۲۴ استفاده شد.

یافته ها: نتایج پژوهش نشان داد که بین متغیرهای تحمل پریشانی با صمیمیت زناشویی ($r = 0/60$ ، $p < 0/01$)، تحمل پریشانی با انصاف ($r = 0/48$ ، $p < 0/01$) و صمیمیت زناشویی با انصاف ($r = 0/74$ ، $p < 0/01$)، رابطه معناداری وجود دارد. ضرایب مسیر تحمل پریشانی به انصاف ($\beta = 0/34$ ، $p < 0/001$)، تحمل پریشانی به صمیمیت زناشویی ($\beta = 0/59$ ، $p < 0/001$)، صمیمیت زناشویی به انصاف ($\beta = 0/68$ ، $p < 0/002$) در مدل پیشنهادی معنی دار هستند. ضرایب مسیر غیرمستقیم استاندارد تحمل پریشانی به صمیمیت زناشویی با میانجی گری انصاف در فاصله اطمینان حد پایین ۰/۰۲ تا حد بالای ۰/۱۱ ($\beta = 0/35$ ، $Z = 2/62$ ، $p < 0/01$) معنادار است. نتایج شاخص های برازندگی از برازش مدل پیشنهادی حمایت کرد. نتایج تحلیل مسیر حاکی از معناداری ضرایب مسیر مستقیم کلیه ی مسیرهای مدل نهایی و نیز میانجی گری انصاف در رابطه تحمل پریشانی با صمیمیت زناشویی بود.

نتیجه گیری: نتایج به دست آمده بیانگر نقش واسطه ای انصاف در رابطه ی میان تحمل پریشانی و صمیمیت زناشویی در زنان دارای تعارض با همسر می باشد.

واژه های کلیدی: تحمل پریشانی، صمیمیت زناشویی، انصاف، تعارض زناشویی.

بررسی رابطه ی بین جو عاطفی خانواده با افسردگی در زنان متأهل

دکتر مهدی قدرتی میر کوهی، ابوالفضل نظری، فاطمه نیکزاد

۱. دانشیار گروه روان شناسی دانشگاه پیام نور، تهران
 ۲. کارشناسی ارشد، مشاوره خانواده، دانشگاه پیام نور، قزوین
 ۳. کارشناسی ارشد، مشاوره خانواده، دانشگاه پیام نور، قزوین
- mahdi.ghodrati@pnu.a

زمینه و هدف: خانواده به عنوان اولین و مهمترین نهاد اجتماعی، نقشی اساسی در سلامت روان افراد، به ویژه زنان متأهل ایفا می کند. جو عاطفی حاکم بر خانواده، متشکل از عواملی مانند محبت، نوازش، تأیید کردن و هدیه دادن می تواند بر سلامت روان زنان تأثیرگذار باشد. افسردگی یکی از شایع ترین اختلالات روانی در زنان است که می تواند کیفیت زندگی آنها را به طور قابل توجهی تحت تأثیر قرار دهد. هدف از این مطالعه، بررسی رابطه بین جو عاطفی خانواده با افسردگی زنان متأهل بود.

روش پژوهش: این مطالعه توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه مادران ۶۰۰ دانش آموز دوره دوم ابتدایی مدرسه یادگار امام شهر خرمشهر در سال ۱۴۰۲ بود. ۲۳۴ نفر از مادران دانش آموزان به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند و به پرسشنامه های جو عاطفی خانواده (AFC) و افسردگی بک (BDI-II) پاسخ دادند. داده ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون خطی تحلیل شدند.

یافته ها: نتایج نشان داد که بین جو عاطفی خانواده و افسردگی زنان متأهل رابطه منفی و معنی داری وجود داشت ($p < 0.05$). به طوری که، زنان متأهلی که در خانواده های با جو عاطفی مثبت زندگی می کردند، سطح افسردگی پایین تری داشتند. همچنین، نتایج رگرسیون خطی نشان داد که مولفه های نوازش ($\beta = -0.11$)، تأیید کردن ($\beta = -0.14$)، محبت ($\beta = -0.12$)، تجربه های مشترک ($\beta = -0.21$)، هدیه دادن، تشویق کردن ($\beta = -0.24$)، احساس امنیت ($\beta = -0.22$) در سطح معنی داری $p < 0.05$ از لحاظ آماری معنادار است.

نتیجه گیری: بر اساس یافته های این پژوهش، می توان نتیجه گرفت که جو عاطفی خانواده نقشی مهمی در افسردگی زنان متأهل ایفا می کند. ارتقای جو عاطفی خانواده می تواند به عنوان یک راهبرد پیشگیرانه در جهت کاهش افسردگی زنان متأهل مورد توجه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: نوازش، محبت، تشویق، جو عاطفی، افسردگی

بررسی اثربخشی زوج درمانی هیجان مدار بر ناگویی هیجانی و اضطراب زوجین

طاهره قنبری نژاد

کارشناس ارشد رشته مشاوره خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه، کرمانشاه، ایران

t.ghanbari.93@gmail.com

زمینه و هدف: افزایش آمار طلاق در جامعه امروزی، دلیل روشنی بر وجود مشکلات زناشویی و اضطراب در زوجین است، ناگویی هیجانی نوعی نارسایی در توانایی شناختی تنظیم هیجانی به دلیل توانایی درون نگری محدود و توانایی ضعیف شناسایی و توصیف احساسات است. درمان هیجان محور رویکردی است کوتاه مدت و نظام دارد برای درمان و بهبود روابط آشفته و رویکردی یک پارچه است که به بررسی روابط درون فردی و بین فردی به صورت همزمان می پردازد. هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی زوج درمانی هیجان مدار بر ناگویی هیجانی و اضطراب زوجین بود.

روش پژوهش: روش پژوهش حاضر نیمه آزمایشی و از نوع پیش آزمون- پس آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری شامل کلیه زوجین مراجعه کننده به مراکز مشاوره و روانشناسی شهر کرمانشاه در سال ۱۴۰۲ بود. آزمودنی ها شامل ۳۰ زوج (۱۵ نفر زن و ۱۵ نفر مرد) بود که به شیوه نمونه گیری در دسترس به عنوان نمونه انتخاب و به صورت گمارش تصادفی در گروه آزمایش (۱۵) و گروه کنترل (۱۵) جایگزین شدند، برای آزمودنی های گروه آزمایش جلسات زوج درمانی هیجان مدار طی ۹ جلسه به صورت گروهی و هفتگی برگزار شد. گروه کنترل هیچ مداخله ای دریافت نکردند. هردو گروه در پیش آزمون و پس آزمون به پرسشنامه های پژوهش پاسخ دادند. برای جمع اوری داده ها از پرسشنامه های ناگویی هیجانی و اضطراب استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از روش تحلیل کوواریانس و نرم افزار SPSS-24 انجام شد.

یافته ها: نتایج تحلیل داده های پژوهش نشان داد که زوج درمانی هیجان مدار بر کاهش ناگویی هیجانی زوجین در گروه آزمایش تاثیر معناداری دارد. همچنین زوج درمانی هیجان مدار بر کاهش اضطراب زوجین در گروه آزمایش تاثیر معناداری دارد.

نتیجه گیری: میتوان گفت مشاوران خانواده و زوج درمانگران جهت کمک به حل مشکلات اضطراب و ناگویی هیجانی زوجین میتوانند از تکنیک های رویکرد زوج درمانی هیجان مدار استفاده کنند.

کلیدواژه ها: زوج درمانی هیجان مدار، ناگویی هیجانی، اضطراب

اثر بخشی آموزش ایماگو تراپی بر کاهش طلاق عاطفی، تحمل پریشانی در زوجین دارای تعارض با همسر

۱- طلوع قهرمانی قره شیران ۲- مژگان فرهادیان نژاد ۳- محمد علی زارعی

۱- دانش آموخته ی کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ارسنجان، فارس، ایران.

۲- دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بروجرد، بروجرد، ایران

۳- محمدعلی زارعی (دانش آموخته ی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، شیراز، ایران)

ghahramanitooloo@gmail.com

زمینه و هدف: ایماگو تراپی یک روش درمانی است که بر اساس تصورات و تصاویر ذهنی فرد برای بهبود وضعیت روابط عاطفی و اجتماعی و عاطفی استفاده می شود. این روش به طور خاص برای کمک به افراد در مواقعی که با تعارضات زناشویی مواجه هستند موثر می باشد. بنابر این هدف اصلی این پژوهش اثر بخشی آموزش ایماگو تراپی بر کاهش طلاق عاطفی، تحمل پریشانی در زوجین دارای تعارض با همسر می باشد.

روش پژوهش: روش پژوهش حاضر نیمه آزمایشی با گروه کنترل بود. جامعه ی پژوهش حاضر شامل تمامی زنان دارای تعارض مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر بوشهر بودند که از این میان ۳۰ زوج (۱۵ زوج) در گروه آزمایش و (۱۵ زوج) گروه گواه به روش نمونه گیری هدفمند با ملاک های ورود و خروج انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش شامل پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن (۲۰۰۸) و پرسشنامه تحمل پریشانی سیمونز و گاهر (DTS)، هستند. برای گروه آزمایش، ۶ جلسه ی ۹۰ دقیقه ای هفتگی برنامه ی درمان ایماگو تراپی اجرا شد ولی گروه کنترل هیچ گونه مداخله ای دریافت نکرد. برای تجزیه و تحلیل داده ها از روش های آمار استنباطی تحلیل کواریانس چندمتغیری (MANCOVA) استفاده شد.

یافته ها: نتایج پژوهش نشان داد در ارتباط با طلاق عاطفی، میانگین (و انحراف معیار) گروه آزمایش در پیش آزمون به ترتیب ۱۸/۰۶ (۴/۱۲) و در پس آزمون ۱۲/۵۴ (۳/۶۱) و میانگین (و انحراف معیار) گروه کنترل در پیش آزمون ۱۸/۴۷ (۴/۳۵) و در پس آزمون ۱۸/۰۵ (۴/۲۳) است. همچنین، در ارتباط با تحمل پریشانی، میانگین (و انحراف معیار) گروه آزمایش در پیش آزمون به ترتیب ۲۱/۶۴ (۵/۴۳) و در پس آزمون ۵۹/۲۰ (۷/۴۱) و میانگین (و انحراف معیار) گروه کنترل به ترتیب در پیش آزمون ۲۱/۶۶ (۵/۰۸) و در پس آزمون ۲۰/۲۴ (۴/۸۷) است. همچنین مقادیر F برای طلاق عاطفی و تحمل پریشانی به ترتیب ۲۶/۴۲ و ۳۲/۴۷ به دست آمدند که در سطح $p < 0.01$ معنادار هستند.

نتیجه گیری: نتایج نشان داد که مداخله ی به کار رفته باعث کاهش طلاق عاطفی و افزایش تحمل پریشانی در زوجین دارای تعارض با همسر می گردد.

واژه های کلیدی: ایماگو تراپی، طلاق عاطفی، تحمل پریشانی، تعارض.

پیش‌بینی ثبات زناشویی دانشجویان زن: نقش همدلی زناشویی، تعارض تحصیل – خانواده و راهبردهای حفظ رابطه

امین کرای،^۱ مونا گلچین^۲، یاسمن فولادی‌وند^۳

۱. استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

۲. کارشناسی ارشد مشاوره، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

۳. کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

Am.koraei@gmail.com

زمینه و هدف: یادگیری مهارت‌ها و کسب دانش بیشتر برای بهبود زندگی افراد در محیط رقابتی-اقتصادی کنونی بسیار حائز اهمیت شد. زنان نیز با دنبال کردن تحصیلات دانشگاهی، علاوه بر نقش‌های خانه، نقش تحصیلی را هم بر عهده می‌گیرند. ثبات زناشویی مفهومی عینی و قابل مشاهده است. برخورداری از ثبات زناشویی کارآمد و مؤثر آرزویی است که به ذهن هر زوجی متبادر می‌شود. پژوهش حاضر با هدف ثبات زناشویی دانشجویان زن از طریق متغیرهای همدلی زناشویی، تعارض تحصیل – خانواده و راهبردهای حفظ رابطه انجام گرفت.

روش پژوهش: پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش کلیه دانشجویان زن متأهل در دانشگاه‌های شهر اهواز بودند که با استفاده از روش تصادفی خوشه‌ای تعداد ۲۰۰ نفر از این زنان انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش شامل مقیاس همدلی باتسون (BEA)، مقیاس تعارض کار – خانواده – تحصیل (WFSRCS)، پرسشنامه راهبردهای حفظ رابطه (RMSM) و پرسشنامه عدم ثبات زناشویی (MII) می‌باشد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده، از روش‌های آماری شامل میانگین، انحراف معیار، ضریب همبستگی پیرسون و ضریب رگرسیون همزمان و گام به گام استفاده شد. برای انجام تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS نسخه ۲۷ استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج تحلیل همبستگی نشان داد همدلی و راهبردهای حفظ رابطه شامل اطمینان‌بخشی، گشودگی، مدیریت تعارضات، تقسیم وظایف، مثبت‌گرایی، نصیحت و شبکه‌ای اجتماعی رابطه مثبت معنی‌داری با ثبات زناشویی دارند. همچنین، رابطه‌ی تعارض تحصیل – خانواده و ثبات زناشویی منفی و معنی‌دار می‌باشند. نتایج تحلیل رگرسیون همزمان نشان داد ترکیب متغیرهای پیش‌بین همدلی زناشویی، تعارض تحصیل – خانواده و راهبردهای حفظ رابطه ۵۱ درصد از واریانس ثبات زناشویی را پیش‌بینی می‌کنند. همچنین، نتایج تحلیل رگرسیون گام به گام نشان داد همدلی زناشویی، راهبرد اطمینان‌بخشی، راهبرد مدیریت تعارضات، تعارض تحصیل – خانواده و تقسیم وظایف بهترین پیش‌بینی‌کننده‌های ثبات زناشویی دانشجویان زن هستند.

نتیجه‌گیری: همدلی نقش مهم و کلیدی در ثبات رابطه‌ی زناشویی ایفا می‌کند و توانایی فرد در موقعیت‌های بین فردی و خانوادگی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. اشتغال به تحصیل نیز احتمال بروز تعارض بین دو حوزه تحصیل – خانواده به وجود می‌آورد و بر روابط زناشویی وی اثر می‌گذارد. همچنین، زنانی که از راهبردهای حفظ رابطه به خوبی استفاده می‌کنند، رضایتمندی، شادکامی از رابطه، دوست داشتن، رضایتمندی جنسی و در نتیجه ثبات زناشویی بالاتری را تجربه خواهند کرد. با توجه به افزایش آمار زنان متأهل شاغل به تحصیل، همدلی همسر، تعارض خانواده تحصیل و راهبردهای حفظ رابطه که پویایی رابطه‌ی زناشویی را تضمین می‌کنند، می‌توانند پیش‌بینی‌کننده‌های مهم ثبات زناشویی دانشجویان زن باشند.

واژه‌های کلیدی: ثبات زناشویی، همدلی زناشویی، تعارض خانواده-تحصیل، راهبردهای حفظ رابطه، دانشجویان زن متأهل

آزمون مدل اثرات مستقیم و غیرمستقیم عناصر سرمایه گذاری در رابطه بر ثبات رابطه زناشویی زنان شاغل در ادارات شهر اهواز: نقش میانجی ادراک انصاف

امین کرابی^۱، مائده یزدانی پور^۲

۱. استادیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید مدنی آذربایجان، تبریز، ایران

۲. دانشجوی دکتری مشاوره، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

Am.koraei@gmail.com

زمینه و هدف: اینکه فرد چه برداشت و ادراکی از سرمایه گذاری خود و همسرش در رابطه‌ی زناشویی دارد می‌تواند تأثیرات متفاوتی را بر رضایت او از ازدواج داشته باشد و احساس متفاوتی را نسبت به رفتارهای او به وجود آورد. ادراک زوجین از عدم تناسب میزان سرمایه گذاری در رابطه توسط طرف مقابل، یکی از سازه‌های مهم پیش بین موفقیت زناشویی است. سرمایه گذاری در ازدواج، ازدواج را نوعی تبادل تلقی می‌کند که در آن پاداش و تنبیه‌های عموماً غیر مادی وجود دارد که سه بعد آن شامل رضایت از رابطه، کیفیت بدیل‌های رابطه و حجم سرمایه گذاری در رابطه می‌باشند. پژوهش حاضر با هدف آزمون مدل اثرات مستقیم و غیرمستقیم عناصر سرمایه گذاری (رضایت از رابطه، کیفیت بدیل‌های رابطه و حجم سرمایه گذاری در رابطه) بر ثبات رابطه زناشویی زنان شاغل با نقش میانجی ادراک انصاف، انجام گردید.

روش پژوهش: پژوهش حاضر یک پژوهش همبستگی از نوع تحلیل مسیر است. جامعه آماری در این تحقیق کلیه زنان شاغل در ادارات شهر اهواز بودند. با استفاده از روش تصادفی خوشه‌ای تعداد ۲۰۰ نفر از این زنان را به صورت تصادفی انتخاب گردید ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش شامل پرسشنامه مدل سرمایه‌گذاری در رابطه (IMS)، پرسشنامه‌ی عدم ثبات زناشویی (MII) و سنجش ادراک انصاف (MEP) می‌باشد. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده توسط ابزارهای فوق، از روش‌های آماری توصیفی مانند میانگین، انحراف معیار و همبستگی‌های پیرسون و برای ارزیابی برازندگی کلی مدل از چندین شاخص استفاده شد. برای انجام تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم افزار SPSS و نرم افزار AMOS استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج آزمون مدل نشان داد مؤلفه‌های رضایت از رابطه و کیفیت بدیل‌های رابطه هم به صورت مستقیم و هم غیرمستقیم از طریق ادراک انصاف، بر ثبات رابطه‌ی زناشویی اثر دارند. اما، حجم سرمایه‌گذاری در رابطه فقط به صورت غیرمستقیم و از طریق ادراک انصاف بر ثبات رابطه زناشویی زنان شاغل اثر معنادار دارد. ادراک انصاف نیز به صورت مستقیم بر بر ثبات رابطه‌ی زناشویی اثر دارد ($P < 0.05$).

نتیجه گیری: هر چه سرمایه‌گذاری زوجین در روابط زناشویی بیشتر باشند، ادراک انصاف بیشتری دارند. سرمایه‌گذاری زوجین به معنای اعتلا و ترقی چارچوب زندگی فرد است و اگر زوجین بتوانند در روابط زناشویی بر روی رابطه‌ی زناشویی سرمایه‌گذاری کنند، ادراک انصاف بیشتری خواهند داشت. از سوی دیگر، زوجینی که ادراک انصاف بیشتری دارند از نظر زناشویی باثبات تر هستند، برنامه‌ریزی بیشتری دارند و بهتر می‌توانند کارها را پیش ببرند. اگر زوجین شاغل بتوانند در محیط خانواده منصفانه‌تر عمل کنند، طول و دوام زندگی زناشویی آنها باثبات‌تر هستند.

واژه‌های کلیدی: سرمایه گذاری در رابطه، ثبات رابطه زناشویی، ادراک انصاف، زنان شاغل

رابطه ساختاری انگیزش پیشرفت و سرمایه فکری با کیفیت زندگی کاری معلمان:

نقش میانجی پذیرش اجتماعی

صدیقه کرم پور، لیلا بخشی سورشجانی

کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، واحد بهبهان، دانشگاه آزاد اسلامی، بهبهان، ایران.

استادیار، گروه روانشناسی، واحد بهبهان، دانشگاه آزاد اسلامی، بهبهان، ایران (نویسنده مسئول)

bakhshi.la@gmail.com

زمینه و هدف: معلمان به عنوان اصلی ترین منابع انسانی تأثیرگذار در کیفیت عملکردی نظام آموزشی، نقش مهمی در توسعه و شکوفایی نسل کنونی و آتی جامعه، بر عهده دارند. بهبود کیفیت زندگی کاری، سبب افزایش نگرش مثبت کارکنان و افزایش مشارکت آنان می‌گردد. این پژوهش با هدف بررسی نقش میانجی پذیرش اجتماعی در رابطه بین انگیزش پیشرفت و سرمایه فکری با کیفیت زندگی کاری معلمان منطقه زیدون شهرستان بهبهان اجرا شد. **روش پژوهش:** پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی است و جامعه آماری آن تمامی معلمان منطقه زیدون شهرستان بهبهان می‌باشد. تعداد ۱۴۸ نفر از معلمان با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب شده و به پرسشنامه‌های کیفیت زندگی کاری (QWL)، پرسشنامه انگیزش پیشرفت (AMT)، پرسشنامه سرمایه فکری (CL) و مقیاس پذیرش اجتماعی (SDS) پاسخ دادند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش مدل‌یابی معادلات ساختاری و با بهره‌گیری از نرم‌افزار SPSS24 و AMOS24 انجام شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که، اثر مستقیم انگیزش پیشرفت بر پذیرش اجتماعی (۰/۸۱) مثبت و معنادار و اثر غیرمستقیم انگیزش پیشرفت بر کیفیت زندگی کاری از طریق نقش میانجی پذیرش اجتماعی (۰/۳۶۴) نیز مثبت و معنادار می‌باشد. همچنین اثر مستقیم سرمایه فکری بر پذیرش اجتماعی (۰/۵۶) مثبت و معنادار و اثر غیرمستقیم سرمایه فکری بر کیفیت زندگی کاری از طریق نقش میانجی پذیرش اجتماعی (۰/۲۵۲) مثبت و معنادار ارزیابی شد.

نتیجه‌گیری: یافته‌های ما نشان می‌دهد انگیزش پیشرفت، سرمایه فکری و پذیرش اجتماعی می‌توانند از جمله سازه‌های زیربنایی کیفیت زندگی کاری باشند. می‌توان نتیجه‌گیری کرد که انگیزش پیشرفت، سرمایه فکری و پذیرش اجتماعی مکانیسم‌های اثرگذار بر کیفیت زندگی معلمان هستند و در نظر گرفتن این روابط در بهبود عملکرد نظام آموزشی کشور مؤثر است.

واژه‌های کلیدی: پذیرش اجتماعی، انگیزش پیشرفت، سرمایه فکری، کیفیت زندگی کاری

تعیین اثربخشی آموزش فرزندپروری مثبت بر اعتیاد به فضای مجازی دانش آموزان

اعظم کریمی پور *

کارشناس ریاضی محض، پیام نور اهواز، اهواز، ایران

azm7164@gmail.com

زمینه و هدف: فضای مجازی در بین دانش آموزان محبوبیت زیادی دارد اما استفاده بیش از اندازه از آن می تواند زمینه ساز اعتیاد را فراهم کند که فرد از فضای مجازی بدون توانایی مدیریت زمان استفاده می کند. ، باتوجه به اثرات مخربی که این اعتیاد به دانش آموزان در زمینه تحصیل و زندگی دارد. آموزش فرزند پروری مثبت باعث ایجاد رابطه ی مثبت بین والدین و فرزندشان می شود؛ و کمک می کند تا والدین راهبردهای مؤثر مدیریت را در برخورد با انواع مسائل رشدی - رفتاری فرزند بیاموزند برنامه ی ساده ای که می تواند تغییرات بزرگی در خانواده ها ایجاد کند و به والدین کمک می کند تا دریابند که وقتی به روش های جدیدی حرف بزنند، فکرکنند و عمل کنند، همچنین والدین با فرزند پروری مثبت می توانند با ایجاد فضای امن و روابط نزدیک با خانواده موجب کاهش اعتیاد به فضای مجازی دانش آموزان شوند. لذا باتوجه به مطالب بیان شده پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی آموزش فرزندپروری مثبت بر اعتیاد به فضای مجازی دانش آموزان انجام گرفت

روش پژوهش: پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش از نوع آزمایشی با طرح پیش آزمون-پس آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری این پژوهش، تمامی دانش آموزان دختر متوسطه اول شهر اهواز در سال ۱۴۰۲-۱۴۰۱ بودند. و نمونه ی این پژوهش ۳۰ والد که به روش نمونه گیری دردسترس به عنوان نمونه انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه ۱۵ نفره (۱۵ نفر گروه آزمایش و ۱۵ نفر گروه کنترل) جایگزین شدند. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه ی اعتیاد به شبکه های اجتماعی مبتنی بر موبایل استفاده شد. شرکت کنندگان گروه آزمایش، ۸ جلسه برنامه ی فرزندپروری مثبت را دریافت نمودند. داده ها با استفاده از روش آماری تحلیل کوواریانس، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند .

یافته ها: نتایج تحلیل کواریانس نشان داد که آموزش فرزندپروری مثبت بر اعتیاد به فضای مجازی دانش آموزان مؤثر است. بدین صورت که پس از تعدیل نمره های پیش آزمون بین نمرات پس آزمون آزمودنی های دو گروه آزمایش و کنترل در تحمل پریشانی تفاوت معناداری وجود داشت ($p < 0.01$).

نتیجه گیری: اعتیاد به فضای مجازی می تواند در زندگی و تحصیل دانش آموزان خلل ایجاد کند و باعث افت تحصیلی و بیماری های روحی- روان بسیاری در فرد گردد؛ یکی از آموزش های لازم در این زمینه می تواند فرزند پروری مثبت باشد تا به والدین برای ایجاد محیطی که فرزندان به جای فضای مجازی و موبایل به تعامل مثبت با والدین بپردازند و این امر در کاهش اعتیاد به فضای مجازی دانش آموزان مؤثر است

واژه های کلیدی: آموزش فرزندپروری مثبت، اعتیاد به فضای مجازی، دانش آموزان

بررسی رابطه ناگویی هیجانی و اعتیاد اینترنتی در نوجوانان

مهشید کیوانلو^{۱*}، حانیه سعیدی جوان^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره شغلی دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

m.keyvanlou75@gmail.com

زمینه و هدف: امروزه وابستگی یا اعتیاد به اینترنت به صورت یکی از اعتیادهای مدرن در بین نوجوانان و جوانان درآمد و از این رو طی سالهای اخیر توجه جامعه‌شناسان و روان‌شناسان به این مسئله معطوف شده است. علی‌رغم توجه صاحب نظران به فرصت‌های متعدد اینترنت اما استفاده بیش‌ازحد از آن می‌تواند زمینه وابستگی و اعتیاد به آن را ایجاد نماید. اصطلاح اعتیاد به اینترنت نوعی وابستگی رفتاری به اینترنت را نشان می‌دهد و با ویژگی‌هایی همچون افسردگی، خجالتی بودن، کم حوصله بودن و تنهایی، احساس ترس، اضطراب، بیش‌فعالی و پرخاشگری تعیین می‌شود. تحقیقات نشان دادند که میان اعتیاد اینترنتی و ناگویی هیجانی رابطه وجود دارد. ناگویی هیجانی یک ویژگی شخصیتی است که موجب ایجاد اختلال در روابط میان فردی می‌شود. ناگویی هیجانی یک سازه شناختی و هیجانی است که به‌عنوان فقدان خودآگاهی هیجانی توصیف می‌شود که موجب اختلالاتی در ارتباطات می‌شود. یکی از پیامدهای اعتیاد به اینترنت این است که افراد از تعاملات اجتماعی روزمره کناره‌گیری کرده و به‌خصوص زمان بسیار کمتری را با خانواده و نزدیکان خود سپری می‌کنند. بر این اساس هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه ناگویی هیجانی و اعتیاد اینترنتی در نوجوانان است.

روش پژوهش: مطالعه حاضر توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه پژوهش حاضر کلیه دانش آموزان دوره دوم متوسطه شهر اردبیل در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ بودند که به شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی تعداد ۱۰۵ نفر از آن‌ها انتخاب شده که از این میان ۱۰۰ نفر از آن‌ها، پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند و از طریق دو مقیاس ناگویی هیجانی (TAS-20) و اعتیاد به اینترنت (IAT) مورد مطالعه قرار گرفتند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغییره با کمک نرم‌افزار SPSS 25 استفاده گردید.

یافته‌ها: نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که مقدار ضریب همبستگی بین ناگویی هیجانی و اعتیاد به اینترنت شرکت‌کنندگان در پژوهش ۰/۳۸ و میزان R2 برابر ۰/۱۵ می‌باشد. همچنین نتایج تحلیل واریانس نشان می‌دهد که میزان F به‌دست آمده معنادار است.

نتیجه‌گیری: نوجوانانی که اعتیاد به اینترنت دارند، در صورتی که مشخصه‌های ناگویی هیجانی بیشتری داشته باشند، به احتمال زیاد تری وابسته به اینترنت می‌شوند. با در نظر گرفتن نتایج پژوهش، توجه مضاعف به پیش‌بین‌ها و همایندهای اعتیاد اینترنتی در تدوین مداخلات درمانی پیشنهاد می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ناگویی هیجانی، اعتیاد اینترنتی، نوجوانان.

کیفیت زناشویی زنان شاغل: نقش پیش بین سبک های دلبستگی، هوش هیجانی و استرس شغلی

مونا گلچین^۱، مسعود برومندنسب^۲

۱. کارشناسی ارشد مشاوره، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

۲. استادیار، گروه روانشناسی، واحد دزفول، دانشگاه آزاد اسلامی، دزفول، ایران

Monagolchin761@yahoo.com

زمینه و هدف: نظریه دلبستگی در بزرگسالان نحوه‌ی ارتباط عاطفی افراد را توضیح می‌دهد، زیرا افراد از روابط اجتماعی برای دستیابی به نیازهای عاطفی خود استفاده می‌کنند. هوش هیجانی نیز به علت مرتبط بودن با مهارت مهم زندگی شخصی و اجتماعی، نقش مهمی در موفقیت و هدایت خانوادگی و شغلی افراد دارد. همچنین، استرس شغلی را می‌توان به صورت، تجربه موقعیت‌های استرس‌زا در محیط کار تعریف نمود که اکثر افراد در طول دوران کاری خود آن را تجربه می‌کنند و می‌تواند بر زندگی زناشویی فرد اثر گذارد. کیفیت زناشویی به واسطه‌ی حضور یا عدم حضور نسبی عوامل مثبت و منفی در رابطه‌ی زناشویی تعریف می‌شود. هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه‌ی سبک های دلبستگی، هوش هیجانی و استرس شغلی با کیفیت زناشویی در زنان متأهل شاغل بود.

روش پژوهش: پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه زنان متأهل شاغل در بیمارستان ها و مراکز بهداشتی درمانی شهرستان دزفول بود که در این واحدها مشغول به کار و مسئولیت بودند. نمونه این پژوهش را تعداد ۱۸۰ نفر از این کارکنان تشکیل می‌دهند که با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب شدند. ابزار مورد استفاده در این پژوهش پرسشنامه کیفیت زناشویی (QMI)، مقیاس فرم کوتاه تجارب در رابطه نزدیک (ECR-S)، پرسشنامه‌ی هوش هیجانی شات (SEI) و مقیاس استرس شغلی پارکر و دکوتیز (JSS) بود. طرح پژوهش، توصیفی و با روش همبستگی بود. برای تحلیل فرضیه‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و ضریب رگرسیون چندگانه استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج تحلیل فرضیه‌ها با استفاده از ضریب همبستگی نشان داد که رابطه‌ی مثبتی بین مؤلفه‌های هوش هیجانی با کیفیت زناشویی و رابطه‌ی منفی بین دلبستگی اجتنابی و اضطرابی و استرس شغلی با کیفیت زناشویی وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که دو مؤلفه‌ی ارزیابی و ابراز هیجان و تنظیم هیجان بهترین پیش بین های کیفیت زناشویی هستند.

نتیجه‌گیری: سبک‌های دلبستگی، پیش‌بینی کننده نتایج درازمدت کیفیت رابطه زناشویی و رضایت از آن می‌باشند. همچنین، زمانی که فرد ظرفیت شناخت خود و دیگران را از نظر احساسات هیجانانگیز بداند، به طریق مناسبی می‌تواند با خود و دیگران ارتباط برقرار کند، و همچنین با موفقیت بر مشکلات و فشارهای محیطی مقابله می‌کند، که در نتیجه می‌تواند بر زندگی زناشویی وی تاثیر زیادی داشته باشد. از سوی دیگر، استرس شغلی اثرات نامطلوبی بر زندگی فردی و اجتماعی فرد دارد، که باعث بروز مشکلات جسمی و روانی زیادی شده و کیفیت زندگی زناشویی را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

واژه های کلیدی: کیفیت زناشویی، سبک‌های دلبستگی، هوش هیجانی، استرس شغلی، زنان شاغل

تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین بر کمال‌گرایی تحصیلی دانش‌آموزان

مریم مرادی*

کارشناس حسابداری، پیام نور اهواز، اهواز، ایران

1351maryami@gmail.com

زمینه و هدف: کمال‌گرایی تحصیلی از جمله عواملی است که منجر به آسیب به فرایند تحصیل دانش‌آموزان می‌شود و فرد با قرار دادن استانداردهای فوق‌العاده بالا و غیر واقع‌بینانه برای خود و همراه با گرایش به ارزیابی بیش از حد انتقادی فرد از رفتار خود منجر می‌شود. باتوجه به اینکه مهارت‌های ارتباطی والدین بر روی جهت‌گیری‌های ذهنی و خودپنداره دانش‌آموزان تاثیر بسزایی دارد، آموزش مهارت‌های ارتباطی سازنده یک ضرورت است، درواقع نوع رابطه‌ای که والدین با فرزندان دارد می‌تواند باعث تاثیر بسزایی در الگوهای رفتاری مخرب تحصیلی اعم از کمال‌گرایی دانش‌آموزان گردد. لذا باتوجه به مطالب بیان شده پژوهش حاضر با هدف تعیین اثربخشی آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین بر کمال‌گرایی تحصیلی دانش‌آموزان انجام گرفت.

روش پژوهش: پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از لحاظ روش از نوع آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه بود. جامعه آماری تمامی والدینی بودند که دانش‌آموزانی دارای کمال‌گرایی بالایی داشتند. نمونه این پژوهش شامل ۳۰ نفر از والدین دانش‌آموزان دوره‌ی اول متوسطه شهر اهواز در سال ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بودند. ۳۰ والد به روش نمونه‌گیری دردسترس به عنوان نمونه انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه ۱۵ نفره (۱۵ نفر گروه آزمایش و ۱۵ نفر گروه کنترل) جایگزین شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌ی کمال‌گرایی تحصیلی (PI) استفاده شد. شرکت‌کنندگان گروه آزمایش، ۸ جلسه برنامه‌ی مهارت‌های ارتباطی والدین را دریافت نمودند. داده‌ها با استفاده از روش آماری تحلیل کوواریانس، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد که آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین بر کمال‌گرایی تحصیلی دانش‌آموزان موثر است. بدین صورت که پس از تعدیل نمره‌های پیش‌آزمون بین نمرات پس‌آزمون آزمودنی‌های دو گروه آزمایش و کنترل در کمال‌گرایی تحصیلی تفاوت معناداری وجود داشت ($p < 0/01$).

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های پژوهش نشان داد که استفاده از مهارت‌های موثر والدین در رابطه با فرزندان می‌تواند موجب کاهش کمال‌گرایی در فرزندان شود ضمن اینکه والدین با ایجاد فضای مناسب و تعاملات موثر با فرزندان و کاهش توقعات نادرست از آنها می‌توانند نقش بسیار زیادی در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان داشته باشند داشتن رابطه سالم و ابراز اینکه فرزند با تمام کاستی‌هایی که دارد برای والدین کافی است در کاهش کمال‌گرایی تحصیلی فرزندان موثر باشد.

واژه‌های کلیدی: آموزش مهارت‌های ارتباطی والدین، کمال‌گرایی تحصیلی، دانش‌آموزان

بررسی تاثیر آموزش شیوه های فرزند پروری بر بهزیستی روانشناختی و سلامت روان مادران باردار

سمیه مرتضی قلی^۱، امیر طباطبایی^{۲*}، مائده محمدی^۳

۱. کارشناس ارشد روانشناسی عمومی، واحد قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان، ایران
۲. دانشیار، دکتری تخصصی پرستاری، طب مکمل، واحد قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان، ایران
۳. دانشجوی کارشناس ارشد مشاوره خانواده، واحد قوچان، دانشگاه آزاد اسلامی، قوچان

tabatabaei.amir@gmail.com

زمینه و هدف: بهزیستی روانشناختی را می توان به داشتن نگرش مثبت به خود، تعامل سازنده با دنیای پیرامون و داشتن امید و هدف در زندگی تعریف کرد این مطالعه با هدف بررسی تاثیر آموزش شیوه های فرزند پروری بر بهزیستی روانشناختی و سلامت روان مادران باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی مشهد انجام گرفت.

روش پژوهش: پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از لحاظ روش انجام، نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون- پس آزمون بود که جامعه آماری تحقیق حاضر شامل کلیه مادران تحت نظر مراکز بهداشتی مشهد در سه ماهه سال چهارم ۱۴۰۱ که حدود ۸۶ نفر بودند. جهت مطالعه نمونه ای به حجم ۳۰ نفر بطور در دسترس انتخاب و به صورت تصادفی در دو گروه آزمایش ۱۵ نفر و کنترل ۱۵ نفر جایگزین شدند. اعضای گروه آزمایش در جلسات آموزشی آموزش برنامه فرزندپروری مثبت (براساس برنامه فرزندپروری مثبت راجرز) شرکت کردند، اما به گروه کنترل مداخله خاصی ارائه نشد. برای جمع آوری داده ها در مرحله پیش آزمون و پس آزمون از پرسشنامه سلامت روان (GHQ-۲۸) و مقیاس بهزیستی روانشناختی ریف (RSPWB) استفاده گردید و اطلاعات حاصل از این آزمون ها با استفاده از روش های آمار توصیفی و روش تحلیل کوواریانس چند متغیره و تک متغیره تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: یافته های این پژوهش نشان داد که آموزش شیوه های فرزند پروری بر روی بهزیستی روانشناختی و سلامت روان مادران باردار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی درمانی مشهد تاثیر مثبت و معناداری داشته است و فرضیه ها ($P=0/001$) مورد تایید قرار گرفتند. نتایج نشان داد، بین شرکت کنندگان دو گروه آزمایش و کنترل در نمرات تسلط بر محیط، رشد شخصی، ارتباط مثبت با دیگران، هدفمندی در زندگی و پذیرش خود، تفاوت معناداری وجود دارد و در استقلال، تفاوت معناداری وجود ندارد.

نتیجه گیری: کسب مهارت های فرزند پروری می تواند موجب افزایش سلامت روان در مادران و کاهش علائم منفی در آنان شود. پیشنهاد می شود برنامه های تربیتی و همایش هایی برای تقویت مهارت های فرزندپروری والدین در مراکز بهداشت و مشاوره طراحی و اجرا شود.

واژه های کلیدی: شیوه های فرزند پروری، بهزیستی روانشناختی، سلامت روان

نقش حمایت اجتماعی، بهزیستی روانی و استفاده آسیب‌زا از اینترنت در صمیمیت عاطفی زنان متأهل

شقایق مصیبی^۱، حانیه ابراهیمی دریا سر^۲

۱- کارشناسی ارشد روانشناسی عمومی، دانشگاه پیام نور آستارا، آستارا

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره و توانبخشی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل

Shaghayegh.mosavebie74@gmail.com

زمینه و هدف: اخیراً متغیر صمیمیت عاطفی به عنوان یکی از عوامل حیاتی در روابط شخصی بزرگسالان، شناخته شده است. صمیمیت عاطفی را می‌توان وجود احساس نزدیکی در طرفین که منجر به ایجاد حس اشتراک در عواطف شخصی دو نفر و احساس مورد تایید و توجه بودن دانست. عواملی محیطی همچون حمایت اجتماعی و بهزیستی روانشناختی به عنوان عواملی تقویت کننده و استفاده ی آسیب‌زا از اینترنت به عنوان متغیری منفی بر صمیمیت هیجانی تاثیرگذار هستند که در پژوهش حاضر به بررسی رابطه‌ی آن‌ها می‌پردازیم.

روش پژوهش: پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی بود. جامعه‌ی آماری مورد مطالعه زنان متأهل شهرستان آستارا در سال ۱۴۰۲ بود که به روش نمونه‌گیری در دسترس و به صورت مجازی حداقل نمونه ۱۰۰ نفر در نظر گرفته شد که بعد از توزیع بیست درصد پرسشنامه‌ی بیشتر و ریزش تعدادی از شرکت کنندگان در نهایت تعداد ۱۱۶ نفر انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های ارزیابی شخصی صمیمیت شافر و اولسون (PAIR)، حمایت اجتماعی (MSPSS)، مقیاس بهزیستی سازمان بهداشت جهانی (WHO-5) و پرسشنامه‌ی استفاده‌ی آسیب‌زا از اینترنت (IAUQ)، در بستر فضای مجازی پاسخ دادند. داده‌ها به روش ضریب همبستگی و رگرسیون و با استفاده از نرم افزار SPSS-23 مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که بین متغیرهای حمایت اجتماعی و صمیمیت زوجین ($p < 0/01$ ، $R = 0.28$)، بهزیستی روانشناختی و صمیمیت زوجین ($p < 0/01$ ، $R = 0.29$) و استفاده‌ی آسیب‌زا از اینترنت با صمیمیت زوجین ($p < 0/01$ ، $R = 0.24$) همبستگی و رابطه‌ی معناداری وجود دارد و می‌توانند صمیمیت عاطفی زوجین را پیش‌بینی کنند.

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های به دست آمده می‌توان نتیجه گرفت که حمایت اجتماعی و بهزیستی روانشناختی با ایجاد عواطف مثبت و ارزشمند باعث ارتقاء کیفیت صمیمیت عاطفی زوجین شده و در مقابل استفاده‌ی آسیب‌زا از اینترنت موجب کم‌رنگ شدن رفتارهای تعاملی سازنده میان زوجین می‌شود و اثر منفی بر آن می‌گذارد.

واژه‌های کلیدی: صمیمیت عاطفی، حمایت اجتماعی، بهزیستی روانشناختی، استفاده‌ی آسیب‌زا از اینترنت

کیفیت روابط در خانواده و سلامت روانشناختی و تحصیلی فرزندان

امیرعلی موسی زاده، پوریا بابازاده

۱. دکترای تخصصی علوم تربیتی و مشاور مدرسه، استاد دانشگاه غیر انتفاعی دانشگاه آفاق شهر ارومیه، سازمان آموزش و پرورش ناحیه ۲ شهر ارومیه، ارومیه، ایران
۲. دانشجوی کارشناسی راهنمایی و مشاوره دانشگاه پردیس شهید رجایی فرهنگیان ارومیه، ارومیه، ایران

amirali.musazadeh@gmail.com

زمینه و هدف: یکی از عوامل مورد مطالعه، تعدد مشکلات ثبت شده در دفاتر ثبت مشاوران مدارس، از جمله سلامت روان است. آموزش خانوادگی، پایدارترین آموزش و محیط خانه، مهمترین آموزشگاه برای هر فرد می باشد. نباید فراموش کرد که کودکان پیش از عمل به پند و اندرز والدین، رفتار آنها را الگو قرار می دهند. والدین سهم بزرگی در تأمین و حفظ بهداشت روان فرزندان خود و جامعه دارند و عدم تأمین بهداشت روان خانواده، آسیب های شدیدی بر پیکره اصلی جامعه وارد می کند. نداشتن یک الگوی متناسب با وضعیت فعلی، جهت تأمین بهداشت روان، مسئله ای است که در این تحقیق به آن پرداخته شده است.

روش پژوهش: با توجه به این که مخاطبان این پژوهش نوجوانان، خانواده های آن ها و عوامل مدرسه می باشد، محتوای مربوط به الگو های علمی-تربیتی و سبک های فرزند پروری با استفاده از مطالعه کتابخانه ای، مطالعه مقالات علمی- پژوهشی و جستجو در سایت های اینترنتی تهیه شد.

یافته ها: فرزندان علاوه بر پیشرفت تحصیلی خود، باید از یک الگوی رفتاری متناسب با دوره رشد و بلوغ در کنار مسئولیت پذیری و تعهد پیروی نمایند که در این پژوهش، از الگوی مدیریت مشارکتی در خانواده توجه به مهارت های پنج گانه ارتباط اثربخش و صداقت و الگوی روابط شکل گیری بهداشت روان که توسط نویسنده اصلی این مقاله به عنوان الگوی بومی، طراحی و از چهار حلقه ی اتصال یافته تشکیل شده، به عنوان راهکاری کمک کننده و یاری بخش در حل مشکلات روانی و عاطفی افراد جامعه امروز، استفاده شده است.

نتیجه گیری: ضمن مطالعه الگوهای روابط خانوادگی موجود، مقایسه ویژگی های خانواده های سالم، ناسالم و ویژگی های افرادی که ارتباط اثربخشی باهم دارند، راهکارهای عملی پیشنهاد شده است.

کلید واژه ها: روابط خانواده، سلامت روان، تحصیل، فرزندان.

عوامل خانوادگی مؤثر بر سلامت روانی فرزندان: مطالعه مروری نظامند

زهرا میرزائی

دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره مدرسه، دانشگاه آزاد، اراک، ایران

zaahra.mii1372@gmail.com

زمینه و هدف: سلامت روانی به عنوان یکی از ملاک‌های تعیین‌کننده سلامت عمومی افراد در نظر گرفته می‌شود و دربرگیرنده‌ی احساس درونی خوب بودن، اطمینان از کارآمدی خود، استقلال و خودگردانی، کفایت و شایستگی، وابستگی میان نسلی و خودشکوفایی توانایی‌های بالقوه فکری و هیجانی است. بدون تردید خانواده مهم‌ترین و اصلی‌ترین نهاد تربیتی جامعه است. لذا توجه به تاثیر متغیرهای خانوادگی و اجتماعی بر سلامت روانی افراد، حائز اهمیت می‌باشد. این پژوهش با هدف بررسی عوامل خانوادگی مؤثر بر سلامت روانی فرزندان انجام شده است.

روش پژوهش: روش پژوهش حاضر از نوع مروری نظامند است. این جست‌وجو از طریق موتور جست‌وجوی Google Scholar و پایگاه‌های علمی معتبر شامل SID, Magiran, Noormags, Civilica, Ensani با استفاده از کلید واژه «سلامت روانی» فرزندان، انجام گرفت و اطلاعات لازم استخراج گردید.

یافته‌ها: به طور کلی ۱۱ مقاله مرتبط که سال انتشار آن‌ها از ۱۳۸۶ تا ۱۴۰۰ متغیر بود، انتخاب و مورد بررسی قرار گرفت. حجم نمونه‌های مورد مطالعه نیز در مجموع ۴۵۸۱ مورد بود. نتایج جست‌وجو نشان داد که متغیرهای انسجام و انعطاف‌پذیری مطلوب خانواده، حمایت اجتماعی و سازگاری زناشویی والدین، شیوه‌ی فرزندپروری مقتدرانه، توانایی حل مشکلات، برقراری ارتباط، نقش‌ها (الگوهای تکراری رفتار)، همراهی عاطفی (ابراز عواطف)، کنترل رفتار (میزان تاثیر اعضای خانواده بر یکدیگر) و تحصیلات پدر، نقش بسزایی در ارتقای سطح سلامت روانی فرزندان دارد. همچنین متغیرهای طلاق والدین، شیوه‌های فرزندپروری مستبدانه و سهل‌گیرانه و آمیزش عاطفی (درجه و کیفیت علاقه و نگرانی اعضای خانواده نسبت به هم)، با ایجاد اختلال در فرایند طبیعی رشد فرزندان، سلامت روانی ایشان را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نتیجه‌گیری: این مطالعه نشان داد که روابط خانوادگی، شیوه‌های فرزندپروری و عملکرد خانواده، ارتباط معنادار و پایداری بر سلامت روانی فرزندان دارد. از یافته‌های پژوهش حاضر می‌توان در راستای آگاهی والدین از متغیرهای مؤثر بر وضعیت روانی فرزندان و به کار بردن تدابیر لازم جهت افزایش سلامت روانی ایشان و کاهش آسیب‌ها استفاده کرد.

واژه‌های کلیدی: عوامل خانوادگی، سلامت روانی فرزندان، مطالعه مروری نظامند

بررسی رابطه سبک های دلبستگی و تنظیم هیجان در زنان متأهل

فاطمه نوری^{۱*}، احمدرضا کیانی^۲، حسین قمری گیوی^۳

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

۲- دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

۳- استاد تمام گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

Fnoori1999@gmail.com

زمینه و هدف: تنظیم هیجان به توانایی مدیریت هیجانها و راهبردهایی اشاره دارد که برای کاهش، افزایش یا نگهداری تجربه‌های هیجانی در موقعیت‌های مختلف به کار می‌رود. مطالعات متعددی سیستم دلبستگی را به‌عنوان بسط دهنده طبیعی ظرفیت تنظیم هیجانی شناسایی کرده‌اند. دلبستگی، پیوند عاطفی- هیجانی نسبتاً پایداری است که میان مادر و فرزند یا افرادی که نوزاد در تعامل منظم و دائم با آنها است ایجاد می‌شود. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی و تنظیم هیجان در زنان متأهل صورت گرفت.

روش پژوهش: روش این پژوهش همبستگی و جامعه آن شامل زنان متأهل با دامنه سنی ۲۵ تا ۴۰ سال ساکن شهر زنجان است که به روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۲۱۰ نفر از آنان انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از دو پرسشنامه سبک‌های دلبستگی (AAI) و دشواری تنظیم هیجان (DERS) استفاده شد. در این پژوهش داده‌های حاصل از اجرای پرسشنامه‌های سبک‌های دلبستگی و تنظیم هیجان با استفاده از روش آماری ضریب همبستگی پیرسون تحلیل و تمام مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ انجام شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد ضریب همبستگی بین تنظیم هیجان با سبک دلبستگی ایمن ۰/۱۷- و سبک دلبستگی نایمن- اضطرابی ۰/۴۲ به ترتیب در سطوح کمتر از ۰/۰۵ و ۰/۰۱ معنادار می‌باشند اما ارتباط معناداری میان تنظیم هیجان و سبک دلبستگی اجتنابی مشاهده نشد.

نتیجه گیری: می‌توان گفت اشخاصی که از نظر دلبستگی ایمن‌تر هستند، نسبت به زندگی خوش‌بین‌تر بوده و ارزیابی‌های فاجعه‌بار کمتری از خطرات و تهدیدها انجام می‌دهند. آن‌ها هم‌چنین به قابلیت‌های خود در مقابله با تهدیدها و چالش‌ها، اطمینان بیشتری داشته و تمایل دارند از راهبردهای تنظیم هیجانی سازنده‌تر و موثرتر استفاده کنند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مشکلات تنظیم هیجان با دلبستگی نایمن همبستگی مثبت و با دلبستگی ایمن همبستگی منفی دارد؛ در واقع افراد با دلبستگی ایمن، بهتر از افرادی که دلبستگی نایمن دارند، می‌توانند هیجان‌ات خود را تنظیم کنند.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های دلبستگی، تنظیم هیجان، زنان

بررسی رابطه سبک‌های دلبستگی و اسنادهای ارتباطی در زنان متأهل

فاطمه نوری^{۱*}، احمدرضا کیانی^۲، حسین قمری گیوی^۳

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

۲- دانشیار گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

۳- استاد تمام گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران

Fnoori1999@gmail.com

زمینه و هدف: خانواده یکی از عناصر اصلی جامعه محسوب می‌گردد و دستیابی به یک جامعه امن مستلزم داشتن خانواده‌های امن می‌باشد. دلبستگی، پیوند عاطفی - هیجانی نسبتاً پایداری است که میان مادر و فرزند یا افرادی که نوزاد در تعامل منظم و دائم با آنها است ایجاد می‌شود. پژوهشگران نتیجه گرفته‌اند که سبک‌های دلبستگی از طریق ایجاد مدل‌های درون‌کاری بر نحوه اسناددهی افراد نسبت به وقایع ارتباطی، تاثیر می‌گذارد و در واقع می‌توان گفت که اسنادهای ارتباطی دارای پتانسیل واسطه‌ای بین سبک‌های دلبستگی و کیفیت روابط نزدیک هستند. اسنادها به زوجین کمک می‌کند که دلیل اعمال یکدیگر را درک کنند و رفتارهای یکدیگر را تاحدی پیشبینی کنند. بنابراین، پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه بین سبک‌های دلبستگی و اسنادهای ارتباطی در زنان متأهل صورت گرفت.

روش پژوهش: روش این پژوهش همبستگی بوده و جامعه آن شامل زنان متأهل با دامنه سنی ۲۵ تا ۴۰ سال ساکن شهر زنجان است که به روش نمونه‌گیری در دسترس تعداد ۲۱۰ نفر از آنان انتخاب شدند و به پرسشنامه‌های سبک‌های دلبستگی و اسنادهای ارتباطی پاسخ دادند. برای جمع‌آوری داده‌ها از دو پرسشنامه سبک‌های دلبستگی (AAI) و اسنادهای ارتباطی (RAM) استفاده شد. در این پژوهش داده‌های حاصل از اجرای پرسشنامه‌های سبک‌های دلبستگی و اسنادهای ارتباطی با استفاده از روش آماری ضریب همبستگی پیرسون تحلیل و تمام مراحل تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS نسخه ۲۶ انجام شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد ضریب همبستگی بین اسنادهای ارتباطی با سبک دلبستگی ایمن ۰/۱۴- و سبک دلبستگی نایمن- اضطرابی ۰/۴۶ به ترتیب در سطوح کمتر از ۰/۰۵ و ۰/۰۱ معنادار می‌باشند اما ارتباط معناداری میان اسنادهای ارتباطی و سبک دلبستگی اجتنابی مشاهده نشد.

نتیجه‌گیری: زوجین با سبک دلبستگی ایمن، همسران حسنود هستند که رفتار منفی همسر را به شخصیت او نسبت نمی‌دهند و این موقعیت را ناپایدار در نظر می‌گیرند و آن را به سایر ابعاد رابطه تعمیم نمی‌دهند اما فرد با دلبستگی اضطرابی شامل سطح بالای اضطراب و وسواس در مورد همسر با مشغولیت ذهنی در مورد او و تردید در مورد خود می‌شوند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که داشتن سبک دلبستگی نایمن باعث می‌شود که زوجین تجارب رمانتیک و ارتباطی خود را از دیدگاه منفی بنگرند، و به عبارتی درگیر فرایند اسناد دهی منفی شوند.

واژه‌های کلیدی: سبک‌های دلبستگی، اسنادهای ارتباطی، زنان

پیش‌بینی اهمال‌کاری تحصیلی بر اساس مهارت‌های حل مسئله و خودتنظیمی هیجانی در دانش‌آموزان

نسیم یزدانی مقدم^۱، محمد خیر^۲، دکتر مرتضی عباسی^۳

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته روانشناسی تربیتی، موسسه آموزش عالی پيشتازان، شیراز، ایران

۲. استاد تمام، گروه روانشناسی تربیتی، موسسه آموزش عالی پيشتازان، شیراز، ایران

۳. استادیار، گروه روانشناسی تربیتی، موسسه آموزش عالی پيشتازان، شیراز، ایران

nasim7370@yahoo.com

زمینه و هدف: توجه به توانایی‌های حل مسئله و خودتنظیمی هیجانی در دانش‌آموزان بسیار اهمیت دارد، زیرا این مهارت‌ها ممکن است نقش بسیار مهمی در پیشگیری از اهمال‌کاری تحصیلی داشته باشند. از این رو این پژوهش، به پیش‌بینی اهمال‌کاری تحصیلی بر اساس مهارت‌های حل مسئله و خودتنظیمی هیجانی در دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه پرداخته است.

روش پژوهش: روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه دانش‌آموزان دختر دوره‌ی دوم مقطع متوسطه شهر یاسوج در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ بود. برای انتخاب حجم نمونه از جدول مورگان استفاده و تعداد ۳۱۷ نفر بعنوان حجم جامعه آماری در نظر گرفته شد. برای نمونه‌گیری در این پژوهش، از شیوه نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد؛ و جهت جمع‌آوری اطلاعات از مقیاس مسئله (PSI)، مقیاس اهمال‌کاری تحصیلی (APQ)، پرسشنامه راهبردهای تنظیم هیجان گراس (ERQ) استفاده گردید. تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش با آزمون همبستگی و رگرسیون و با استفاده از نرم افزار SPSS انجام گرفت.

یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که اهمال‌کاری تحصیلی بر اساس مؤلفه‌های مهارت‌های حل مسئله، مؤلفه سبک گرایش- اجتناب و اعتماد به حل مسائل قابل پیش‌بینی نمی‌باشد. ولی بر اساس مولفه کنترل شخصی قابل پیش‌بینی می‌باشد. همچنین خودتنظیمی هیجانی می‌تواند اهمال‌کاری تحصیلی در دانش‌آموزان دختر دوره متوسطه دوم پیش‌بینی کنند ($P < 0/5$).

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که دانش‌آموزانی که در مهارت‌های حل مسئله قوی هستند و از مهارت‌های خودتنظیمی هیجانی مطلوبی برخوردارند، احتمالاً به میزان کمتری به اهمال‌کاری تحصیلی مبتلا می‌شوند. این مهارت‌ها نه تنها به آنها کمک می‌کنند تا مسائل را بهتر تحلیل کنند و راه‌حل‌های مناسبی برای آنها پیدا کنند، بلکه از طریق مدیریت هیجان‌هایشان و تنظیم خودشان بهتر می‌توانند در مواجهه با چالش‌ها و مسائل تحصیلی عملکرد بهتری داشته باشند. در نتیجه، توسعه این دو مهارت می‌تواند به پیشگیری از اهمال‌کاری تحصیلی کمک کند و دانش‌آموزان را برای موفقیت در محیط تحصیلی آماده‌تر کند.

واژه‌های کلیدی: اهمال‌کاری تحصیلی، مهارت‌های حل مسئله و خودتنظیمی هیجانی

بررسی اثربخشی آموزش تفکر سیستمی در بهبود تعارضات زوجین

پیمان یوسف زاده^۱، نگین زرنگار^۲، رضاهوشمند کاخکی^۳

۱. دکتری مشاوره، استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم پزشکی تهران

۲. کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه وبستر هلند

۳. دانشجوی کارشناسی ارشد روان شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم پزشکی تهران

rezahoushmand.re@gmail.com

زمینه و هدف: تفکر سیستمی یک جهت گیری مجدد شناختی جامع است. نظریه سیستم ها مجموعه ای از اصول را به ما ارائه می دهد که به کمک آن ها می توانیم رفتار انسان را بهتر درک کنیم. هدف پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزش تفکر سیستمی بر بهبود عملکرد زوجین به عنوان یک سیستم در الگو های حل تعارضات می باشد.

روش پژوهش: این پژوهش از نوع نیمه آزمایشی با طرح پیش آزمون-پس آزمون انجام شد. نمونه این پژوهش را ۳۰ نفر از زوجین فاقد سازگاری مراجعه کننده به کلینیک روانشناختی فرگشت تشکیل می دهند که با استفاده از شیوه نمونه گیری تصادفی انتخاب شدند. ملاک ورود به پژوهش تایید عدم سازگاری توسط پرسشنامه سازگاری زناشویی اسپانیایی (DAS) بود. ابزار مورد استفاده د این پژوهش پرسشنامه سبک های حل مسئله (PSS) بود. ابتدا بر روی تمامی افراد پیش آزمون انجام گرفت؛ سپس زوجین در ۸ جلسه ۹۰ دقیقه ای تحت آموزش قرار گرفتند و سپس پس آزمون بر روی آن ها انجام گرفت. داده های به دست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS27 و روش تحلیل کوواریانس بررسی شد.

یافته ها: یافته ها حاکی از بهبود سطح عملکرد زوجین در حل تعارضات بود ($P < 0.05$).

نتیجه گیری: نتایج پژوهش نشان داد که آموزش تفکر سیستمی بر بهبود تعارضات زوجین تاثیر معناداری دارد.

واژه های کلیدی: تفکر سیستمی، تعارضات زوجین، حل مسئله

پایان